فوندون

اطلاعات اوپکیشن

LIBRARY OF CONGRESS
6
JAN 24 1982
CONT. COPY.....
ORDER DIVISION

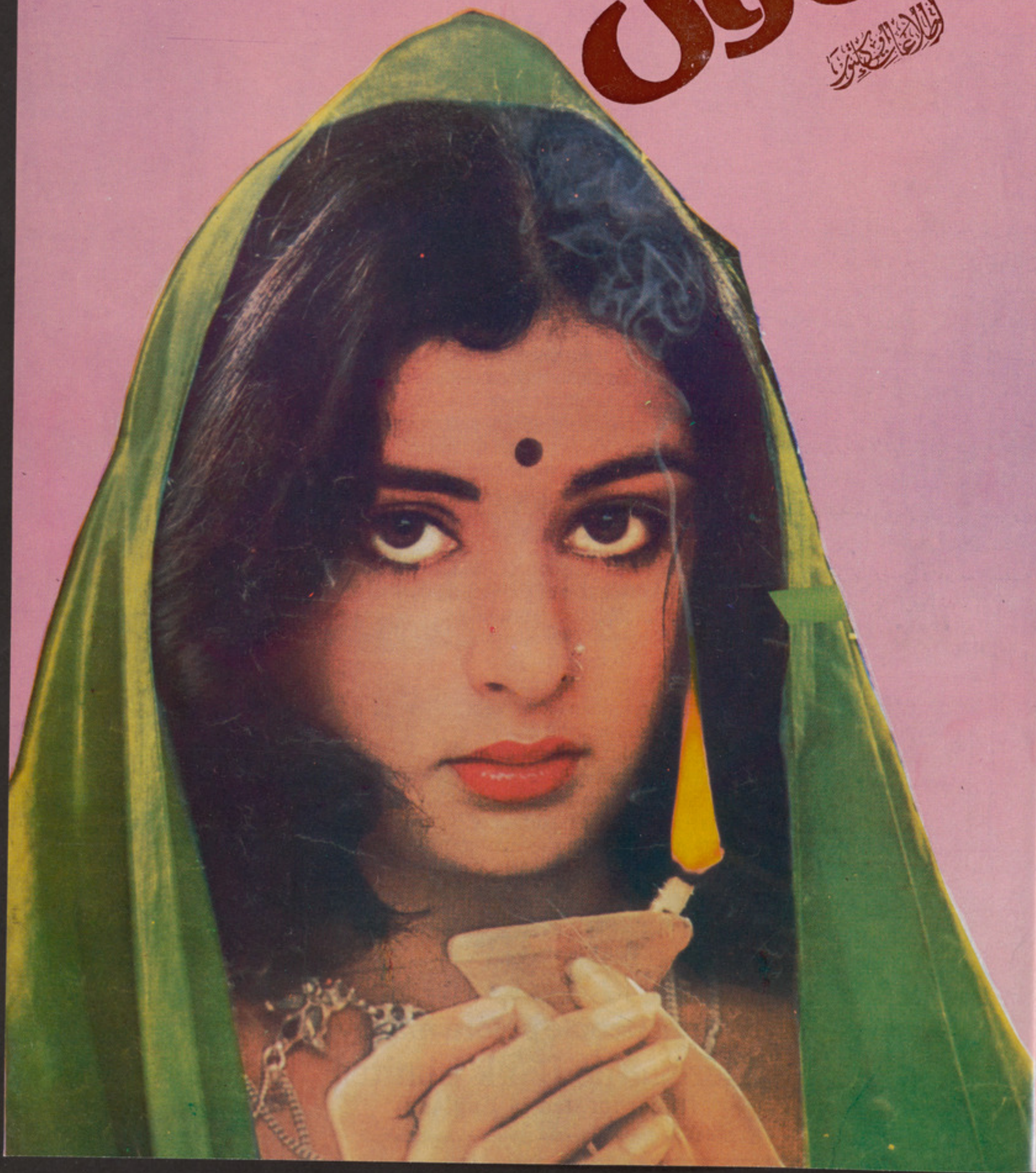

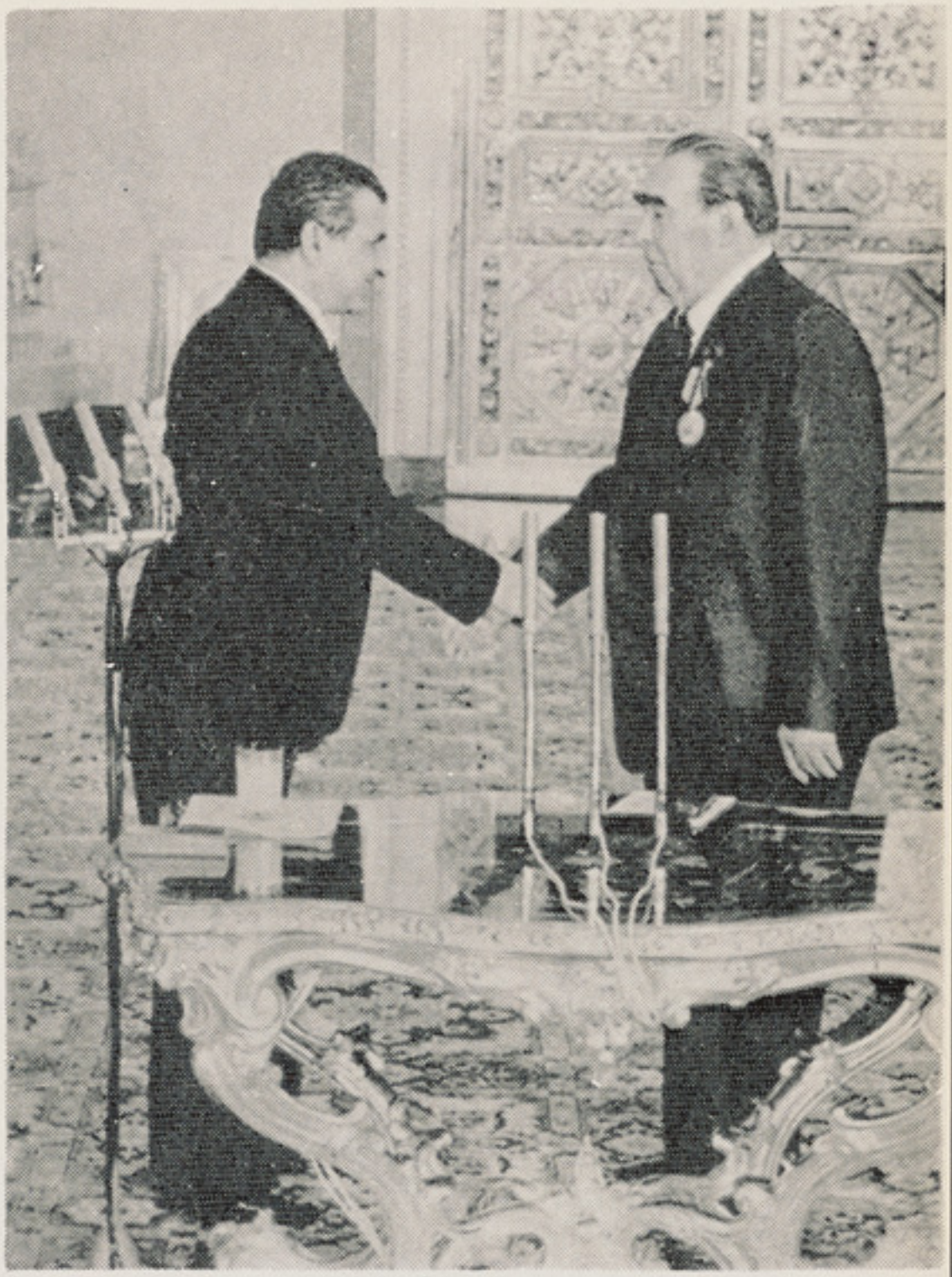

دافغا نستا ن د خلك دموکراتیك‌گوند دمر کزی کمیتی عمومی‌منشی او دافغا نستا ن دد مو کرا تیـك‌جمهو ر یت دا نقلا بی شو را رئیس ببرك کارمل دکا بل په وخت دقوس‌په۲۵ نیټه د کر یملین پـه مـا نی کی د خا صو مرا سمو د شوروی‌اتحاد د کمو نست گو ند د مر کزی کمیتی د عمومی منشی او د عالی‌شورا د ر ئـیسه هیـأت د صدر- لیو نید ایلیچ بریژ نف پر سینـه‌باندی دآزادی لمر نښان و خړاوه.

نه ورو سته دافغا نستا ن د خلـك دیمو کرا تیك گو ند د مر کـزی کمیتی د عمو می منشی او دانقلابی شو را درئیس ببرك کارمل په پرا- نیستو نکی و ینا سر ه دانقلا بـی شورا په مقر کـی جـوړ شو اود گوندی مرضمو عگانو په باب‌یـولړ لازم تصمیمونه ونیول شول .

• • •

از طر ف ببرك کارمل منشـــی عمومی کمیته مر کزی حزب د مو - کرا تیك خلق افغانستان و ر ئیس شو رای انقلا بی جمهوری د مو - کرا تیك افغا نستا ن تیلگرا م‌تبر- یکیه به مناسبت روز آزادی فنلند عنوانی ممو گوو ستو کفیل ریاست جمهو ری آنکشور به هلسنکـــی مخابره شده است .

• • •

هیات رئیسه شورای انقلابی تحت ریا ست ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب د مو- کرا تیك خلق افغا نستا ن و رئیس شورای انقلا بی جمهو ر ی دمو - کرا تیك افغا نستا ن روز ۱۹قوس تشکیل جلسه دا د .

• • •

از طر ف ببرك کارمل منشـــی عمومی کمیته مر کزی حـــز ب دموکراتیك خلق افغانستان‌و رئیس شو رای انقلا بی جمهوری د مو - کرا تیك افغانستا ن تیلگرا م‌تبر - یکیه بمناسبت انتخا ب هنگـــك سا مرین‌بحیث منشی عمومی کمیته مرکزی حزب انقلابی مرد م کمپو - چیاورئیس جمهور جمهو ر یـــت مردم‌کمپو چیا عنوا نی مو صو ف‌به پنوم پن مخابره گردیده است.

• • •

ببرك کارمل منشی عمو می‌کمیته مر کزی حزب دمو کراتیك خلـــق افغانستان ورئیس شورای انقلا بی جمهوری د مو کرا تیك افغا نستان بنا بد عو ت تودور ژیفکو ف منشی عمومی کمیته مر کزی‌حزب‌کمونست بلغاریا و رئیس شورا ی دو لتـی جمهوریت مردم بلغاریا قبل از ظهر ۲٤ قو س در راس یك هیا ت‌عا - لیر تبه حز بی و دو لتی جمهوری دمو کراتیك افغا نستا ن برا ی یك مسا فر ت رسمی و دو ستا ـــــه عا زم صو فیه گردید ند .

• • •

اختصار وقایع مهم

دافغانستا ن د خلك دیمو کراتیك گو ند دمر کزی کمیتی او وم‌پلینو م د۱۳٦۰ دقوس په ۱٤نیټه له غرمی

ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق‌افغا- نستان و رئیس شو رای انقـلابـی جمهوری دمو کراتیك افغـا نستان هنگام مصافحه با تودور ژیفکـوف منشی عمومی کمیته مرکزی حـزب کمو نیست و رئیس شورای دولتی جمهوری مردم بلغاریادر صوفیه

کارمل منشی عمومی‌کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا هنگـــام‌مسافرت شان به کشور دوست بلغاریا درمیدان هوایی بین المللی کـابل .

بیرك‌کارمل منشی عمومی کمیته
زی حزب دمو کراتیك خلـــق
نستا ن ورئیس شو را ی‌انقلابی
ر ری دمو کرا تیك افغا نستان
دو رژ یفکو ف منشی عمومـی
ته مر کزی حزب کمو نست
ئیس شورای دو لـتی جمهوری
مردم بلغاریا سا عت ده قبل ازظهر
۲۶ قو س مذا کرا ت رسمـــــی
و دو ستانه شا ن را در قصـــر
بو یو نا در صو فیه آغازکردند.

• • •

سلطا نعلی کشتمند عـضو
بیروی سیا سی کمیته مر کـــز ی
حزب دمو کرا تیك خلق افغا نستان
ورئیس شورای وزیرا ن جمهو ر ی
دمو کرا تیك افغانستان روز۲۳قوس
بوطن باز گشت و در میدا ن هوایی
بین المللی کا بل از طر ف عـــدهٔ
از اعضا ی بیروی سیا سی عـــده
از منشیا ن واعضای کمیته مر کزی
حزب دمو کرا تیك خلق افغانستان
معاو نین هیئت رئیسه شو را ی
انقلا بی معاو نین و اعضا ی شورای
وزیرا ن جمهوری دمو کرا تیـــك
افغانستا ن وعده از مامو رین عا ـ
لیر تبه مستشار وزیرمختارواعضای
سفارت کبرا ی اتحاد شو رو ی‌مقیم
کا بل استقبا ل گردید .

سلطا نعلی کشتمند عـضوبیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب‌دموکراتیك خلق افغا نستان ورئیس‌شورای و زیران هنگام مواصلت‌در
میدان هوایی بین المللی کابل

پیک ژوندون

حزب ما، حزب‌دمو کراتیک خلق افغانستان‌یگانه نیروی سیاسی در کشور ما است که همیشه وبه طور پیگیر علیه سیاست غیرعادلانه‌وتبعیض رژیم های استثماری گذشته درارتباط بامساله ملی که حاصل آن نفاق وبدبینی،ظلم‌وستم وعدم مساوات بین ملیت ها و اقوام کشور بر خاسته ورفع آنر خواسته است .

شنبه ۳۰ قوس ۱۳۶۰، ۲۱ دسامبر ۱۹۸۱

تساوی حقوق ملیت‌هاو حل مساله‌ملی

۲۸ قوس شاهد رویدادعظیم تاریخی دیگری در کشور بودیم که عبارت از برگزاری هفتمین پلینوم‌کمیته مرکزی ح۰د۰خ۰۱۰ میباشد درنتیجه این پلینوم مصوبه یی به تصویب رسید که منجملهٔ سایر امور مبرم حزبی ودولتی ، تساوی حقوق تمام ملیت ها واقلیت های ملی ساکن کشور بیان گردیده و راه های حل اساسی مسایل ملی در زمینه های سیاسی ـ اجتماعی ـ اقتصادی و فرهنگی نشان داده شده است .

خلقهای زحمتکش ، اقوام و قبایل وملیت های ساکن کشور محبوب‌ماافغا نستان انقلابی که در تحت رژیم های غیر مردمی واستثماری گذشته مورد ظلم‌واستبداد واستثمار بیرحمانه طبقات استثمارگر جامعه و قدرت های حاکم وابسته به سیستم مسلط فیودالی قرار میگرفتند نه تنهاازحقوق انسانی خود درزمینه های سیاسی ـاقتصادی ـ اجتماعی‌و فرهنگی بطور یکسان بر خوردار نبودند ومخصوصا اقلیت های ملی کشور ما که از همه امتیازات سیاسی ـاجتماعی وکلتوری محروم وبی‌بهره بودند همچنان این اختلاف و تمایز و تبعیض دربین آنها از طرف دولت های ارتجاعی وقت دامن زده می‌شد تا حکومات جبار واستبدادی بتوانند از طریق ایجاد تفرقه انگلیس مابانه و پراگند گی و حاد ساختن تضاد های ملی در بین مردمان شریف و زحمتکش ما یعنی در بین اقوام و ملیت های برادر ساکن میهن عزیز ماچند صباحی بیشتربه‌طول عمرننگین وکثیف شان بیفزایند وبا تغذیه خون مردم رنجدیده وزحمتکش این مرزوبوم باستانی‌خود را چاق تر سازند .

انقلاب ظفر آفرین‌ثور که‌به حکمروایی‌ارباب ستمگر وقدرت های استثمارگر درکشورماپایان داد دست آورد های آن متعلق به همهٔ ملیت هاواقوام ساکن‌افغانستان صرف نظر از محل تولد ، ووابستگی آنان به ملیت هاواقوام برادر ساکن وطن و محبوب مان می‌باشد. حزب و دولت انقلابی مافقدر نظر داشت این اصل عمده واساسی که اعمار یك جامعه‌نوین وشگوفان‌درافغانستان بدون‌اشتراك وسهمگیری فعال تمام اقوام و قبایل ونیرو ها و اقشار ملی ووطنپرست کاری است دشوار برای نخستین بار در تاریخ کشور ما دست به ابتکار عظیم انقلابی زد و با جمع کردن این نیرو های ملی ووطنپرست در جبهه ملی پدروطن زمینهٔ وحدت و اتحاد واقعی همه اقوام و ملیت های زحمتکش کشور ما را فراهم ساخت همزمان با رشد وتکامل انقلاب ملی و دمو کراتیك ثور حزب ودولت انقلابی مادرجهت وحدت هر چه بیشتر مردم زحمتکش کشور گام های استوار وثمر بخش بر داشته وبطور پیگیر علیه سیاست غیر عادلانه و تبعیض رژیم های استثماری گذشته که حاصل آن نفاق وبدبینی ، ظلم‌و ستم وعدم مساوات بین ملیت ها واقوام‌کشور بود به مبارزه وپیکار انقلابی خودادامه‌میدهد. باید اذعان داشت که به برکت پیروزی انقلاب ثور و مخصوصا مرحلهٔ‌تکاملی‌آن‌برای نخستین بار در تاریخ کشور تساوی واقعی حقوق سیاسی تمام‌ملیت‌هاواقوام کشور رسما اعلام گردید در مصوبهٔ هفتمین پلینوم کمته مرکزی ح۰د۰خ۰۱۰ که بتاریخ ۲۸ وس دایر گردید منجمله چنین تذکر رفته است که :

درعرصهٔ سیاسی حزب‌وحکومت‌مصمم‌اندمشی خودر ادر جهت افزایش فعالیت سیاسی‌و اجتماعی تمام ملیت ها بدون استثنا در جهت تامین وتوسعه نمایندگی آنان در جرگه های ولایتی که در طرح قانون ارگان های محلی قدرت دولتی و اداره پیشبینی میشود درجهت تامین وتوسعهٔ نمایندگی آنان درسازمان های حزبی و ارگان های دولتی ، در کمیته های اجرائیه وکمیته های ولایتی جبههٔ ملی پدروطن ودر تمام سازمان های اجتماعی شامل جبههٔ ملی پدروطن در وجود نمایندگان شایسته‌و با احترام وبا اتوریتهٔ این ملیت هاو اقرام بطور پیگیر تعقیب نما یند .

در محلاتیکه اکثریت اهالی مربوط به ملیت ویا قوم معین است رهبری و متناسب به‌آن تعداد لازم کرسی ها در ارگان ها وسازمان های دولتی واجتماعی متعلق به نمایندگان همان ملیت یا قوم خواهد بود .

همچنان در مصوبهٔ مذکور توضیح گردیده است که در شرایطلازم تشکیل اداری کشور بر اساس ملیت ها واقرام ساکن‌وبه منظور حل بنیادی مساله ملی تجدید نظر اساسی بعمل خواهد آمد .

به همین قسم درساحهٔ اقتصادی حزب و حکومت توجه خودرا به رشد سریع مناطق زیست آن ملیت ها واقوامی معطوف خواهد ساخت که در وضع کنونی از لحاظ اقتصادی کمترین رشد یافته اند .

سیاست حزب و دولت انقلابی مادر جهت رشد وشگوفایی فرهنگ وکلتور ملیت های کشور ما واقعا عالی وستودنی است چنانچه به همه ملیت ها حق آموزش بزبان مادری‌بر اساس انتخاب آزادانه داده می شود . حزب ودولت تمام تدابیر لازم رادر جهت رشدزبان هاو لهجه های ملیت ها واقوام افغا نستان برای حفظ رسم الخط ، تاریخ و فرهنگ‌آنان نزدیکی و همکاری تمام ملیت هاواقوام بمنظور رشد همه جانبهٔ آنان اتخاذ می‌نماید .

بادر نظر داشت آنچه که گفته آمد چنین استنباط بدست آمده می‌تواند که بدون‌وحدت ویکپارچگی واشتراك وسهمگیری همه جانبه تمام اقوام و قبایل‌ونیرو های ملی ووطنپرست کشور در جهت اعماریك‌جامعهٔ نوین ، شگوفان وسعادتمند نمی‌توان بسر منزل مقصود رسید واین اصلی است که حزب و دولت مترقی و مردمی ما سخت به آن باور کامل داشته‌و برای تحقق این آرمان والا یعنی حل مساله ملی بخاطر وحدت هر چه بیشتر توده های ملیونی زحمتکشان کشور تساوی حقوق‌ملیت هاواقوام و قبایل برادر ساکن افغا نستان برای بار اول. در تاریخ کشور اعلام گردید تادست آورد های انقلاب شکوهمند ثورشامل حال همهٔ گروپ های ملی‌وزحمتکش ما گردیده وعدالت اجتماعی و دمو کراسی واقعی تامین شده بتواند .

در این شماره

• • •

سی و سومین سالروز اعلامیهٔ جها
حقوق بشر .

• • •

گردهم آیی های اختصاصی ژوندون
میز گرد .

• • •

بحرونه دلری دئروتونو سترزیرمی

• • •

دستها تارها و بازیها

• • •

اشعه لایزر وسابقه استفاده ازآن در
وتداوی امراض

• • •

نگاهی به تاریخ‌چندسال اخیر اعمال
گرانه نژاد پرستان و حامیان آنان در
افریقا

• • •

یادی از تاسیس حزب واحد رفیقان

• • •

آیاداستان های عجیب و حیرت آو

برای کودکان میتوان پیشکش نمود !

• • •

مکتوبات عبدالرحمن‌جامی‌نمایا نگر شخ
اخلاقی وانسانی او .

• • •

غاتول کله وژید !

• • •

شرح روی جلد :
زیبا رویی ازسر زمین هند
تابلوی پشتی چهارم : منظره یی ا
گوشهٔ شهر کابل .

به مناسبت

سی و سومین سالروز اعلامیه جهانی حقوق بشر

دردهم دسامبر سال ۱۹۴۸ رویداد بزرگی در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه عظیم بشری بوقوع پیوست‌که سالگرد ش همه‌ساله از طرف نیروهای صلح دوست وترقی خواه جهان باشکو همندی خاصی تجلیل‌میگردد این رویداد بزرگ عبارتست از تصویب اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر که در ختم جنگ خانمان سوز دوم جهانی به جهانیان اعلام گردید •

درست یکصدو نود وسه سال قبل ازامروز یعنی در دورانی که بورژوازی تازه بپاخاسته فرانسه از میان مناسبات فرسوده فیودالی وقرون وسطی پی قامت کشیده بودو همزمان با پیروزی انقلاب کبیر فرانسه درسال ۱۷۸۹ حاکمیت سیاسی رابه کف در آورد اد مجمع ملی فرانسه اعلامیهٔحقوق بشرازطرف‌نیروهای انقلابی وقت بپاس احترام وارجگذاری بمقام والای انسان وانسانیت وبخاطر تامین زندگی آزاد ، آباد و سر بلند کتله های جامعهٔبشری اعلامیه حقوق بشر تصویب و اعلام گردید • مگربورژوازی بدان جهت لبرالیستی بخشیده از آن باشعار «بگذار هر چه می‌خواهم بکنم» استفاده برده زنده گی ملیون ها انسان محنت کش روی جهان را فدای آرزو های شوم و حریصانه خود ساخت •

همپای ختم جنگ جهانی دوم که از جانب مدافعین سرمایه و فاشیزم هتلری دامن زده می‌شد موضوع احقاق حقوق بشر برای بار دوم درسال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی تائید و تصویب گردید که از آن روز تا کنون سی‌و سه سال می گذرد •

آری ! در جهان مادر آن عده ازکشور هایی که‌از نظام های مترقی‌و دمو کراتیک برخوردار اند بر اساسات منشور ملل متحد و بخصوص اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر ارج بی پایان گذارده میشود ودر اینگونه کشور ها بر ضد هرگونه تبعیض ، اپارتاید ، تبعیض نژادی، استعمار و استثمار مبارزه پیگیر صورت می‌پذیرد وگام های استواری در جهت تحقق هر چه بیشتر اعلامیه حقوق بشر بر داشته می‌شود ، ولی با کمال تاسف باید گفت که هستند کشور هاو مللی که تا هنوز هم از مزایای اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر بی بهره مانده اندو ملیون ها انسان اینگونه جوامع بجرم سیاهی و یاسرخی پوست،ورنگ خویش درایالات متحده امریکا ، افریقای جنوبی و دیگر نقاط گیتی در بدترین ودشوار ترین شرایطی امرار حیات می‌ورزند •

ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیك خلق افغا نستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دمو کراتیك افغا- نستان در پیام ارزشمندو انقلابی شان که‌به مناسبت سی‌و سومین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ایراد فرموده اند چنین اظهار داشتند •

«اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر که دردہ دسامبر سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید در نتیجه تلاش های پیگیر و همه جانبهٔنیروهای صلح دوست ومترقی جهان که در مبارزه علیه فاشیزم هتلری رزمیده اند طرح و تصویب گردیده است • تصویب‌این‌اعلامیهٔ جامعهٔ بین المللی رامکلف به حمایت از حقوق بشری و کرامت انسانی گردانیده واشعار می دارد که نگذار توده های بشری‌ازاین امتیازات محروم ساخته شوند •

در نهایت تاسف باید اظهار کرد با وصف اینکه امروز سی وسه سال از اعلامیهٔجهانی حقوق بشر می گذرد هنوز هم تخلفات صریح از حقوق حقهٔ خلق هاو ملل جهان در اثر فعالیت های ضدصلح نیرو های امپریالیزم صورت می‌پذیرد و حتی بعضی از کشورهای غربی این سندمهم‌جهانی راتصویب نکرده‌اند، دولتهای ارتجاعی با تعقیب سیاست های آپارتاید ، تبعیض نژادی، استعمار ، استعمار نوین صهیونیستی و دیکتاتوری ، ظلم و استبداد بی پایانی را برتوده های بیشماری از انسان های شریف افریقا،آسیا وامریکای لاتین روامی‌دارند •

دولت های سرمایه داری توده های عظیمی از کار ران و دهقانان را دربند سیاست های سود جویانه محافل حاکم وانحصارات عمده سرمایه داری کشانیده و آن ها را موردبهره کشی قرار می‌دهند •»

امپریالیزم جهانخوار امریکا و همدستان ارتجاعی و هژمونیستی آن همیشه ودر طول زمان به سرنوشت ملل و مردمان گیتی ارجی نگذاشته برای آنکه منافع حریصانه خود را بدست آورده باشند بابکار بردن تفاوت های لسانی ، مذهبی ، قومی ، نژادی و ملی که میان مردمان جهان وجود دارد توده های از مردم زحمتکش جهان را بهم می‌اندازد و در راه حصول آرمان های رزیلانه خویش بیشر مانه سعی می‌ورزد •

در وطن محبوب ما حزب دمو کراتیك خلق افغانستان «پیش آهنگ طبقه کارگر و تمام زحمتکشان کشور» که انعکاس اصولی حقوق بشر در مرام آن بو صاحت نمایان گردیده است از همان آوان تاسیس خویش تاکنون علیه انواع ستم های ملی واجتماعی دلیرانه رزمیده استو این مبارزه عادلانه را تاسرحد پیروزی نهایی ادامه خواهد بخشید •

بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور که قدرت سیاسی در کشور عزیز مابه خلق زحمتکش وبه نماینده‌گی از آن به حزب دمو- کراتیك خلق افغا نستان «پیش آهنگ طبقه کارگروتمام‌زحمتکشان‌کشور» «انتقال‌یافت‌برای تامین حقوق بشر وآزادی های دمو کراتیك مردم کشور اقدامات بزرگی صورت پذیرفته است • اصول اساسی جمهوری دمو کراتیك افغا نستان که در شرایط کنونی حیثیت قانون اساسی موقت کشور مارا دارا می‌باشد بدین موضوع تاکید جدی می‌ورزد ، چنانچه در ماده شانزد هم اصول اساسی دولت جمهوری دمو کراتیك افغا نستان‌در اینمورد چنین می‌خوانیم :

«جمهوری دمو کراتیك افغا نستان منشور سازمان ملل متحد واصول قبول شدهٔ عمومی حقوق بین المللی را احترام ورعایت کرده از فعالیت های سازمان ملل متحد مبنی بر- تحکیم صلح وانکشاف همکاری های بین‌المللی پشتیبانی می‌کند •»

آری ! در شرایط کنونی که کشور وجامعه مادر مقابل یك جنگ اعلام ناشده ارتجاعی هژمونیستی و امپریالیستی قرار گرفته‌است وارتجاع و امپریالیزم با فرستادن عناصر اجیر شده از ماورای سر حدات کشور ما باپشتاره هایی از مرمی و باروت فضای آرام وصلح آمیز زندگی مردم ما را برهم می‌زنند، مردم آزاده مادلیرانه وبس دلیرانه به دفع وطر د تجاوزات ومداخلات ارتجاعی وامپریالیستی می‌پردازند ، سنگر های دشمن رایکی بعد دیگر در هم می‌شکنند و آخرین بقایای ضد انقلاب رااز سر زمین محبوب پدر وطن خویش محو و نابود می‌سازند •

مردم آزاده ماهما نگونه که در مبارزات بر حق و عادلانه خویش از حمایت نیروهای صلح دوست و مترقی جهان بر خورداراند همبستگی خودرا با تمام خلقهای تحت ستم جهان چون زحمتکشان فلسطین ،نامیبیا ، السلوادور و دیگر مردمان تحت ستم جهان ابراز داشته موفقیت ایشان رادر مبارزات عادلانه ضد ارتجاعی ، ضد صهیونیستی وضد امپریالیستی شان توقع می‌برند •

گردهم آیی های اختصاصی ژوندون

مسایل: سیاسی ، اجتماعی وخانوادگی وفرهنگ وهنر

دربوتهٔ نقد وانتقاد

طرح وتنظیم : رووف راصع
حکم : راحله راسخ خرمی

درین جدل :

۱ـ سمونوال احمد علی احمدیار رئیس‌ترافیك .

۲ـ سمونمل عبدالبصیر شهپر معاون ریاست ترافیك .

۳ـ سمونیار عبدالرزاق مدیر ترافیك شهر کابل .

٤ـ محرم علی معاون شاروالی کابل .

٥ـ سمونمل عبدالباقی آمر پلان ریاست‌ترافیك .

٦ـ غلام حضرت زیارکش مدیرپروگرام های ملی بس .

۷ـ احمد غوث زلمی ژورنالست .

شرکت داشتند .

رووف‌راصع :

همانگونه که در آغاز یادآوری کردم قانون ترافیك تاکنون فقط یك جهت و یك رخ‌داشته است ، به این معنی که مقصر همیشه‌راننده بوده و هم او مورد مجازات قرار گرفته است در حالیکه تخلف عابر پیاده در مواردی‌فراوان می‌تواند سبب‌وانگیزه واقعی یك سا نحه ترافیکی باشد و همین ایجاب می‌کندکه مادر برا بر قانون ترافیك و آن موادی که راننده هارا تابع ا صل جزایی میسازد مقرره هایی هم برای عابر پیاده داشته باشیم که وی را مشمول ا صل جزایی سازد ، چنانکه درموردی از حوادث ترافیکی اگر شخص عابر به‌خاطر کم التفاتی و بی تو جهی اش به قانون ترافیك سانحه‌ی ترافیکی ایرا مو جب گردد، حتی در صورتی که این سانحه موجب معدوم شدن و یا معدوم گشتن وی هم بشودراننده که خلاف ورزی نداشته است نباید مورد جزای قانونی قرار گیرد و یا علیه اودعوایی اقامه گردد ، آیا در قانون جدید ترافیك‌این کم داشت ها به اصلاح آمده است یا خیر؟

رئیس ترافیك :

بلی ، مادر قانون جدید ترافیك فصل جزایی داریم که انواع جزارا نظر به نوع جرم برای شخص مجرم تعیین میکند وبهمین ترتیب و قتی حادثه ترافیکی‌یی ا تفاق‌می‌افتد اعضای بر رسی ها از نظر فنی محل حادثه را به م طالعه می گیرند ومجرم‌را به شناسایی می آورند ، در هر حادثه فقط شخص مجرم تنبیه می گردد خواه راننده‌باشد ویا عابر پیاده .

راصع :

یکی از مسایلی که مشکلاتی را در کار ترافیك به وجود می‌آورد ، عدم‌روحیه‌ی همکاری میان ادارات و ار گان هایی ا ست که به نحوی باترافیك جاده سرو کار دارند مانند ر یاست سا ختمانی شاروالی و یاشعب راه سازی‌وزارت فواید عامه و مانند آن .

مسئله این است که آیا این ادارات در برابرترافیك مکلفیت های قانونی دا رند. که در صورت تخلف از آن موارد جزایی نیز برای‌آن در نظر گرفته شده باشد و یا خیر؟

رئیس ترافیك :

در فصل هفتم قانون ترافیك به‌تمام‌ادارات وساز مان هایی که به نحوی در کار ترا فیك جاده مسوولیت هایی دارند ، مکلفیت‌ها و وجایب قانونی درنظر گرفته شده است .

به عنوان مثال ماده سی و هشتم فصل هفتم این قانون در این ز مینه حاوی‌این‌احکام است :

«به منظور تامین امنیت ترافیکی ، شاروالی ها ، موسسات سا ختمانی ، جاده ها وحفظ ومراقبت سرکها موظف اند ، که :

۱ـ سطح جاده ها ، پیاده روهاوتاسیسات ترافیکی را ، پاك ، فعال و برای عبور ومرور آزاد نگهدارند .

۲ـ محلات برفگیر را از برف پاك وبمنظور جلوگیری از برف کوچ و سنگ کوچ موانع خطرناك جاده را با سا ختمان های مستحکم محفوظ نگهدا رند .

۳ـ در صورت یخبندی سطح جاده ها منظور جلو گیری از تصاد مات ترا فیکی مواقع‌لازم به ریگ اندازی یا مخلوط بانمك اقدام به عمل آ رند .

٤ـ در صورت تر میم واعمار جاده ها سرك های فرعی ، تاسیسات مو قتی را منظور جریان ترافیك به کار اندازند .

٥ـ در جا هاییکه ایستگاه های بس‌تثبیت می‌گردد ، جاده را به کنار راست عریض وسیع سازند .

٦ـ و سایط وو سایل غیر فعال راازسطح جاده دور سا خته ، کندگی ها ، سوراخ ها و جوی ها ومواضع خطر ناك را به مو قع علامه گذاری وقابل شنا خت بسازد . »

همچنین ماده سی و نهم از همین فصل دارای این احکام است :

« موسسات سا ختمانی و نقشه کشی مکلف اند حین تر تیب نقشه و قبل از سا ختمان غرض تثبیت محلات پار کینگ پیاده رو ها ، ایستگاه های بس، چهار راهی ها ، تمدید و ترمیم جاده ها ، مواضع نصب علایم و تا سیسات ترافیکی و سایر موا د مربوط به امنیت ترافیکی مشوره و نظر اداره ترافیکی را حاصل نمایند .»

رووف راصع :

این درست است که در قوا نین و مقرره ها موا ردی که بر اساس آن باید همکاری میان ار گان ها وسازمان های دو لتی بسط یابد، در نظرگرفته شده، اما مساله این‌است که تاکنون چنین رو حیه یی یا اصلا وجود ندارد یا خیلی کم و جود دارد، به اجازه شما مثال را در زمینه شیوه کار توزیع خد مات شهری به و سیله ادارات مسوول و بالاخص در مورد مسایل مربوط به ترا فیك جاده ارائه میدارم :

همین اکنون شار والی کا بل براساس دستورات قانون ترا فیك جاده مکلف است در گو شه های مختلف شهر و محلات مناسب‌پارکینگ هایی را به و جود آورد تا و سا یل ترا فیکی ناچار نگردند در عرض‌جاده توقف کننده و راه را بند آورند و یا چنین مو سسه باید مرا کزی‌رابرای رو شند گان دوره گرد در نظر گیرد تا از تجمع آنان در پیاده روها کاسته شود و عابران پیاده ناچار نبا شند سرك مو تر رو استفاده کنند به همین ترتیب ادارات آب وبرق، مخابرات، فواید عامه وار گان های دیگری که به نحوی با ترافیك جاده سرو کار دارند باید پیش از آ نکه صرفا به منظور لین دوانی برق، پیپ‌ها ویامقاصد دیگردست‌به کندن کاری جاده ها بزنند، اداره ترا فیك را از نظر وطرح خود آگاهی د هند تا چنین نباشد که عرض جاده‌یی‌کندن جاری گردد روز ها و هفته هابه‌همان حال باقی ماند، مشکلاتی را برای وسایل ترا فیکی به وجود آورد وخود اداره ترافیك از آن خبر نباشدوسخن دیگر دراین زمینه‌اینکه ترافیك‌کابل بعد از انفاذ قانون ترافیك جاده برای به و جود آوری چنین ار تباطزنجیری میان ار گان های مسوول ووا بسته به ترافیك جاده وهم آهنگ نمودن فعالیت ها چه اقدا ماتی را به اجرا آورده است ؟

رئیس ترافیك :

کاملا درست است که تطبیق قانون در زمینه به وجود آوری یك نحوه اجرایی هم آهنگ به و سیله همه ادارات دست اندر کار در امورترافیك جاده امری ضروری و حیاتی است، اما آنچه که ما را گاهی تا حدی از این آرمان دور میا ندازد بی تو جهی وکم التفاتی نیست بلکه مشکلاتی است‌که حل آن در وقت کم میسر نمیبا شد وایجاب گذشت زمان را میکند،مابرای تطبیق همه جانبه قانون ترافیك جاده به فکتور زمان و بودجه وپر سو نل کافی نیاز داریم و بدون شك درآینده نزدیك ترافیك خواهد توا نست مشکلات خود را پا یان دهد و زمینه های تطبیقی قانون ترا فیك جاده را کاملا ودر همه زمینه ها فراهم گرداند.

در مورد خاصی که شما به‌آن اشاره کردید ومر بوط میگردد به نحوه وشیوه کار اداراتی که با ترا فیك جاده سرو کار دارند و هم آهنگ نمودن آن ما درسال ۱۳۵۹ درجریان یك نشستن و دعوت از همهٔ مسوولان این ادارات مشوره هایی را به آنان دادیم بعدا نیز با انفاذ قانون‌جدید این سلسله نشست ها را دوام‌دادیم که نتیجه کلی آن این بود که شاروالی کابل درسال ۱۳٦۰محلاتی را در شهر کابل برای پار کینگ ها درنظر گرفت که همین اکنون‌کارآن جریان دارد ودرسال ۱۳٦۱ نیز مطابق نقشه دنبال خواهد شد.

به اساس فیصله هایی که در چندین نشستن مسوولان ترا فیك باآمران باصلاحیت شاروالی کابل، آبرسانی، مخابرات، برق کابل‌وبرخی دیگر از ار گان ها صورت گر فت‌این ادارات به هیچ صورت نباید پیش از آگاهی دهی شاروالی به کندن کاری جاده ها اقدام کنند، اما متاسفانه در عمل این فیصله در حد بسیار کمی‌در نظر گر فته شده است.

اینکه چگو نه میتوا نیم از تجمع فرو شند گان دوره گرد در پیاده‌روها جلو گیر شو یم من فکر میکنم که تاعلت اساسی به مطالعه نبایدوبرای آن چاره یابی نگردد این مشکل به صورت اساسی حل نمیگردد، مشکل در این زمینه بیکاری است و تجمع تعداد زیادی از همو طنان مادر کابل که با فراهم آمدن شرایط مسا عدی این دشواری خود به خود حل میگردد.

ترا فیك کابل در شرایط کنونی درقدم اول از ادارات وارگان هایی‌از مانند شاروالی، آبرسانی، برق کابل مخابرات ودیگر ادارات متوقع است برای اینکه شاروالی زمینه تطبیقی قانون جدید را از همه جهت مهیا گرداند ومشکل ترافیك حل گردد درزمینه تطبیق‌فیصله هایی‌که‌صورت گرفته است جدی سر وعمیق تر داخل اقدام گردد.

رووف راصع :

علت ها هرچه باشد واقعیت همان روز افزون حجم دشواری ها در امور ترافیك جاده است محترم معاون شاروالی در این زمینه رو شنی اندازند که برای حل مشکل کمبود پارکینگ و رفع دشواری که فرو-شندگان دوره گرد درامور ترافیکی‌به وجود می آورند چه طرح هایی را در دست اجرا دارند و چه اقدا ماتی را دراین مورد مفید میدانند؟

معاون شاروالی کابل :

به تائید گفته های محترم ر ئیس ترافیك این نکته را میا فزایم که شاروالی کابل متاسفانه تاکنون قانون یامقرره همهٔ جانبه یی ندارد که پاسخگوی همهٔ نیاز مندی هاومشکلات مردم در امور شهری و تو زیع‌خدمات عامه شده بتواند ما امید واریم با به وجود آمدن قانون ارگان های دولتی، شاروالی نیز بتواند به طرح قانونی اقدام کند که در تو زیع خدمات همه جانبه این مو سسه موثر یت داشته باشد واز سوی دیگرجوابگوی نیاز مندی های مردم گردد.

همین اکنون نیز شاروالی کا بل درحدود توانایی های اقتصادی وامکاناتی که از آن بر خور دار است سعی فراوان دارد تا از حد اقل‌شرایط حداکثر استفاده را ببرد وبا کو شش وتلاش همه جا نبه و بر خور داری از توجه عمیق حزب و دولت در راه رفع مشکلات همگانی اقدا ماتی سود-مند داشته باشد و حجم دشواری هارا بکاهد و خد مات خود را به گو نه‌ی ارزشمند توزیع بدارد.

در این زمینه باید تو جه داشته باشیم که شاروالی کابل‌یگانه موسسهٔ مسوول تو زیع بیشتر ین خد مات شهری است و به همین سبب نیز توقعات مردم از ما روز افزون است.

پرابلم های ما در یك یادو مورد خلاصه نمیگردد بلکه پهنای و سیع دارد، مابه اساس پلان تفصیلی شهر کابل نا گز یر یم مساله مسکن راحل کنیم. و درپهلوی‌آن ده ها دشواری ومشکل دیگر را.

یکی از مسایل اساسی که حل آنی مشکلات ودراین شمارمشکل‌ترافیك رادر شرایط کنونی دشوار میسازد مساله‌تراکم جمعیت در شهر کا بل است، همین اکنون بیش از یك‌ملیون ودو صد هزار نفر در شهر کابل زندگی دارند در حالیکه ظرفیت‌واقعی این شهر بیش از ششصد هزار نفر ویادرهمین حدوداندکی کمتریابیشتر نمیباشد.

این همه جمعیت اضافی و متراکم گشتن آنان در کابل خود به خود مشکلاتی را در توزیع آب، برق،مسکن تیلفون و دشواری های دیگری را در امور ترانسپورتی و ترا فیکی به‌وجود می‌آورند که حل شدنی است اما فقط حل اساسی آن نیاز مند به فکتورزمان میباشد.

به عقیده من در شرایط کنو نی میتوان به پیمانه و سیع از حجم مشکلات کاست و عرضه خد مات شهری را منسجم گردا.نید مشروط به اینکه ادارات وار گان هایی‌مسوول ودست اندر کار دریك زمینه اجتماعی بیشتر از این باهم ار تباط زنجیری داشته باشند مشکلات و پرا بلم هارا مشترك به مطالعه گیرند، گردهم‌آیی هایی تر تیب دهند، برسی‌هایی‌داشته باشند ونحوه خدماتی خود را به گونه یی عیار سازند که یکی ممد دیگری شوند ودر واقع مجمو عه امکانات خود را در یك بخش با هم به کار اندازند.

لطفاً دنباله این جدل‌را درشماره آینده بخوانید.

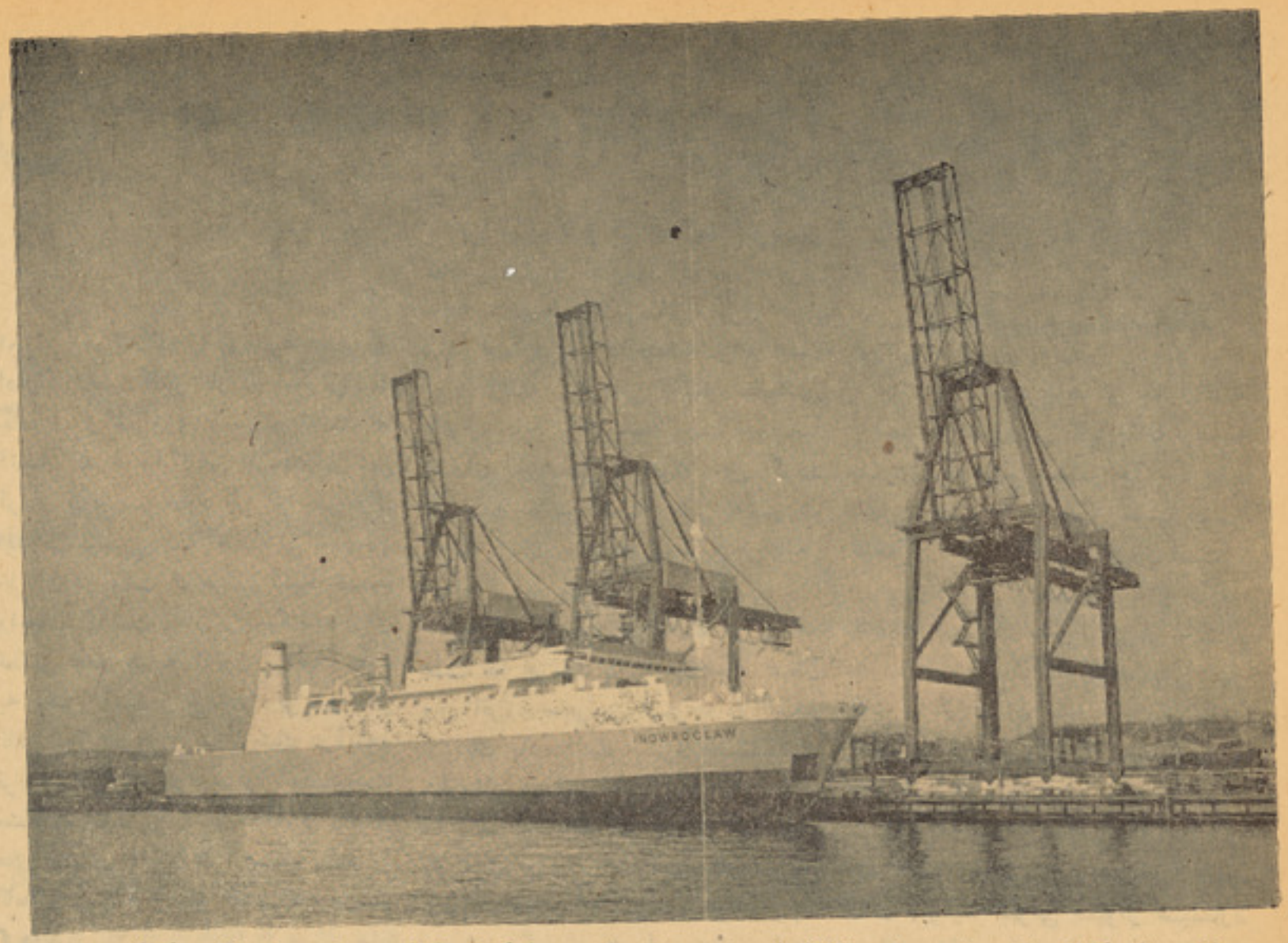

ننني بشرکولای شئ چه دمعاصرتکنالوژی په مرسته په بحرونوکی‌هم‌دکانو دموادو داستفاده کولو دپاره ستر تحقیقات سرته ورسوی

د ځر گند وی ژباړه او لنډیز

بحرونه د نړی دثروتونوستری زیرمی

د نړی د نفو سو د زیا توا لی‌او دهغو ی د اقتصادی فعا لیتو نو له امله پو هان او ځیړو نکی د ستروا‌و نوو زیر مو په لټون کی دی چی په دغه هکله د پو هی‌او تکنا لوژی‌ونډه دیاد و لووړ بلل کیږی . ددغو زیرمو په لړ کی بحرو نه یا داوبو ستـــر مرکزونه د ډول ډول موادو د لرلو له امله ډیر ارښت لری . بر سیره پردی چی بحرو نه د نړی دهیوادو نـــو ترمنځ داړیکو د ټینگو لو ستـــری وسیلی گر ځید لی او د هغو ی لـــه زیرمه شوو موادو څخه هم د نړیوالو په گډو هلو ځلو ستری گټی‌تر لاسه کیدی شی .

بحرو نو د ځمکی دو چی په‌سلو کی (۷۱) یا (... ر... ۳٦۲) کیلو متره مربع بر خه نیو لی چی د نړی په سلو کی (۳ر۹۷) او به لری سر- بیره پر نورو گټو یی بحری‌اتمو- سفیر د سیمی پرا قلیم کلکی اغیزی کوی ، د بحرو نو غا ړی د تجا رتی ما لونو د وړلو را وړلو له امله ډیر ارزښت لری چی څه نا څه (...ر...- ۷۲) کیلو متره مربع یا په‌سلوکی ۲۰ یی د بحرو نو اوږدوالی جـــوړ کړیدی چی د سو دا گری په معاملو کی گټوری گڼل شویدی . دغه راز دبحرو نو او د هغو د ښا خونو اوبه ددانسا نا نو د ژوندا نه په بیلو بیلو اړخو نو کی لکه ځښاك او کروندو کی نه هیر یدو نکی ونډه لری .

دبحر ونو او به د ما لگو ستر زیرمی لرونکی دی چی په منځنی‌دو دبحری او بو په هر دوه کیلو گرا کی ۳۵ گرامه ما لگه لیدل کیږی‌چ چی څه ناڅه د نړی ۳ر۱ بـرخ مالگه له همد غه زیرمو څخه تر لاس کیږی ، سربیره پردی د ټو لـــ کیمیاو ی عنا صرو نښی هم پکـ شته چی ستری غذا یی بر خـــ لری .

په بحرو نوکی‌څه نا څه (۵۰۰۰) ډوله ژوی ژوند کو ی چی (۱٦۰۰) ډوله ژوی یی له کبا نو څخه گ شویدی او (۱۰۰۰۰) ډوله یی گیا گانی دی چی دبحرو نو په تلو نو ک پیدا کیږی ، ځینوپو ها نو د بحرو په‌تل کی د ژویو شمیر او اندازه ډیره زیا ته ښوو لی ده او س له‌دغ ژویو څخه په نړی کی د کال څه‌ناڅ (...ر ...ر ۷۰) ټنه‌غذایی او خوراک مواد تر لاسه کیږی .

دکبانو له غوښو څخه‌په‌دغه لړک ډیره گټه اخستل کیږی ښا یی د کبانو له ښکار څخه تر ۱۹۹۰ کا پوری د (...ر ...ر ۱۰۰) ټنو پـ شاو خوا کی غذایی مواد تر لاسه شی او سنیوعلمی‌پراختیا وود یخچا لرونکو بیړیو او زیرمه ځایو نو پـ لرلو سره د دغو پرا خوا او ډیر موادو د سا تلو له پاره لاره هوار کړیده .

دبحری حیوانا تو یا ژویو پـ پیژند لو کی د ها یدر واکوستک داو بو د ژویو د آواز و نو د پیژندل دستگا گانوپه‌وسیله‌ډیری آسانتیاوی برابر شویدی چی اوس په نړی ک په سلو گی لس پر وتینی موادلـ همد غه در که تر لاسه کیدا ی شی داڅکه چی د ها یدرو لو کیتر ماشین دکمپیو تر په وسیله کو لای شی او بو په تل کی د کبا نو ستری‌ل

ومی او په ښکار کو لوکی یی پوره
سانتیا پیښو ی ، د کبا نو ددغـه
ستر ارزښت له امله دهغوی په‌روزنه
وساتنه کی پوره پا ملر نه کیږی
ی په دغه هکله ځانګړی پروژی‌د
ړی په بیلو بیلو هیوادو نو دکـی
ر کار لاندی نیو ل شو یدی.

دپا سفیك او د هند په بحر کـی
اوبو په تل کی یو لړ فار مو نه‌د
کبا نو او نورو بحری ژویو د روزنی
ه پاره جوړ شویدی چی په دغه لړ
کی بریتا نیا ، ،فرانسی ،هسپانی
ود امریکا متحد و ایالتو نو چی د
رم اقلیم خاوندان دی یو لړ گا مونه
ور ته کړید ی ، شورو ی اتحاد چی
وردی بحری غاړی او سا حلو نـه
ری د گن شمیر کبا نو او نورو
ژویو په روز نه کی پوره لاس اوپښی
ولی دی . دنړی د خورا کی موادو
اداری د ټاکنو له مخی ښا یی چی
داوبو له تل څخه د همد غو فار مونو
له‌خوا تر ۱۹۸۵ کال پوری د نړی
ریمه بر خه کبان تر لاسه شی .

دغه راز داو بو او بحرو نو پـه
غاړو کی د نفتواوگاز و ستری‌ژیرمی
سته هغه ځا گا نی چی دبحرونوپه
ستر و نو کی کیندل شو ی تـر
۱۹۷۵ کال پوری یی د نړ یوالو پـه
سلوکی شپا ړس د هغوی اړ تیاوی
وره کړیدی چی اوس یی اندازه په
سلو کی له شلو څخه هم زیاته اټکل
شویده ، د نفتو او گاز لرو نکوغاړو
راخوا لی څه ناڅه پنځه میلیو نـه
گیلو متره مر بع ته رسیږ ی او په
دغو سیمو کی د نفتو او گاز اندازه
څه‌ناڅه اوه ویشت بلیو ن ټنه اټکل
شویده .

ددغو سترو زیر مو ستر مرکز
دمکیسکو د خلیج‌په شمال اووینزیو-
یلا کی دی چی په ډیر لږ ژور والی
سره تر ینه دغه ستره صنعتی ماده
تر لاسه کیږی په دغه لړ کی د فارس
دخلیج ، شمالی‌بحر او دافریقا ځینی
غاړی ستر ارزښت لری که څه هم‌په
اندونیز یا ، استرا لیا او ما لیزیا کی
هم‌په دغه هکلۀ کی څیړ نی‌روانی‌دی
دنړی دانرژی بحران د ټولو صنعتی
هیواد و نو پام د غو غنی او طبیعی
منا بعو ته ور گرځوی چی تر څود

خپلو ځانونو د ژغور نی له پاره یوڅه
لاره هوا ره کړای شی.

په څو تیرو کلو نو کی یو ا ځی
اووه هیواد و نو د سیندو نو او
بحرونو له غاړو څخه نفت او گاز
تر لاسه کو لو خوله ۱۹۶۰ کال څخه
وروسته دغه‌شمیرشپا ړلس‌هیوادونو
ته‌لوړ شو چی اوس یی لـه
دوه برابره څخه تیر ی کوی .

دا چی سیندو نه او در یا بو نه
دستر و زیر مو مر کز و نه دی او
په‌نړی کی دانسانا نودژوند اړتیاوی

تل څخه تر لاسه کیږی ، څه‌ناڅه
دری سو ه زره ټنه مګنیز یو مـی
مرکبات چی په سلو کی ۳ر۴ بر خی
تولیدات یی د یونا ن ،سار دینا او
سیسلی له جز یر و څخه تر لاسه
کیږی پوره ګټور دی .

د بحرو نو له غاړو څخه نور ډول
ډول ګټور مواد تر لاسه کیږی مثلا
په تا یلند او اندو نیز یا کی هر کال

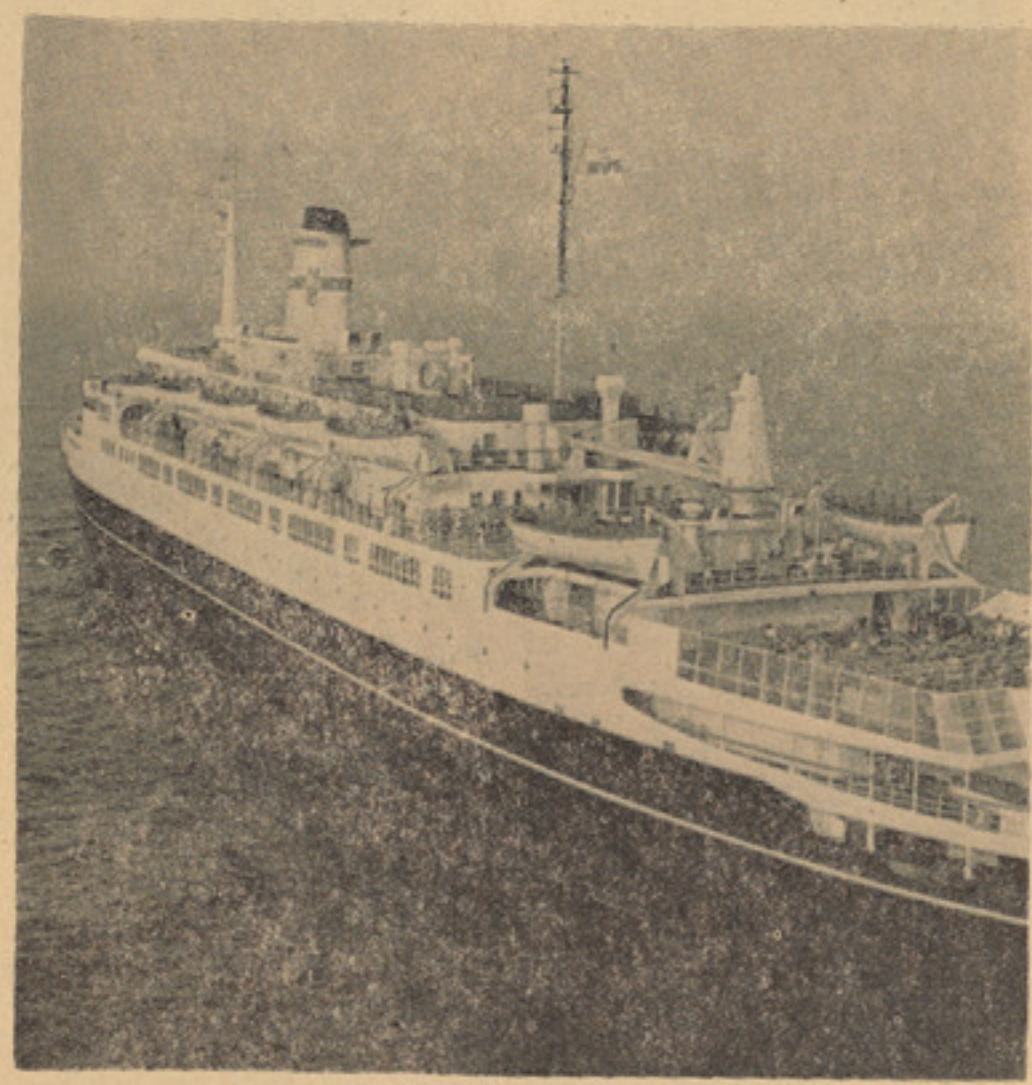

بحری ترا نسپور تیشن دابحارو‌داستفادی یوه ښه نمونه‌ده

پوره کوی نو دا جو ته خبره ده چی
په‌پورته یاه و شو و زیرمو سربیره
له دغو بر کتی مر کز و نو څخـه
څه‌ناڅه څلور ملیو ن تنه ما لګه چی
په سلو کی پنځه ویشت دو رځنی
ژوند لګښتو نه پوره کو ی داو بوله

شل زره ټنه قلعی ، په جاپان کـی
تیتا نو مګنیت او نور ګټور مواد
موند ل کیږی له همد غه کبله ورځ
په ورځ د سیندونو او بحرو نو د
غاړو او تلو نو ارزښت لا پسی زیا-
تیږی .

په څو تیرو کلو نو کی چی پـه
دغه هکله کو می څیړ نی نه وی شوی

دغو غاړو او تلو نو ته په دو مره
درنده ستر ګه نه کتل کیدل خوکله
چی دغه هیواد و نه په تیره بیا د
هغو غاړو ته ورځیر مه هیوادو نو
دځان له پاره د بحری غاړو او تلونو
اندازه او سیمه وټاکله دا څکه چی
چی په دغو بر خو کی د اړتیا وړ
ستری طبیعی زیرمی شته لکه چی د
آرام اقیانوس په تل‌کی داووه ملیونه
کیلو مترو مربعو په اندازه د څو
فلزو .نو ستره زیر مه شته چی له
دغه ځای څخه به‌پنځه اتیا ملیون‌ټنه
نکل ، پنځه شپیته ملیون ټنه مس،
شپاړس ملیون ټنه کو با لت او یـو
ملیون او اوه سوه زره ټنه منګنیز
د(۵۵۰۰ـ ۴۵۰۰ مترونوپه ژوروالی
لاس ته‌راشی .

سیندو نه او د دریا بونه که څه
هم داړتیا وړ موادو ستری زیر می
دی د تګ را تګ او وړلو را وړلوله
پاره هم ګټوری او آسا نی لاری دی
دا څکه چی له همد غو لارو څخه د
نړیوالو داړتیا وړ شیان له یوځای
بل ځای ته ترسره کیږی په ۱۹۷۵
کال کی څه ناڅه شپږ شپیته زره
بیړ یو دغه دندی ستر ته رسو لی
چی په دغه کال کی یی ددری ملیونه
اودری سوه دوه پنځوس ټنو په‌شاو
خوا کی مالو نه وړی او را وړی وه.

که څه هم نفت په پراخه پیما نه
دسیندو نو او بحرو نو په غاړو کی
میندل کیږی له همد غی لاری پـه
۱۹۷۶ کال‌د اوه‌زره نفت وړو نکو
بیړیو په وسیله په سلو کی پنځه
پنځوس د بحر ی ما لو نو وړل را
وړل سر ته رسو لی وه ،داو سینو
علمی پر مختګو نو او دورځنی ژوند
داړتیا وو او د بشر دورځ په ورځ
زیا تیدو نکی پو هی له امله به لـه
دغو سترو طبیعی شتمینو څخه د
انسان او انسا نیت په ګټه پـوره
کارو نه واخستل شی .

از : س . ر شه‌یار

دست‌ها تارها و بازی‌ها

گوشه یی‌ازنمایش تیاتر گودی‌ها

بررسی گونه‌یی از تیاتر گودی‌ها

همینکه چراغهای سالون خاموش میگردد و پرده عقب میرود، نفس ها در سینه ها حبس میگردد، همدی‌نگرندگان را،خرد سالان راو نو جوانان را تب هیجان فرا میگیرد جمعی از شوق فریاد بر میاورند گروهی بی اراده کف میزنندوبرخی نیز از جای بر می خیزند ، قدکشك میکنند ،تا آنچه را که در سن می‌گذرد خوبتر ببینند وبهتر به ذهن سپارند .

در صحنه ی نمایش تحرك و فعالیت دوگانه یی جاری است، تحرك دوگانه یی که ویژه ی تیاتر گودی است ، آنچه در سن که‌دردید تماشاگر قرار دارد و محتوی نمایش را میسازد و گونه ی دیگر که دور از چشم نگرنده درجریان است وگودی هارا به حرکت‌وبازی وامیدارد.

بیننده نمایش ، گودی ها را می‌بیند که راه میروند ، بازی‌میکنند سخن میگویند ، با هم می ستیزند، آشتی میکنند ، شعر میخوانند ، موسیقی مینوازند وبا زبان پر غنا وقدرتمند شان ، قصه یی‌راو اسطوره یی را در قالب نمایشی رنگین وپر حادثه به بیان میاورند قصه یی که پر از اوج وفرو وطرح وتوطئه وگره اندازی و گره‌گشایی است و قصه یی که از بخش های

هنر گودی بازی در شکل بومی‌خود نخست درکشورما شکل‌گرفت

جداگانه شکل گرفته و یا پیوند منطقی این بخش ها پیامی‌که‌درآن نهفته است ارائه میگردد و القا میشود ، بی آنکه در بازی ایـ گودی ها ، در حرکت شان ، در سخن شان ودر تواز ن و هم‌آهنگی بازی هابا موسیقی کمتر یی‌اشتباه ویا نارسایی دیده شود و همـ است که نگرنده نو جوان وخرد سال رابه حیرت میاندازد هیجانی اش میسازد و وا میدار دش تابا شور و علاقه یی که هر لحظه افزون میگردد، حوادث روی‌استیج را وقصه یی راکه گودی هاقهرمانان آنند تعقیب کند و خود را با این عروسك ها چنان نزدیك احساس کند که دو همبازی صمیمی باهم

واین بخشی از تیاتر گودی‌است دربخش دیگر که از چشم نگرنده نمایش به دور است ، انگشت ها اند وتار ها که عروسك هارادرصحنه به‌حرکت وامیدارند وسر نوشت‌هر یك رابه تعیین میگیرند ،انگشت هایی که ما هرانه وباسرعت‌حرکت میکنند وباهر حرکت چندین تار رامیکشند وبا هر کشش لحظه یی از زندگی گودی یی را به آفرینش میگیرند .

راستی این پدیده چگونه‌پیدایش یافت وگودی ها از کی در زندگی انسان رخ نمایاندند ؟

برای دست یابی به پاسخی درست برای این پرسش‌بایدپا از تاریخ فراتر نهیم ،سده ها و هزاره هارا پشت سر گذاریم و با زمانی رسیم که انسان ابتدایی‌تازه برای انتقال تاثرات عاطفی و احساس درونی خود و القای آن‌به دیگران به هنر رقص دست‌یافته‌بود درهمین زمان گودی شاید با تکه چوب ها وبرگ ها وپشم هایی که تصادفا گونه در دست مرد یازنی به هم وصل شد و شکل‌انسان ویا حیوانی رابه خود گرفت پابه عرصه وجود گذاشت .

وبعد با آمیختگی هایی با هنر رقص و الهام گیری هایی از آن در قالبی هنری راه یافت .

اماتیاتر گودی ها قصه یی دیگر وزندگینامه دیگر دارد و مردم کشور ماشایدنخستین‌ملتی بودندکه با این پدیده هنری آشنایی داشتند

در تیاتر انتقادی و هجو آمیز که به رسم دیرین آریایی ها در

تیاتر گودی ها جالبترین شیوه‌نمایشی برای خرد سالان و نوجوانان است .

جشن ها ی ملی واعیاد مذ هبی در میدا نگاه ها ی عمو می به اجراء میامد گودی ها به‌عنوان وسیله‌نمایش مورد استفاده قرار میگرفتند. نمیتوانستند خود شرا یط وضوابط سیاسی واجتما عی جامعه خود را مورد انتقاد وسر زنش قرار دهند ، قصه هایی رادر قالب تیا تر ی ودر شکل بو می و محلی سر باز آن به اجراء میاور دند که مهره ها ی اساسی آن گود ی هابودند .

در این نما یش ها گود یی در نقش حاکم ظا هر میگردید که‌ازتمام خصو صیت های حاکم واقعی بر - خور دار بود ، عیا شی وبیداد وحق کشی نماد های شخصیت اورا تشکیل میداد و گودی های دیگری درنقش داد خواه و ا ر د صحنه میگشتند وآنچه را که در وا قع مردم در دل داشتند آنها به زبان میاور دند وبه این تر تیب‌نما یش ر ر قالبی هجو آمیز وخنده آور به انجا م میر سا ندند .

به این ترتیب تیا تر سرگشاده گودی بعد از آنکه دهه ها ی چند به حیا ت خود در روستا هاوشهر های ما ادا مه داد ره به کشور ها ی دیگر برد وبا شکل و جلوه ها ی تازه از ویژ گی ها ی بو می خود جدا گردید ودر قالب ها ی مدرنیزه شده فصلی دیگر از زندگی خود را به آغاز گرفت .

• • •

تیاتر گود ی از بکستا ن که نما یشما تی چند از گروه هنر ی آن درکابل به اجراء آمد یکی‌ازبه‌شهرت رسیده ترین تیا تر ها ی جها ن در نوع خود است که با چهل نما یش نامه‌ی خود سالانه بیش از یکهزار برنامه رادر داخل وخار ج شوروی به اجرا ء میاورد .

محتو ی این نمایشا ت اغلبا افسانه های محلی ، اسطوره ها ی از یاد رفته وداستا ن های بامایه های تاریخی است که میتواند - انگیزنده هیجا ن بوده وبرا ی‌کود- کان ونو جوانا ن جالب باشد واز سویی نیز آنان را در در ك‌مفا هیمی که در محتوی نمایش ارائه میگردد یاری دهد والقا ی پیا م ها راآسان گرداند .

این مفا هیم که در کار بردی‌هنری ارائه میگردد هم مانند با همه‌شیوه های دیگر تیا تر ی ویژه نو جوانان در افزا یش آگا هی وبلند برد ن سطح معلو ما ت نگر نده خا ص خود مدد دهی کرده و توانایی فکری واند یشو ی شا ن رابلند میبرد.

مایه گیر ی از افسا نه ها ی اسا طیر ی و قصه ها ی محلی به گر دانند گا ن ونما یشنا مه نویس های این شیوه تیا تر ی اجازه‌میدهد حیوانات رابه عنوان قهر مان وارد قصه سازند ، آنا ن را به‌سخن گویی و دارند ، از غو ل ها ودیوها واهر یمن هایی که در ادبیات‌روایتی بومی هر کشور ی جاباز کرده اند مدد گیر تد وآنا ن را با فر شته های نیك کر دار وخو ب اند یش رو یا روی قرار دهند تا بالاخره زشتی وبدکار ی وبد اندیشی اهر یمنانه در جنگ آشتی ناپذیر اهورا مزد های انسا ن دوست با شکست‌مواجه گردد واین نتیجه اخلاقی که‌انسا- ندوستی و صلح خوا هی وعدا لت پسند ی راه اساسی انسا ن مومن به انسا نیت است ارائه گردد و مورد پذیرش قرار گیرد .

حادثه آفرینی نیز در روا ل قصه های نمایشی تیا تر گود ی درجریان نبرد دو نیرو ی متضاد که یکی دوست انسا ن است و دیگر ی

لطفاً ورق بزنید

دشمن صورت میگیرد و چون قهرمان قصه در هر حرکت خود با جریانی تازه روبرو میگردد خطری نو تهدیدش میکند و ساحره وجادوگری باتوانایی های سحرآفرینش درتلاش است تاوی را از هدف دور دارد جریان نمایش بیشترهیجان انگیز میگردد و تماشاگران را به فرجام ماجرا علاقمند تر می سازد ، فرجامی که از پیش برای نگرنده آشنا با این گونه نمایش ها قابل پیش بینی است ودر آن ابهامی وجود ندارد ، روباه که راه زندگی اش رادر ریاورزی ودسیسه کاری وتوطئه چینی به تعیین گرفته است آنچه نصیبش میگردد سرافکندگی وشرمندگی است ، سیمرغ که دوست انسان است و بادیو ها و غول هایی که قصدتسخیر سرزمین هاوبه بند آوردن انسان هارا دارند در نبرد است پیروز میگردد وبه همین ترتیب خواه‌نمایش گوشه یی از جنگل را بنماید وزندگی حیوانات را وخواه قهرمانان آدم هابا شند در چارچوبه زندگی اجتماعی خود ، همیشه آنانی به خوش فرجامی میرسند و پیروزمندانه به زندگی شادی‌که انتظار شان را دارد لبخند میزنند که خود نگرو خود خواه نباشند و برای تامین منافع خود منافع گروهی را ناچیز نشمارند،چنانکه سه نمایشنامه یی که در چند برنامه نمایشی در کابل به اجراءآمد چنین است ونگاهی به محتوی‌آن مارا در شناخت بیشتر این شکل تیاتری یاری میدهد .

نخست ((خر گوش بدکر دار)) را از نظر میگذرانیم :

در این نمایش که گودی هادر نقش های خرگوش ، سنجاب ، گرگ با به شوقی و سه‌مسخره باز ظاهر میگردند خرگوش نمیخواهد این واقعیت را پذیراباشد که زندگی در میان جمع و جاریبی رابه دوش او میگذارد که باید انجام دهد ، خر گوش نمیداند که آنچه در زندگی پیروزی رانوید میدهد «دگر خواهی» است و نه ((خود خواهی)) .

اوبا هیچ کس دوست نمیشود و با همه قهر آمیز پیش آمد دارد تا اینکه بابه شوقی از ((صندوق جادو))ی خود برایش سنجاب و خرس رابه عنوان دوست بیرون میاورد و چون خر گوش هر دورا خفه میسازد ، بابه شوقی گرگ را از صندوق خود بیرون میاورد که در جریان حوادثی چند خرگوش را تنبیه میکند وآنگاه،خرگوش میداند که زندگی فقط در میان‌دوستان است‌که معنی میبابد و در تنهایی تحمل مصایب وبد بختی هادشوار میگردد .

در نمایش ((دختر نازدانه)) نیز که از افسانه های اسطوره یی از بکی مایه گرفته است همین مفهوم یعنی جلب دوستی دیگران از راه کمك به آنان ورفع نیازهای شان به گونه دیگری به طرح‌آمده است :

جنگ بدی ها با خوبی ها و حق‌با باطل محتوی اغلبا نمایش های تیاتر گودی را تشکیل میدهد .

پدر پیر بیمار است و درمان طبیب او را بهبود نمی بخشد طبیب شرط بهبودی را فقط در صرف داروی((سحر آمیز))ی میداندکه در ((صندوق قچه زمرد)) قرار دارد ودر کوه سیاه به وسیله دیو ها حفاظت میگردد .

دختر بزرگ پیر مرد که زیبایی چشمگیری دارد خواهان‌جنگ‌رویاروی‌با((دیو)) ها وبیرون آوردن داروی ((سحر آمیز)) از چنگ‌آنان میگردد ،اما شجاعت وجسارت‌او در آزار رساندن به ((ضعیف ها)) خلاصه میگردد این است که در اولین بر خورد با شیر گریز می زند وبه خانه باز گشت میکند دختر دوم پیر مرد راهی کوه سیاه میگردد ، او مهربان شیرین زبان وچالاك است ، اما خود نگر و خود خواه نیز میباشد و فقط به خودمی‌اندیشد او در راه موفق میگردد ((اژدر)) و ((شیر)) را فریب دهد وخود را از چنگشان نجات دهد، او اندیشه ((دگر خواهی)) نداردو بی آنکه به مبارزه اش دوام دهد و یاکمك دیگران را جلب کند و از نیروی همگانی قدرتی شکست ناپذیر پدید آورد ،راهی خانه می‌گردد ، اما دختر خرد پیر مرد بیمار هم روحیه ی دگر خواهی دارد هم میداند که برای از پا اندا قدرتی بزرگ چون ((دیو)) مبار ((فردی)) جایی را نمیگیرد ،او ((خر گوش)) و ((شیر)) کم میکند و با جلب دوستی آنان ،یار شان را نیز با خود همراه میگرد وبه این ترتیب دریك مبارزه همگا ((اژدر)) و ((دیو)) را از میان میدارد ، صندوقچه ((زمرد)) تصاحب میکند و با خوراندن داروی ((سحر انگیز)) پدر بیمار را از مرگ حتمی میرهاند .

و « سیمرغ » نمایشی جالب است با مفاهیم‌بیشتر و پیام‌انسانی تر ،با آنکه در ((سیمرغ)) نیز پیام همان است که ((خرگوش بد کردار)) و ((دختر نازدانه)) ودر یك رخ موضوع نمایشی ان مفاهیم از زشت های دگر خواهی وتعاون اجتماعی به طرح میاید در رخ دیگر آن مسئاله احساس میهنی ، مبارزه‌علیه‌ظلم و بیداد و زورگویی اختناق واحساس های‌سلطه‌جویی مطرح میگردد ، در این نمایش ((دیو)) و ((زن جادو گر))نشانه از شرارت وبد خواهی و خواهی اند قصد دارند با تسخیر شهر ((شگوفان)) مردم این زمین را در بند کنند وبه اسارت خود در آورند ، ((سیمرغ)) که دوست انسانها است و همیشه بانیرو های اهریمنی در جنگ ستیز است جوانی دلاور ((بنیاد)) را از این راز آگاهی میدهد ،بنیاد راهی شهر ((شگوفان)) میگردد از دربار نیرو طلب کند و به‌نبرد ((دیو)) رود ، در حالیکه دربار فکر خود وسرگرمی های ابلهانه خود است وبرای خوشگذرانی اغلب داشته است دختر شاه با کسی شریك زندگی خواهد گشت درخت چنار صد ساله میدان شهر در یك زور از جای بر کند .

((بنیاد)) با قدرتمندی که‌دارد این مامول رابر میاورد اما ازشاه جای دختر او طلب سپاه میکند تا جنگ ((دیو)) رود وبا از پاانداختن او ((مردم)) را از شر نیرو های ((اهریمنی)) ایمنی دهد .

شاه از این در خواست خشمناك میگردد و((بنیاد)) رابی آنکه در خواستش رابر آورد از دربارمیراند و ((بنیاد)) تنها قدم در راه مبارزه گذارد ، گماشته گان ((دیو))

بقیه درصفحه ٥٤

داکتر تیس‌ایما سکولوا هنگامیکه‌درشفاخانه الما تای ا تحاد شوروی‌از اشعه لا یزر در تداوی یك طفل‌استفاده می کند

ازمنابع‌خارجی:

ترجمه ر . ی

اشعه‌لایزر وسابقه‌استفاده‌از آن در طب وتداوی‌امراض

در اتحاد شورو ی تحقیقـــا ت‌گسترده در مورد جنبه ها ی‌مختلف برا ت اشعه لایز ر بر ار گانیزم‌وجود انسا ن وحیوانا ت ادا مه‌دارد

• • •

استفاده از شعا ع لایز ر درطب معالجات طبی حادثه جدید ی نیست ین‌سال قبل‌برای نخستین باراز عه لایز ر در جرا حی استفاده‌شد ر عملیا ت اعضا ی داخلی وجود معالجه امرا ض‌چشم‌مورداستعمال ارگرفت . همچنا ن در تشخیص تعداد امرا ض از آن استفا ده ه‌است . لهذا تحقیقا ت دامنه‌دار مورد مو فقیت کامل لایز ر در او ی امرا ض معینی تاثیر ا ت‌آن اعضا ی بد ن در اتحاد شورو ی سایر نقا ط جها ن ادامه داشته و ی به نتایج عمو می در مورد وقت دی رادر بر می گیرد .

ایما سکولو ا آمر شعبه استفاده اشعه لایزر در شفاخانه نمبر یك ال در الما تا ی اتحادشورو ی ی مصاحبه یی گفته است که در فاخانه مذکور اتا ق ها یی برای تطبیق اشعه لایز ر موجود است‌که در آن مریضا ن مصا ب به بـرو ـ نشیت وسایر بیماری ها ی معینی تحت تداوی و تشخیص قرار مـی گیرند .

وی گفت گر چه اشعه‌لایز ر نه جر ح را از بد ن مریض قطع میکند ونه آنرا جوش مید هد معهذاتطبیق متواتر میتود ها ی پر تا ب اشعـه لایز ر بر مریض در تداو ی آنهـا موثر میباشد . او هنگا م اظهار این مطلب به طفلی اشاره کرد که بـه منظور تداوی برانشیت‌برمیزمعالجه در اتا ق استفاده از اشعه لایـز ر قرار داشت . داکتر سکولواهمزمان بافشار دادن دکمه ما شین پر تا ب شعا ع لایزر که توسط نورمخصوص خود تاریکی اتاق را از هم درید ، قسمت‌ها ی مختلف بدن مریض اش رادر برابر شعا ع قرار داد و چنان معلو م می شد که پسر ك از این‌کار خوشش می آید . او آرا م بر میـز قرار داشت و متبسم بود .

داکتر سکولوا گفت این پسر ك هنگا م مراجعه به شفاخانه خیلـی ضعیف بود وبشد ت سر فه میکرد در حالیکه اکنو ن بعد از چند بار تطبیـــق شعـا ع لایزر بهبـو دی حاصل کرده است .

تحقیقا ت در مورد چگو نگـــی استفاده از اشعه لایز ر خیلی قبل‌در اتحادشورو ی شرو ع شده ونخست برین نکته متمر کز بود که به‌کدا م طریق اشعه لایزر مخصو صا شعاع سرخ آن تـاثیراتـی بـالای انسان میگذارد .

می گذارد . طور مثال تحقیـــقا ت مذکور نشا ن داد که تا بید ن شعاع سر خ لایزر برید ن حیوا نا ت و انسانها تا ثیر خوبی داشته و حتی در تداو ی بعضی امرا ض کمـــك نیز کرده‌است . استفاده‌از آله‌پرتاب شعا ع لایزر بر بد ن انسا ن ، در معرفی مزید این میتود در سا یـر معا لجات طبی نیز کمك‌کرده‌است هنگامیکه اشعه لایز ر کشف شد ، تحقیق کنندگا ن طبی انستیتو ت الماتا ی اتحاد شورو ی در جمـله نخستین کسا نی قرار داشتند که امکانا ت استفاده از این اشعه رادر بیولو ژی و طب تحت مطا لعه قرار داده بودند . وسیله عمده ییکه‌اطباء مذکور در آن وقت آنرا در تداو ی امرا ض به کار بردند عبـــار ت از استفاده از لو له نیو نی مر کـــب از هیلم بود که شعا ع سر خ‌لایزر انر ژی کمـــی را انتقال میـداد . متعاقبا ریسر چها ی گسـترده در مورد اشعه لایز ر در پو هنـتو ن قر غز ، در انستیتو ت طبی الماتا انستیتو ت طبی وزار ت صحت‌عامه قر غز ، سایر کلینیك هاوانستیتوت ها در دیگر شهر ها ی اتحادشوروی نیز آغاز گردید .

یکی از نخستین امرا ضی کـــه دکتورا ن قر غر ، تا ثیراشعه‌لا یزر رابرا ی نخستین بار بر آن آزمایش کردند عبار ت از فشار بلند خو ن بود .

بقیه درصفحه ۵۵

بمناسبت سی و سو مین سالگرداعلامیهٔ جهانی حقوق بشر

از مجله آسیا وافریقا

مترجم : حیدر خانیوا ل

نگاهی به تاریخ چندسال اخیر اعمال تجاوزگرانه نژاد پرستان وحامیان آنان در جنوب افریقا

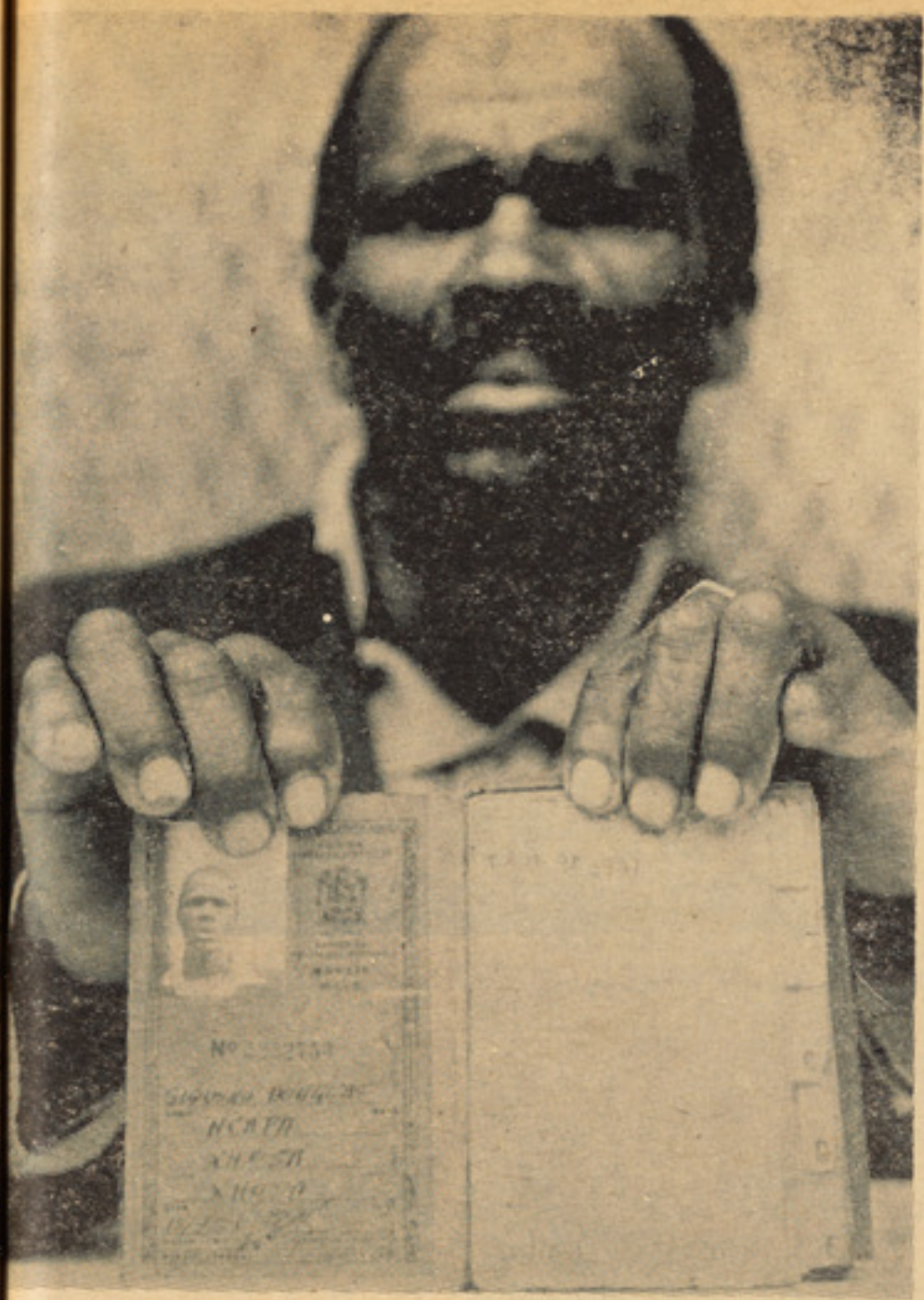

باوجودیکه سی و سه سال‌ازاعلامیهٔ‌جهانی حقوق بشر می‌گذرد هنوز روش تبعیضی اقلیت سفید پوست حاکم درافریقای جنوبی‌علیه اکثریت سیاه پوست ادامه دارد

تاریخ کامل بعد از جنگ جهانی دوم افریقا ی جنو بی واضح وروشن است از سا ل ۱۹۴۸ بدینسو که حزب نیشنا لست در آن کشوربر اریکه قدر ت تکیه زده اپار تاید به سان نظا م رسمی دو لت افریقا ی جنوبی اعلام واز قوا ی نظا می افریقا ی جنو بی بسا ن الهٔ حمایت کنندهٔ منافع وبقا ی سلطه اقلیت ((سفید پو ستا ن تبعیض پسند)) بر اکثریت ((سیاه پو ستا ن تحت ستم)) استفاده به عمل آمده است همچنا ن در طی چند سا ل اخیر قوای نظا می آن کشور به یك‌نیروی رهبر ی کننده سیاسی در افریقا ی جنو بی در آمده است . به قو ل وسایط ار تبا طی جمعی ازسا ل ۱۹۷۸ بدینسو یعنی از زما نیکه پتر بوتا وزیر دفا ع به حیث‌صدرا- عظم آن کشور نیز انتخا ب گردیده کلیه وظا یف دو لتی در آن کشور فقط وفقط به آنچه وزار ت دفا ع‌آن لازم دانسته وانجا م مید هد منو ط ومحدود گردیده است .

در«کتاب سفید راجع به دفاع» که در سا ل ۱۹۷۹ ع به نشررسیده آمده‌است که شورا ی امنیت دولت که وظیفه انجا م خد ما ت مشور تی به کابینه رابعهده داشت اکنو ن‌پلان ستراتیژی سیا ست داخلی وخارجی کشور افریقا ی جنو بی را طر ح‌و پی ریزی میکند به قو ل سچا به - ارگا ن نشرا تی کنگره ملی افریقایی جنو بی پو لیس آن کشو ر جزء قوا ی نظا می آن کشورگردیده است و حکو مت پر یتور یا به‌توسعه وتقو یه هر چه بیشتر قوای نظا می وپولیس پر داخته سلاحها ی مدر ن رابرای قوا ی نظا می و پو لیس تدار ك دیده و مخار ج نظا می رابه صور ت روز افزو ن افزا یش‌میدهد البته جدو ل ذیل که از طرف‌سچابه به نشر سپرده شده بیا نگر خو ب این مدعاست :

تما می اصنا ف و قشر ها ی اجتما عی سفید پو ستا ن افریقای جنوبی به خا طر تضعیف هر چه بیشتر مبارزا ت بر حق وعاد لا نه مردم افریقا ی جنو بی که ازطرف مردم بو می آن کشور برای نجا ت ملی واجتما عی شا ن براه‌انداخته شده است از طر ف رژیم تبعیض پسند پریتور یا مسلح شده اند .

حوادث سقو ط مر گبار امپرا- طوری پر تگال و آشوب سال ۱۹۷۶ سوو یتو نشا ن داد که‌رژیم های تبعیض پسند بیش از ین قادر نیستند تا سلطه شا ن رابه همان شکل کلا سیك و کهن آن برمرد م تحمیل نمایند هما ن بود که تبعیض پرستا ن افر یقا ی‌جنوبی به فکر به میا ن آورد ن اصلا حا خورده و ریزه چون الغاء اپار تا صغیر(ازبین رفتن‌تقسیم‌محلات‌مسکو نی عا مه بر اسا س رنگ جلد) امثال آن پرداختند که آنهم چنان حاکما ن تبعیض پسند افر یقا جنوبی توقع داشتند مثمر واقع نش وتنا قضا ت تبعیضی ،اجتما عی ملی فی مابین اقلیت تبعیض پس سفید پوست واکثریت (تحت ست سیاه پوستا ن افریقا ی جنو ب شکل بی سابقه وحاد تر رابخ گرفته طور یکه فعا لیتها ی سیاس توده های میلیو نی تحت ست افریقا ی جنوبی رشد سریع را پیش گرفت . که اینهمه‌دراعتصابا سیاسی واقتصاد ی تحر یم‌سیس تعلیمی تبعیضی تو سط جوانا آغاز جنگها ی گسترده گور یلا توسط‌نظا می امخو نتو ف‌سیس (نیزهٔ ملت) مربو ط کنگره ملی‌افر یقایی افریقا ی جنو بی ، فعا لیت های سفید پوستا ن متر قی لیبرال

بقیه درصفحه ۵۴

سالها	۱۹۶۰	۱۹۷۴	۱۹۷۹
مصارف‌نظامی به‌راند	۴۴ملیون	۷۰۷ ملیون	۲۱۸۹ ملیون
رر پولیس	۲۶ هزارنفر	۵۹هزارنفر	۷۹هزارنفر
عساکرنظامی	۶۰هزارنفر	۲۵۰هزارنفر	۴۵۰هزارنفر

برگی از تاریخ:

یادی از تأسیس :

حزب واحد رفیقان

ش، ص

تشکیل و تنظیم احزا ب‌سیاسی پدیده های جدید یست که‌دردو ن اخیر به وجود آمده است ، یژه احزاب سوسیالیستی وکمو- ستی که به صورت برازنده بعداز لاب کبیر اکتو بر تحقق‌همه‌جانبه ت ودر پهلو ی آن احزا ب‌همگون مفکر نیز تاسیس شد . کلمهٔ نا برای اعضا ی این احزا ب که عضو یت حزبی محسو ب می دد ((رفیق)) است . برا ی‌آنانیکه در تاریخ به مطالعه می پردازند تعما ل کلمه ((رفیق)) به عنوا ن شناسا یی اعضا ی حز بی و جنین تشکیل حزب مرد می‌مو - عی جدید تلقی می شود و لی کمی به گذشته ها دقیق شویم. ر ن ها ی که هنوز اروپاییا ن کلمهٔ حزب ورفیق به مفهو م‌یك ده سیاسی آشنا نبو دند درمشرق ین ،مسلمانا ن به تشکیل حز ب اسی و همچنین بر گزید ن کلمهٔ یق به عنوان رمز آشنا یی‌اعضایی ب خود دست زده بودند و ما وز پس از نه قر ن ،از لابلا ی ر زما ن ، اورا ق سده هاراور ق زیم ودر چنین شرا یطی که دیگر ب رفیقان مطلب نا آشنا یی ست ، به خا طر می آوریم ..

پس منظر تاریخی :

همینکه دورهٔ خلافت اسلا می به صرت علی «ك» رسید، بنی امیه بها نه ها ی سیاسی با آن‌مخالفت دند وبالاخره مو فق شدند .زمام لافت اسلامی را غصب کنند وبه ا می مورو ثه تبدیل نما یند .بنی به هر چند توا نستند قلمرو و- سعی رابوجود آور ند و لی به‌علت که روش استعمار ی را پیش رفتند و بر مرد م غیر عر ب‌تبعیض ا داشتند واز راه ستمگر ی و داد به ما ل و جا ن مرد م‌دست یاز یدند با مخا لفت و مقاو مت ساکنا ن غیر عربی به خصو ص خراسا نیا ن روبرو گر دیدند .

نخستین جنبش ها ی مقاومت تحت نام ((عیاران)) از بین تو ده های مرد م چو ن پیشه ورا ن ، بزرگان و پهلوانا ن رشد نمود وبه سرعت بسیج گردید. باآنکه عیاری سنتی بود کهن وریشه دار امابرای اینکه باشرا یط واو ضا ع روزمساعد باشد آنرا به نا مورا ن صدراسلام واز جمله حضر ت علی (ك) شاه مردان و مولای مشکل کشا منسوب ساختند .

این حر به مو ثر افتاد و قیا مهای عیارا ن به ثمر رسید که خودبحثی است دور از حو صلهٔ این مقا له . طی قر نها ی بعد ی مفهو م عیار ی به میا ن توده ها ی مرد م گسترش بیشتر ی یا فت وجا ی‌خود رابه آیین فتو ت یا جوا نمرد ی‌داد. در گذشته عیار ی یك مفهو م‌خاص سیاسی و متعلق به مبارزا ت ضد استعمار ی واستثمار ی بود امادر دورا ن فتو ت رنگ فر هنگی‌یافت بارسو م وعادا ت و سنت ها ی که بااندیشه ها ی والای انسا نی در آمیخته بود به همه قشر ها ی‌جامعه تعلق گرفت . پیش قرا و لان این آیین وروش برا ی فتو ت وجوا ن- مرد ی آدا ب خا صی وضع کردند تاجوا نمردا ن بتوا نند از سا یر مردم تمییز شو ند .

آنان لباس های ویژه یی‌می‌پو- شیدند وآد ابی مخصو ص به خود داشتند . کار ها ی نیك میکردند، از بینوایا ن ، در ماند گا ن و مصیبت رسید گا ن دستگیر ی می نمودند ، در رفع و تخفیف رنج‌ها وآلام مرد م میکو شید ند . علا مت ورمز شنا سا یی فتیا ن یاجوا ن مردا ن کلمه ((اخی)) یا ((برادر)) بود .

علل تشکیل وتا سیس حز ب رفیقان :

آئین عیار ی و جوانمرد ی قرنها ادامه یافت ، به مرور زما ن فساد نیز به آن راه جست ،تشکیلا ت وساز ما ند هی آن به خا طر دخالت فر ما نروا یا ن واعضا ی نامطلوب بر هم خورد وبه گرو هها‌ی‌کوچکی تبدیل شد . گا هی این دسته ها باهم بر خورد میکردند و حواد ث تاسف انگیزی رابا عث می شدند تا اینکه قر ن ششم هجر ی‌فرارسید وخلافت بغداد بد ست النا صرلدین الله خلیفه کار دا ن وبا شخصیت رسید . در چنین روز گار ی خلافت عباسی باز یچهٔ دست امرا ء ،سر- داران وقو ماندا ن ها ی بزرگ عسکر ی ، فر مانروا یان‌مقتدرمحلی و همچنین طبقا ت با لای جا معه‌چون بازر گا نا ن ، زمین دارا ن ،ثروت- مندا ن واشرا ف بود . ازسوی‌دیگر اقشار مولد جامعه چون پیشه‌وران دهقانا ن وسایر زحمتکشا ن ازبیداد زور آوران‌به‌ستوه آمده بودند،بناء ناصر الدین الله با آ گا هی ازین جریا ن و او ضا ع سیا سی و اجتما عی تصمیم گر فت با تجدید آیین فتو ت‌وجوانمرد ی یك حزب مقتدر سیا سی و اجتما عی راتشکیل نماید تا به آن بی سرو سا ما نی ولجا م گسیختگی پایا ن بخشد .

شرایط سیا سی واجتما عی تاسیس حزب :

به طور یکه گفتیم او ضا ع سر زمین ها ی پهناور اسلا می به خاطر تسلط امرا ء ، قدر تمندا ن و رهبرا ن نظا می بی ثبا ت شده‌بود دستگاه خلافت به صور ت آله دست زور آورد ن در آمده بود ، بنا ء ناصر متو جه گردید که سر زمین ها ی سوا حل مدیترا نه وشما ل افریقا مورد نظر اروپاییان‌ومسیحی- یان است و سر حدا ت اسلامی از سمت روم شر قی طر ف تهد ید آنان قرار دارد . شما ل افر یقا در دست بنی عبدالمو من بود که دعو ی خلافت اسلامی را دا شتند فر ما ن روایا ن خراسا ن هم قر ن ها بود که نه تنها خود را مطیع خلافت نمیدا نستند بلکه آرزو ی فتح بغداد رانیز درسرمیپرورانیدند. درشمال شرق خراسان در سر زمین خوارزم نیز امپرا تور ی جدید ی در حا ل گسترش بود . نا صر تصمیم‌گرفت قدر ت زور آور ا ن و ثرو تمندا ن را تضعیف نماید و بغداد را مرکز سیا ست جها ن اسلام قرار دهد . هدف نها یی او وحد ت بخشید ن به کشور ها ی اسلا می در تحت فرمانروا یی‌خودش بود ، او به خوبی میدانست که با تضعیف قدر ت سرا ن سپاه و امرا ء در بار نمیتواند دست به لشکر کشی و فتو حا ت بزند ، از ین رو ی خواست تا با تاسیس حز ب فتوت یعنی حزب رسمی و دو لتی که‌خود در راس آن قرار گیرد به میا ن‌توده های وسیع مرد م سراسر جهان اسلام نفو ذ کند . نا صر به‌خو بی پراگند گی و تشتت توده ها راکه براثر اختلاف ها ی مذهبی وسیاسی ونژادی از یکدیگر دور افتاده وگاهی به خون هم تشنه بودند واز قتل وکشتار هم کیشا ن خود فروگزاری نمیکردند ، در ك کرده بود . او احساس میکرد که خلافت عملا آن قدر ت ونفو ذ را نداشت که‌بتواند ملت ها ی گوناگو ن اسلامی را که پراگند گی ایشا ن ریشه ها ی‌عمیق اقتصادی ، اجتما عی وسیا سی‌داشت به وحد ت سو ق دهد . پس‌یگانه چارهٔ نجا ت خلافت در آن بود تایك حزب متحد و قو ی از بین توده‌های مردم تاسیس شود وبه همه نابسا مانی هاپایا ن دهد .

باقیدارد

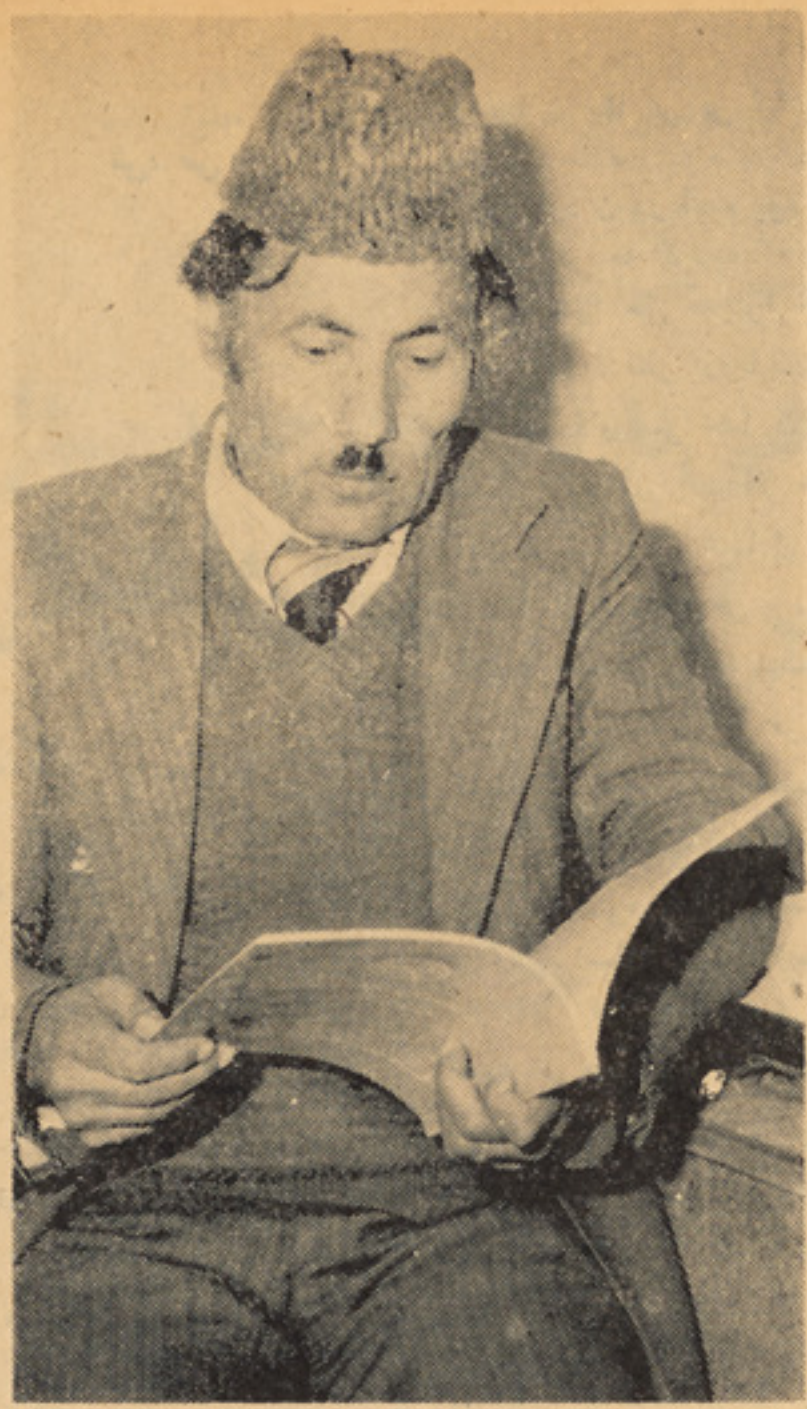

نثر آهنگین شعر نیست

از آن دور دست ها ، از دیا رلعل بد خشا ن ، مهما نی دا ر یم که نیکو شعر می سرایدوگرم و صمیمی گفتگو میکنند . شعرش غصه ها ی دل یك عا شق‌دیوانه نیست ، قصهٔ اجتما ع است عبدالستار نا طق تا حا ل پنجصدچکا مه سروده که به حلیه طبع آراسته گردیده اما در مجلد ی هنوزجمع نشده است . شعرش وکلامش شیرینی خاصی دارد ، پیرو شعر کلاسیك است و عاشقانه به با غ سبز شعر پر بار قد یم نظر دارد و((چرا غ چشم)) شعرش ، شعر بید ل است . با بیا ن خیا ل انگیزولطیف میگوید :

سا ل ۱۳٤۰ بود که نها ل‌نورس‌شعر سرایی در اعما ق قلبم‌جوانه زد و به نر د بان جهان ادب‌گام‌نهادم .

عواطف انسا نی و مشا هده او ضا ع واحوا ل رقت بار توده ها ی آلوده به رنج ودرد ، ظلم واحجاف‌اربابان زور و زر ، فقر وبی سوادی ودور نگهدا شتن مرد م از مسیرزندگی ، همه و همه مرا وادا شت تاشعر بگو یم وشعر م بیا نگر دردها وتو قعا ت توده باشد ، مترجم احساسا ت شا ن باشد ، وازسوی‌رسالت خود را منحیث فر زندجامعه انجا م بد هم .

در این عر صه و میدا ن استادی نداشته ام تنها ذوق وعلاقه مفر ط خودم و تا ثیرات محیط ا دب‌پرور ما که مناظر طبیعی و آب و هوا ی رویا انگیز وشا عرانه وتحرك‌بخشش بو جدم‌میاورد ، کمك‌نموده است . مطالعه بعضی کتب منظو م‌وآثار متداو له شعرا ی متقد م همچو ن بید ل ، حا فظ ، سعد ی،مولو ی وفردوسی همه دستم را در شعر گویی گرفته اند ویار ی ا م‌رسانیده‌اند ، وانگهی که مطا لعه کتب شعری معاصرین و متقدین‌وآثار منتشره روز نا مه هاو غیره پرداختم کلما ت حکیما نه واند رزهای رهپو یا ن اقا لیم سخنور ی‌که ضرور ت ها ی عینی جامعه را تبارزمیدادند چنان شور و ذوق درجودم مستولی ساخت کی بی محابا به‌شعر گفتن پرداختم .

شعر خو ب هما ن خط خو ب با آب زر نبشت است که‌هم‌محتوای قو ی اجتما عی دارد و هم صور ن زیبا ودل انگیز ....

• • •

* .... ردیف بندی کلمات بی‌مبتدا وخبر را بد نبا ل هم می آویز ندو آنگاه میفر مایند و نا مش را می گذارند شعر نو .

* ـ شما به شعر کدا م تن از این‌بزرگا ن بیشتر علاقه دارید ؟

** راجع به شعرا ی ما قبل‌بایدگفت که«درشعر سه تن پیمبرانند» یعنی فردوسی وانور ی وسعد ی .ولی بابه میا ن آمد ن بید ل طوریکه واضح است این مفکوره تغییرمیکندزیرا مقا م ادبی بید ل به حیث ابوالمعا نی دیگر مجا ل تر دید رانمی دهد . همچنا ن سایر رهنوردان جهان ادب مانند مولوی ، سنایی،حافظ ،جا می هریك همچوخورشیدی اند که در آسما ن بیکرا ن علم وادب تلا لو وپرتو افگنی مینما یند ونمیتوا ن از مقا م شامخ او شا ن‌بدیده اغما ض گذشتت و مشکل‌توان بود هر گاه یکی را بردیگر ی‌برتری‌ورجحان داد .

* چگو نه شعر ی رامی‌پسندید؟

** ـ هر شعر ی که بر د ل‌نشیند . شعر خوب همان خط خوب باآب زر نبشت است که هم محتوای‌قو ی اجتما عی دارد و هم صور ت زیبا ودل انگیز . گر چه پا بندشعر کلاسیك ام اما شعر معا صرکیفیت دیگر ی دارد ولی افسو س که‌اندك‌نو پر دازان ما این تبحر وسلطه‌را درین رهپو یی حایز ند ، دیگرا ن‌به بیرا هه می روند و فقط نثر آهنگین مینو یسند و رد یف‌بند ی‌کلما ت بی مبتدا و خبر را بدنبا ل هم می آویز ند وآنگاه میفر ما یند ونامش رامیگذارند شعر نو .

شعر کلاسیك ،شعر آهنگ ووزن‌است . اگر در شعر معا صر به‌وزن

کم بها بدهیم یکسره از دنیا ی‌شعر بدور رفته ایم وشعر بـــی وز ن در حافظه لانه نمیکند و عمر حبا ب وارخواهد داشت .

شعر موزو نست مر وا ریـد ازدریا ی عقـــل
برتر ازگفـتارشاعر در مکنو ن است؟نیسـت
جنبش شعراست ((ناطق))همچوبحر بیکرا ن
درخروش‌آید بمثلش رود جیحون‌است؟نیست

شعر کلاسیك به‌روی بحور نزده‌نزده گانه و قوا فی واوزا ن عروض استوار است که با فت هنر ی بـاشکو هی را میسازد که جاو دا نه است .

• ـ رابطهٔ شعر و سیاسـت راچگونه می بینید ؟

• شعر و سیاست ، هر دو به‌عقیده مـن از چشمـه‌آبشخور دارد زیرا شاعر واقعی هما ن چیز ی‌رامیگو ید که سیاست آن را پـــی‌ـ ریزی میکند یعنی اساسا هم ـشعرـسیاسی است .

در گذ شته شاعر را حق و رودبه‌سیاست نبود واورا دو رنگه میداـ شتند وناگفته واضح است که نمی‌خواستند راز شا ن از پرده بیرون افـــتد .

• ـ و همینگونه شعر هـــم درانحصار و تصر ف ایشا ن بود ، چطور مگر ؟

•• درسـت میگو یید اما علاوه‌کنم که در گذشته ها علم وفرهنگ در انحصار یکعده قلیل فر هنگ‌ناشناس افتاده بود که شا عـــر را گریز وگزیری نبود چون خوا ننده‌شعرش کس د یگری نبود . وچون توده ها از سواد ودانش‌محـــرو م‌بودند ، از همین رو شعرا به دربار ها رجو ع مینمودند و ره‌آوردشعری‌خود رابه‌آنها پیشکش میکردند ،اما همه شاعران همینگونه نمی کردند.دسته یی که بر ضد ستم و بیـــداد قامت بر می افرا ختند و دست کم‌در شعر خود بر ضد ستمبار گـان سنگر می گر فتند ، نمی توا نیـــم‌ازنا م بزرگوا را نی چو ن بید ل، ناصر خسرو ، مسعود سعد سلمان‌خاموشانه بگذریم .

شعر طبعا از چند نگاه سرو ده‌میشود یارزمی وبز می است یـــا اجتما عی وانتقادی . البته رز می‌وبزمی بیشتر طر ف پسند شاهانی قرار میگرفت که به مقصد جها ن‌گشا یی وجاه طلبی وباده گسار ی ومجلس آرایی نکته های میدا شت،اماشعر اجتما عی که مظهر امیال و خواسته ها ونیاز ها ی توده ها ی‌کثیر مرد م است ، و قتی اثر بخش میباشد که بازند گی خواننـــده دررابطه باشـد . روی همیـــن اصل است که امروز شعر در خد مـــت‌مردم قرار میگیرد و اکنو ن شاعر وظیفه دارد که تا خواست‌عینی‌جامعه‌رادر شعر خود و سروده ها ی‌خود انعکاس دهد .

عبدالستار ناطق :شعر کلاسیك،شعر آهنگ و وزن است

ناطق : شعرا بـه دربـار رجوع‌مینمودند و دستا ورد شعری خـود را به آنها پیشکش میکردند ..

شاعر امروز حق نداردکه‌شعرش‌قصه گو ی زلف افشا ندهٔ یار باشد بایستی شعرش شلاقـی بـاشد برگردهٔ ستمـــگران . شاعـر امـروز شاعر ، دیروز نیست و قصه امروزقصه دیروز . شاعر ببیند که‌مردمش چه میخوا هد ، درد اجتما عش‌چیست‌زمانیکه تا هنو ز اشبا ح‌ظلم‌درجهان سایه افکنده است و حضور ایـــن‌اشبا ح تا هنوز لکه ننگی برپیشانی بشر هست بایستی قلم و دمـــا غ‌شاعر بر ضد این ننگ بشورد و حرف وسخنی دیگر نگو ید . نمـی‌گویم که شعر تغز لی و عا شقا نـه نبا ید خواند و شنید .

شعر تلطیف گر رو ح و روا ن‌آدمی است . ذهن وروا ن آد می را صیقل میزند و قلبش را ما لاما ل‌از عشق میکند حتما آنـــرا با یـد خواند .

• ـ اکثر شعر امیگو یند که هروقت نمی توا ن شعر سرود . شما چه نظر دارید ؟ آیا برا ی شعـــرسرایی زما ن ومکا ن منا سبی می خواهید !

••ـ واقعا در بسا حالات شعرتبارز نمی کند یا بهتر بگویم شاعر نمی تواند شعر بسرا ید . شا عربرای اینکه شعر ی بگو ید با یـد محل وگوشه امنی دور از غو غا ی‌روز مره بیا بد تابه آرامش فکر ی برسد . فکر واحسا س در آرا مش‌شگفته میشود چه شا عر مخترعی رامی ماند که بدو ن فضا ی آرا م‌نمیتواند دست به اختراع یازد .

• ـ به نظر شما ، در یك شعرقالب وصور ت کما ل اهمیت رادارد یا اندیشه ومضمو ن ؟

•• اندیشه ایجاد گر قالـــب وصور ت است یعنی اندیشه تقد م دارد . صور تگر ایا ن به اندیشـه‌به دیدهٔ حقار ت می نگر نـــد واز برای قالب به سرا غ مضمون‌میروندنخست قالب تهیه می بینند وآنگاه فکر واندیشه را سوهان میزننـدودر قالب می اندازند . کلـــما ت خوش آهنگ را در ابتدا پیدا مـی‌کنند ویابه سخن دیگر کلما ت از پیش تعیین شده را در خد مت‌شعرخود می آورند . بهر رنگ اصـــل اندیشه است ما بقیه صـــور ت وقالب .

• ـ خوب ، دربا ب اتحاد یـــه‌نویسندگا ن وشعرا چه می‌گویید ؟

•• تشکیل اتحادیه نو یسندگان‌وشعرا نقش بسزا ی در تشکـــل وتجمع نویسندگا ن و شعرا ی مادارد . این اتحاد یه حما یتگـــر و

بقیه در صفحه ۵۰

نوشته از :ماریا یو گینیا نیتوشاعر انگو لایی

ترجمه : نیك سیر

آیاداستانهای عجیب وحیرت آوررا برای کودکان میتوان پیشکش نمود ؟

این نو شته از مجله ((لو تس))ارگان نشراتی اتحادیه نویسندگان افریقا وآسیا تر جمه گردیده‌است

• • •

در ینجا سوا لی وجود دارد که چندین سا ل است مطر ح سخن قرار میگیرد ، و با طر ح آن‌پرسش بسیار ی علاقه به مشکلات‌کودکان گرفته اند ، ودر ین میا ن بوده اند کسا نی که اظهار عقیده کرده‌وگفته اند که این مشکلات هر گز رفع نمیشود ، و دیگرا نی هم که درین زمینه تا مل کرده اند ، از خود یك نوع تردید بروز داده ، و درست اظهاز عقیده نکرده اند ، و یا در عوض بلی گفتن نی گفته اند .

یکی از عوا ملی که مانع جسارت بیا ن شده است ، آنست که در جامعه نو ین جا ی برا ی مسا یل خیا لی و فا نتیزی نیست .

آیا قصه ها و داستا نها ی شهزاده گا ن وپر ی ها برای‌اطفال گفته اید یا نه ؟

در حالیکه تعداد وا قعی شاهان افسا نو ی وقد یمی که زمینه‌تخیلی دارند ، بیش از انگشتان دست ما نیست ، تا بخوا هیم از آن‌ها برای پرداختن به تصورا ت نو ین وزیبا وپر ی وار کا ر بگیریم .

چرا باز هم این سوا ل مطر ح گردد؟

این مو ضو ع در کشور ها ی صراحت دارد که نهاد انسا نی در حال تغییر بوده است ، ودر آنها جا عجیب نگر ی ها و داستا ن‌پر- دازی های حیرت آور در حال از- دیاد بوده ، وکود کا ن همیشه با افسانه ها ی دیو و پر ی رو برو بوده و هستند ؟

ولی با آن هم من به جر ئت گفته میتوانم که مفا هیم گذشته رابا ید شنا خت وبا ز ساز ی کرد ، و از فراموشی نجا ت داد و دیگر اینکه در شعا ع گذشته باید که آینده را روشن ساخت ، البته نه‌تنهابرای مقایسه گذشته وحا ل ، بلکه بدین وسیله مسیر حر کت و تلاش جامعه بشر ی را باید مد نظر گرفت ، که آن عبار ت از تصورا ت زیباییست که درخواسته های عموم نضج می- گیر د .

یك نگاه اجما لی اشکا ل نوین هنری و ادبی را مشخص میسازد که در قبا ل آن کار ها ی هنر ی و ذوقی به تما م بشر یت تعلق می گیرد .

این ممکن است که هنر ومفاهیم گذشته را قبو ل یارد کرد ، یاامکان دارد که آینده را بوسیله گذ شته پی ریزی نمود ، و مسیر واقعی رارهنمود شد .

آیا در ست است ، که این

.. واقعیت اینستکه خواب ها وعجایبات تنها افسانه های پریا و پادشا هان نیست .

موضو عات باز سازی گردد و ملاحظاتی راکه من به حیث‌انگیزه نویسندگا ن و هنر مندا ن برشمردم مقصد ی را بر آورده سازد ، که بحرا ن خلاقیت ها ی هنر ی ازبین برود و بیشتر ازین ابتکارا نه عمل گردد ؟

یا اینکه کوشش مایو سا نه در جهت ابداعا ت هنر ی صور ت گیرد ؟

اینکه از گذشتگان باید استفاده نمود ، نکته ایست که با ید استفاده از گذشته مثمر فایده یی باشد ، یعنی به کار برد ن تصورا ت گذ- شتگا ن در ابداعا ت کنو نی خالی از لطف نباشد و بدینو اسطه :

((در کشور ها ییکه بنگاه ها ی هنری ازطرف دولت‌تمویل میشود ، پروژه های کلاسیك زیاد نیست ، ونو همیشه جا یگزین کهنه است.))

((اوپن سیسم)) واقعیت داردیا ندارد، اکنون میتوا ند راه گشای انسا ن بسو ی سیا را ت باشدیانه چگو نه ترکیب شده اند ؟ و چه ثرو ت ها ی در آن ها نهفته‌است! نه تنها اینکه جوا هرا ت و سنگ ها ی قیمتی با انوا ع رنگها وتاثیر شان در آنها وجود دارد ، بلکه روغنیا ت،آهن ، مس وانوا ع‌فلزا درسیارا ت به نظر میخورد . آیا نویسنده افسانه ((او پن سیسم)) هوشیار ی خودرا بما گوشزد می نما ید تا به مو ضوعات سحر آمیز علاقه بگیریم ؟ اینگو نه نیست‌که مهربا نی و ستا یش ظا هر ی با شهزادگا ن یکنو ع احترا م گذا شتن به مرد م است که با آن موازنه ای بین یك شاه ستمگر ، وامید داشتن به روز ها ی بهتر بر قرا گردد ،و نه اینکه بوا سطه این‌مقا یسه نویسنده خوا سته یکنو ع دنیا ی با انصا ف ، زیبا ی وموازنه رانشا ن بد هد ؟

لیکن ماکنو ن منابع ابتکار عمل زیاد بدسترس داریم تابه‌کمك آند زمان خویش مصدر کار ها ی بزرگ علمی بشویم ،وبتوا نیم که انکشافات زمینی و فضایی را بر شمار یم ، و خوا هیم توانست که کودکا ن‌خویش رادر عمق مسایل عجیب‌زمان خویش رهنما یی کنیم ، وافق دید شا ن وسیع سازیم ، که این عجا یبا ت پیشر فت زما ن ما بسیار زیادبوده ودر حالی آنها را مینگر یم که ازبر

مرد ن شا ن عا جز هستیم ،لیکن
توانیم مثل نویسند گا ن سلف
ود آینده راپیش بینی کنیم ، و
ها و کار ایشان را ستایش نماییم
انه اینکه بهتر است تا سخن
د ن رادر باره شاه وپر یا ن بس
نیم ؟ برای اینکه این نکا ت بر
ور دار از مهملات بوده ، ومربوط
جتما عاتی میشو د که با آن‌سر-
ساز گار ی ندار یم ،و مر گ و زند
ی ما فقط مربو ط به مبارزه با آن
یشود ، تا جامعه بدو ن طبقات
سازیم ، که این جا معه تو سط
نشتکا ن طر ح ریزی شده‌است
بالاخره بر کرا مت و بزرگی‌انسان
یا فزا یم که در کار خویش‌ارزش
یشتر ی داشته باشد .

این مو ضو ع آشکار است که
کات عجیب و حیرت آور بخشی از
زندگی کود کا ن شمرده میشود و
ین مساله در هر نمود هنر ی‌نمایان
گردیده است ، باید گفت که حتی
زرگسالا ن به خوا ب و خیا ل
حتیا ج دارند . تابتوا نند خود را
حد کما ل ذهنی برسانند .

اطفا ل در دنیا ی آزاد منشا نه
ود ، با استفاده از دو گو نه‌امکانات
وجود میتوا نند فکر خود رامتمرکز
سازند ، بدو ن اینکه میسر دریافت
ن امکا نا ت رابلد باشند ، و در
بال آن هر چیز را ملا حظه نموده
وبامکا ن آور ند .

مثال اینگو نه را که اطفا ل
چگو نه لیا قت اینرا دارند تا ازهر
گونه امکا نا ت استفاده بر ند ،می
توان در نقاشی جستجو کرد ،چندین
مرتبه برا ی رسم یك خا نه ،چندین
طفل هر چیز مربو ط خا نه رارسم
کرده اند ،ولی آن خا نه دیوار ی
نداشته است ، گویا از نگاه آنها
دیوار ضرور ت ندا شته است .

باید گفت که در خواب دید ن
انسا ن نیز آزادی وجود دارد ،که
حتی این خوا ب دید ن بگو نه آزاد
منشانه تر در کلان سالان وجود
دارد ، و منطق و کلانی آنها مانع
این مسا له شده نمیتوا ند . زیرا
در دنیا ی اطفا ل هر چیز درچوکات
امکا نا ت آنها منطقی به نظر می
خورد .

در واقعیت امر این آزاده گی
طفو لیت مثل آنست که در کلان
سا لان وجود دارد ، وزیر تا ثیرو
فشار آن انسا ن به پیش میرود ،
تابر حقا یق علمی پیروز ی شایانی
بدست آور ند .

باید پرسید که چرا نکا ت عجیب
وحیر ت انگیز برا ی اطفا لضروری
پنداشته میشود ،برا ی اطفا لی که
آینده رامیسا زند ، برا ی اینکه
بشریت باید همیشه به پیش برود،
وبرا ی اینکه جها ن ما حو ل خود
راکشف کند و بشنا سد ، وبادنیای
پر از رمز و راز خویش آشنا گردد،
واشکا ل نو ین نزدیکی و همبستگی
رابین خود بیا بند ،و با همسایگان
ودنیا ی که اورا احا طه نموده نز-
دیکی بهم رساند . این جستجو
ییست که همیشه وجود دارد ، به
امید اینکه زمین کا فی برا ی‌آیندگان
وجود داشته باشد ، و غذا ی کافی
بانها برسد ، وبرا ی اینکه بشر
سیاره حیر ت انگیز خود را ازتباهی
نجا ت دهد ، وبا لاخره برا ی‌اینکه
کودکا نش با صحت کا مل وبدون
عقده تشو یش و نقص جسمی بار
بیا یند ـ و خلاصه در آینده بدون
آسیب زند گی کنند .

البته تما م این چیز ها ممکن‌است
وما میتوانیم با این کار خویش‌اجازه
دهیم ، تا دانشمندا ن جدید ی‌عرض
اندام کنند، ودنیا ی قابل اعتماد
علمی بسازند .

ـ آیا منظور از ساختما ن مغز
بشر ی در چیست ؟ منظور حاد ثه
قابل لمس است که تا هنو ز وبرای
همیشه وجود دارد ،و انسان بکمك
آن چیز ها یی را کشف کند ، وآنها
را مثل روشنی روز نمایا ن سازد.
تا طبیعت مثل آب زلال بهار ی‌صاف
وآشکار گردد ، وطور ی بما معلو م
شود که بهارا ن شادا ب در رو ی
کره‌زمین بوجود آمده است ، درینجا
باید دوباره به جها ن خویش بر
گردیم ، به جها نی که کود کا ن ما
تشکیل مید هند .

اصل واقعیت اینست که خوا ب
ها وعجا یبا ت تنها افسا نه ها ی
پریان وپاد شاهان نیست، بیایید
که بشریت رابلبا س اکتشا فات
نوین در روشنا یی رنگ ها والوان
گونا گو ن آراسته سا زیم ، برای
مثال به تحلیل ((اتم)) واثرا ت
آن بپر دازیم ، یعنی به یك بخش
کوچك وزره بینی ، لیکن برا ی
چشمان کودکان مااتم به قدر کفا-
یت نسبت به افسا نه ها ی دیوو
پری وشهزاده وپادشا ها ن پراز
دانستنی ها و عجا یبا ت است .

واین مو ضو ع را پر از زر ق و
بر ق مثل آن افسا نه های‌گذ شته
بسازیم ، بکودکا ن باید جر یا ن
برق و قابلیت جذب و دفع رانشان
دهیم ، وبا ن ها تعاد ل و موا زنه
را در یك حجره ،در یك جسم،ودر
یك سطح نما یا ن گردانیم وبیایید
که همبستگی ونزدیکی مواد رابه‌آنها
نشان دهیم وآنرا بانزدیکی و یکپا-
رچگی انسا ن هم مانند سا زیم
که جز همیشه بخشی از کل است
برای اینکه بشریت احتیا جداردکه
به شکل گر و هی زند گی و
کا ر کند با ز هم بیا ئید
که ضرور ت هما هنگی‌رادرارتباطات
انسا ن گوشزد کود کا ن‌گر دا نیم
و ضرورت احسا س برا دری وکمك
های متقابله رابا ن ها یاد آورشویم.

اگر ما سناریو های جالب فلمی
وزبا ن منا سب رابه کار بر یم ،باز
هم کودکا ن را حیر ت و تعجب
نخوا هیم بخشید ؟

بیایید که در چوکا ت خطو ط و
زوایا ی زندگی انسا ن ها ی‌مصنوعی
و حیا ت ما شین ها ی
مدر ن نفس بکشیم ،و بیا یید که
کودکا ن را مو جو دا ت‌اهلی و
آشنا به حشرا ت وغیره گر دا نیم.
برای اینکه شبا هت ها ی زیاد بین
آنها وجود دارد ، در ینصور ت
زندگی ماشینی دارا ی منفعت‌خواهد
بود ؟ بایستی بکود کا ن اجزا ی
ترکیب کننده را بیا مو زیم که‌ماشین
بدو ن یکی از آن ها کار کرده‌نمی
تواند ، عینا مثل انسا ن که درانزوا
بسر برده نمیتواند .

من فکر می کنم که اگر از ا ن
نظر ی که در نخست با یدنکا ت
حیرت آور ی برای کودکان‌بنگاریم
تعقیب کنیم ، مو ضو عا ت پر از
دلچسپی خوا هیم یا فت . که‌تقدیم
آنها شود .

در پهلو ی آن میتوا ن ، نکا تی
از ملاحظه به طبیعت دریافت ،واز
تمام جها نی که درطبیعت وجوددارد
موضوعا ت شایا نی را پیشکش
نمود . بحر با ذخیره های عظیم

بقیه درصفحه ۵۱

آیا قصه های جن و پری را برای اطفال باید گفت یانه؟

مکتوبات عبدالرحمن جامی نمایانگر شخصیت اخلاقی وانسانی او

نویسندگان :

ا . از نبا یف

ل . اپیفا نو وا

ترجمه: ن.س

انستیتو ت شرق شنا سی اکادمی علوم از بکستا ن اتحاد شورو ی که دارا ی بزرگتر ین کلکسیو ن نسخ خطی در جها ن میباشد (۱) توانسته است که در محدوده وسیع فر هنگی خویش یك تعداد نسخه ها ی قلمی شاعر معرو ف شر ق نور الد ین- عبدالرحمن جامی (تو لد نوا مبر ۱٤۱٤ - وفا ت ۸ نوا مبر ۱٤۹۲) به قلم خودش در گنجینه‌ی خود بگنجا ند (۲) .

کلکسیو ن مربو ط این انستیتوت تقریبا حاو ی (۵۳۱) کاپی از (٤٦) اثر قلمی این شا عر بر گز یده‌است که شامل نسخه ها ی زیاد قد یمی ودست نو یس میشود ، از جمله نوزده نسخه آنها مربو ط قر ن (۱۵) بوده ، و (۱۱۹) آن بقرن(۱٦) میرسد ، و در عین حا ل (۱۰٦) نسخه آنها از قر ن (هفده) نمایندگی می کند .

سه نسخه دست نو یس (۳) و بیشتر از (سه صد) نسخه مکتوبات واسناد جا می در آنجا وجود دارد که‌بیش ازآن‌رانیز میتوان حدس‌زده وتعیین مقدار نمود ، که این‌مقدا ر شامل جزییا ت بیشتر ی میشود.

باید گفت که این نسخ برای شناخت و مطالعه آثار و زند گی مولانا نور الدین عبدالر حمن جا می ازیك بر تری و اهمیت بر خور- دار است ، که میتوا ن در روشنی آنها بدر یا فت ها و حقایق زیاد ی رسید ، همچنا ن بهتر میتوا ن‌بابر خوردار ی از مطالعه این نسخ به‌یك سلسله مسا یل نا گشو ده در آثا ر جامی وشنا خت عناو ین آنها (٤)به خصو ص در کلیا ت مو صو ف که مجمو عه ی مهم از آثار جا می‌است) وتحت نمبر ۱۳۳۱ (۵) حفظ‌گردیده واز اهمیت به خصو ص برخور دار است ، دستر سی پیدا نمود .

این کلیا ت تو سط شخص‌جامی تالیف گردیده که مقد مه آن مو ید این سخن میباشد . درسال(۱۵۰۲) نسخه ای از رو ی آن نقل گردیده است ، که در حدود ده سا ل بعداز وفا ت جامی میباشد .

کلیا ت مربو ط تاشکند شا مل (سی و هشت) اثربوده(شش)که تما م آن دست نویس خود جا می میباشد .

قدیمتر ین کاپی ها ی آثار جا می شامل کلکسیو ن انستیتو ت‌شر ق شناسی اکا د می علو م ازبکستان میگردد ، که این آثار مارا قا بلیت وتوا ن مید هد . تابعضی نکا ت‌قابل بحث را در آثارو ی حل نما ییم . وبر موضو ع روشنی بیشتراندازیم به طور مثال این یك نظر تا ید شده در ادبیا ت است ، که ترکیب هفت منظو مه جا می زیر عنوا ن‌هفت اورنگ (هفت ستاره از اور سه‌ما جور) یك انجا م وعمل‌مشکل‌وقابل تحسین بوده (هفت) که مطا لعه آن ضرور ی مینما ید .

انستیتو ت شر ق شنا سی از- بکستا ن خوشبختا نه این اثر ارزنده را در تصر ف دارد ، که نمود ی شایا ن از دورا ن‌نویسندگی وزند گی ادبی مو لانا عبدالر حمن جامی میباشد .

جا ی به خصو ص راکه در آثار ونسخه های مربوط به جا می‌ومیراث فرهنگی این شا عر توانا اشغا ل می‌کند ، همانا کلکسیو ن نا مه ها واسناد وی است ، که بیشتربه شاگردا ن ، ودوستا ن نزدیك شاعر تعلق بهم میرساند ، و همچنا ن همبستگی وارتبا ط شا عر با وزیر معرو ف وقت امیر علی شیرنوا یی نیز در مجمو عه ای بی نظیر ی‌نمایان گردیده است ، که دارا ی عنوا ن ((مجمو ع مراسلات)) میبا شد ،وبه نمره - ۲۱۷۸ (۹) در کتلا گ انستیتو ت مو صو ف قید شده است .

این کلکسیو ن یا مجمو عه شامل (٦۰۰) شر ح حا ل میشود ، که تقریبا (۳۰۰) آن تو سط نورالد ین عبدالر حمن جا می نوشته شده ، وبقیه توسط معا صر ین وی‌برشته تحریر در آمده است .

این مکاتیب در جلد ها ی ٤۵ ور قی وقا یه شده که هر کدا م دارا ی سه تا بیست نا مه راحاوی میشود ، و یکی بدیگر ی ار تبا ط ندارد ، وهر کدا م مطابق به‌فهرست یانا م نویسند گا ن مربو ط آن می باشد .

باساس محتویا ت مکتو با ت جامی ، میتوا ن آنهارا به سه‌گروپ تقسیم نمود :

الف : آن نا مه ها ی که وی به عنوان دوستا ن ویارا ن وشاگردا ن خوش ، به خصو ص بنا م شا عر معرو ف از بك علیشیر نوا یی‌نگا- شته ، این نامه ها معر ف برجستگی وتفا هم ونما یانگر زند گی‌خصوصی این دوشا عر وشخصیت بزرگ شده میتواند .

ب : مکتوبا تی که جا می بنام‌علی شیرنوا یی وامرا ی کشور ی وسلا- طین تیمور ی ، به خصو ص سلطان حسین بایقرا (۱۵۰٦-۱٤٦۹) با ارتبا ط به مسایل اقتصادی‌وفرهنگی کشور نوشته است .

ج : همچنا ن نا مه ها ی که‌برای سلطا ن حسین میرزا و علیشیر- نوایی به خا طر شفا عت وبرآوردن نیاز مند ی ها ی مرد م وریا عا ی هرا ت ودر عین حا ل برای رفع مشکلات و خواسته ها ی محصلین وشاگردا ن مدرسه هرا ت نو شته است .

امکان وقابلیت آن برا ی ماوجود ندارد ، که بتوانیم به تما م‌جهات وگوشه ها ، و در عین حا ل مرام‌ها ومقا صد این مکتوبا ت در ین مختصر روشنی انداخته ، ونیا گرانبها ی اقتصاد ی ، تار یخ اجتما عی آنهارا در باره مو قع خراسا ن و ماورالنهر در قر ن (۱ بررسی و تحلیل نما ییم ، تنهاخ هیم توانست نکا ت بر جست محسوس شخصیت مو لا نا جا وحقایق فرد ی زند گی اش را رسی نموده وبر شمیر یم .

درین مکتوبا ت جا می بزگر نک میپر دازد ، وآنها را پیشکش کند ، که علاقه ودلبستگی وی را مسایل اقتصاد ی ، و پیشرف فرهنگی کشورش میرسا ند ، خصو ص درین نا مه ها در م زندگی وحالت معیشت صا حبا صنایع وثرو ت وروستا یا ن صنعتگرا ن میتوا ن نکا تی‌رادریا داشت.

همچنان ملاحظا ت در موردجن وستیز زمین دارا ن که بسیا رزر آور برا ی اقتصاد کشور بوده،در مکتوبات به چشم میخورد که جا یکد فعه نیز کوشش نمود که‌سلط حسین میرزا ووزیر معرو فش ع شیر نوا یی را متو جه این نکت سازد ، تااز دست زد ن بعمل‌نظا درین مورد خود دار ی کنند ، کوشش نموده که بتواند صلحی دوام رابین تما م جنا ح های‌درگ بوجود آورد ، زیرا فکر میکرد ک اینگونه بر خورد ها برای مسلمان زیا ن مند وغیر قابل تحمل است (نامه نمره -۳۵) (۱۱) مثلا:

((... وقضیه صلح که نو ش شده بود ، امید است که عنقر ب بوقو ع پیو ند د، که مصلحت‌جم مسلمانا ن از هر دو جانب در هست ، شك نیست که‌خاطرشریف ایشا ن نیز بر آن خوا هدبود...

درنا مه دیگر جا می میکوشد که سلطا ن را از مشکلات مرد آگاه سازد ،واو را متو جه عوا ق مسئاله سازد ، وسعی بر این میک تااز قوه با لا ی دهقا نا ن زیرست کار گرفته نشود .

اودر نا مه نمره (٤٦) (۱۲)خو عنوا نی امیر علی شیر نوا یی‌چنی مینگارد که :

همیشه با ین نکته اشاره کر است که در بخش ها ی غر بی‌هرا مردم تحت فشار زیاد میبا شند وهر روز بی پناه تر شده ، و ای فشار وستم در جه با لاتر ی را خود میگیرد ،وامکا ن دارد دربسیار

قاط عوا مل نارضا یتی تو سعه‌یابد
درین نا مه جا می از نوا یی خوا-
ش می کند تا مرد م را کمك کند:
((... نوشته شده بود که‌درقبله
وی هرا ت تاجا یی که واقع‌است
خصیص را جهتی نیست ، این
قعه در جمیع جها ت شا هی
ست ....))
چی شر ق و چی‌غر ب وچی‌جنوب
چی شما ل
از جور پر است واز جفا مالامال
جا ی دیگر جا می باز هم نا مه‌ای
نوا ن یکی از امرا (شا ید امیر
لی شیر نوا یی) همرا ی‌درخواستی
فر ستد که :
ساکنین ولایت جا م به عذا ب
ستند واز دست ما لیه گیرندگان
ظا می ، واها لی آنجا چار یك‌شده
د ، زیرا که مرد م آن محل از فقر
تهید ستی جا ی خود را تبد یل
کنند ... (مکتو ب نمره ۱۴۸)
۱۲) :
((بعد از رفع نیاز معرو ض‌آنکه
لایت جا م به کما ل اختلال‌رسیده
ست ... و همانا که در ین ولارسد
شکر با ین ولایت رسانیده اند ،
یشا ن را قطعا استطا عت آن‌نیست
...و...همین صورت واقع‌بودبعرض
مایو ن رسا نیده بوده اند ،
یشا ن را معا ف داشته ، امسا ل
ز امید وار ی تما م دار ند ،التماس
که عنایت نموده درآن باب‌التفات
مایند، واهتمام فر مایند ...»
۱۳)
مولانا عبدالر حمن جا می طی
مه‌های نمره ۱۰۵ ـ ۱۴ و۱۵۵ـ
۱۵۵) شفاعت و حمایت خودرا از
دهقانا ن انفراد ی بسلطا ن و قت
یش نموده ، تابتوا ند رضا یت
اطر اورا در ین باره بد ست‌آورد،
که دهقانا ن مو صو ف ما لیه خود
را عو ض پول به پا یین
ز ین مقدار آن به امتعه حا صله
ر دارند و ایشا ن را نیز از
حویل تکس فو ق‌العاده معا ف
دارد واگر نه آنها را تهید تستی
معرو ض به خطر میدارد :
((اگر فر ما ن هما یو ن نا فذ
ید که مد ت سه سا ل ما لیه‌جزوی
زراعتی که دارند به جنس گیر ند،
ا خراجا ت و عوار ضا ت رابه
دستور ی که معا ف داشته اند ،
معا ف دارند ... امید است که...
ختلال حالیه ایشا ن اصلاح
ذیرد ...))
در مکتو ب نمره (۷۵)ـ (۱۶)
جامی تذکر مید هد که چگو نه ما-
لیا ت و تکس معمو ل اقتصادمملکت
رابه تبا هی کشاند ، و چطور مردم
این مالیا ت را متحمل شدند ، و
جامی طی این نا مه اظهار عقیده
می کند که با ار تباط با ین
عار ضه زند گی اقتصاد ی مملکت
روبور شکستگی میرود .
او از سلطا ن استد عا می کند
که از ین سلسله ما لیا ت پر هیز
کند ، زیرا که آسا یش مردم و
مسلمانا ن همیشه مهمتر ازانست
که دستخو ش ضرور ت تکس وما-
لیا ت گردد :
((بعد از عر ض و نیاز معرو ض
آنکه حا ل زعایا ی شهر وبلو کا ت
بواسطه احوا لاتی که نسبت‌بایشان
واقع میشود ، به مقا م اضطرا ر
رسیده است ، ونزدیك است که
سلسله زراعت وسایر احوا ل‌ایشان
از انتظام بیا فتد ... التما س
آنکه عنا یت نموده اهتما م فرمایند
که در احوالات تخفیفی واقع شود،
که اگر چه بعضی آنهارا ضرور ی
اعتقاد دارند ـ تاحد ی برمسلمانان
ازآن ضروری تر است ...»
حمایت کرد ن از مرد م عوا م‌از
خصو صیا ت اخلاقی جا می است
برای اینکه در یکی از مکتوبا ت خود
از دهقان حمایت میکند که او یك
بخش تاکستا ن خود را فرو خته
است ،بدو ن آنکه قیمت آنرا گرفته
بتواند (مکتو ب نمره ۳۸) (۱۷) :
((بعد از عر ض نیاز معرو ض
آنکه ... دارنده بزرگر مزار ابوالو-
لید بوده و ... که او بزرگتر بوده
فروخته اند ، ودر حصه او تعلل
می‌کنند و قسمی را از آن حوا له
بکسی کرده اند که نمید هد،التماس
آنکه عنایت نموده چنا ن کنند که‌حق
او بدو رسد ...))
در یك نا مه مو لانا عبدالر حمن
جامی به حما یت از کفش دو ز ی
بر میخیزد ، که اورا مورد تهمت
تقلب و دغل کاری در کار تولید
اجناس او قرا ر داده اند ، وتو
قیفش کرده اند ، جا می خوا هش
می کند که و ی رابه خاطر طفل
کوچك او که‌بدو ن‌وی بی سرپرست
ودر حا ل فقر میماند ، رها سا زند
(مکتو ب نمره ۱۲۶) (۱۸) :
((بعد از عر ض ونیاز معرو ض
آنکه در ویش محمد کفشدو ز رابه
قلابی گرفته اند ، مدتیست که حبس
کرده‌اندضیفی‌دارد ، و طفلی صغیر
ودو ماه درمقام تضرع وتظلم اند،
اگر عنایت نموده و جهتی شود که
اورا ازان کار تو به دهند ، وبا ن
طفل صغیر بخشیده آزاد کنند . ..
سبب ازدیاد دو لت وسعاد ت دو
جهانی باشد ...))
در کوشش ها ی تربیتی وتعلیمی
خود جامی میخوا ست که اینگو نه
روش رابین مرد م و سعت دهد ،
وسعی برآن میداشت که از تما م
امکانا ت استفاده نموده ، و در
تعلیما ت مدرسه ی نیز این فور ـ
مول هارا پیاده کند ، زیرا که‌مقصد
داشت تا امور ما لی او قا ف نیز
بوجه بهتر انجا م پذیرد ، وطالبان
مدرسه از عهده آن امور خو ب‌بدر
آمده بتوانند (مکتو ب نمره ـ۱۲۰)
(۱۹) .... یا بگو نه واضح ترشا-
گردا ن مدرسه قابلیت از عهده بر
آمد ن مو ضو ع راداشته با شند
(مکتو ب نمره ـ ۳۶) (۲۰) :
((بعد از عر ض نیاز معرو ض
آنکه دارند گا ن مرد م غر یب‌وطالب
علم وفقیر اند ، اگر چنانچه عنا یت
نموده نسبت بایشا ن نو عی احسانی
واقع شود ، بسیار در محا ل می
نما ید ...))
این شاعر انسا نی همچنا ن
متو جه پیشر فت و انکشا ف‌تجارت
نیز بوده ، برا ی اینکه تو سط یار-
دیرین خود را امیر علی شیر نوا یی
سلطا ن رامتو جه این نکته میساخت
که :
تجار ت دست اندر کارا ن واداره
چیا ن مالی ناتمام است ، زیراایشان
عوار ض وافزو نی زیاد ی رابرا ی
تجار خار جی محو ل میکنند ، تابه
خزانه دو لت تحویل شود ، که مانع
پیشر فت تجار ت میشود مکتوب
نمره (۵) (۲۱):

بقیه درصفحه ٥٤

---

۱ ـ یك بخش کلکسیو ن‌مکتو ـ
با ت در هفت جلد در کتلاك اکادمی
علو م از بکستان اتحاد شورو ی
تبصره و تفسیر شده است(۱۹۵۲ـ
۱۹٦٤)
۲ ـ لست تفسیر شده مکتوبا ت
عبدالرحمن جا می در انستیتو ت
اکاد می علو م از بکستا ن دیده‌شود
(۱۹٦٥)
۳ ـ کلکسیو ن شر ق شنا سی
انستیتو ت شامل شر ح حا ل های
بقلم جا می قرار ذیل میباشد !
شواهد النبوه لی التقو یةالیقینی
اهل الفتو ه (مبنی بر معر فت‌پیغمبر
وبرای تقویت ایما ن مرد م پا ك
طینت نمره (٤۲۷۷) .
نسخه از دیوان دو م جا می که
زیر عنوا ن واسطا ت العقد (مروارید
مرکزی گرد نبندی) شنا خته شده
دارا ی نمره (۱۱٦)
همچنا ن نسخه ای بنا م فوا ید
الضیاء (شر ح ملا) منسو ب به
تفسیر ضیاء الد ین ملا ـ دارا ی
نمره (۸۸٦۲)
دونسخه مکتو ب هم در بین‌شرح
های احوا ل دست نو یس ، که
تقریبا مربو ط به تاریخ عتیقه شنا-
سی میشود .
٤ـ دوشرح حال که‌به جامی
وقف گردیده ـیکی تو سطح، ی
برتلز بنام ((جامی)) (۱۹٤٦) ـ و
دیگر ی توسط علی اصغر حکمت
به عنوا ن جا می ، تهرا ن(۱۳۳۰)
ص (۱٦۱ـ۱٦۳) که بیشتر از سه
منبع برا ی نوشتن آن ها استفا ده
گردیده‌است .
تذکره از قر ن (۱٦) توسطسام
میرزا (تحفه سا می جا می) ـ شر ح
حالی که توسط شا گرد جا می
عبدالغفور لاری بنا م (مقا ما ت
عبدالر حمن جا می) نوشته شده ،
ونیز تذکره مربو ط قر ن (۱۷)بنام
(مرآت الخیا ل) به قلم شیرخا ن
لودی ، باید گفت که تعداد آثا ر
جامی بین ٤٥ـ ۹۹ میرسد .
٥ ـ جلد ۱۱ نمره (۱۸۰۳)
٦ ـ کلیا ت جا می که درکتلا ك
دور ن تشریح گردیده ، دارا ی‌نمره
(۳۳)ـ(۱۹٥۲) تعداد صفحه (۳٦۹)
۷ ـ بار تل ـ جامی ـ ص(۱۳۳)
۸ ـ نسخه نمره (۱۰٦٥) شکل
۱و ۲
۹ ـ جلد (۱) تشر یح تو سط
بارا تو وا دارا ی نمره (۳٥٦) سال
(۱۹٦٤)
۱۰ ـ موجود یت یك تعداد از
مکاتیب که بعدا بدو ن امضا ء
نوشته شده‌است .
۱۱ ـ نسخه ها ی نمره (۲۱۷۸)
شکل (٥ب)
۱۲ ـ همانجا شکل (٦ب)
۱۳ ـ همانجا شکل (۱۳ ـالف)
۱٤ ـ همانجا شکل (۱۱ ـالف)
۱٥ـ همانجا شکل (۱۳ـ ب)
۱٦ـ هما نجا شکل (۹ـب)
۱۷ ـ همانجا شکل (٥ـب)
۱۸ ـ همانجا شکل (۱۲ـ الف)
۱۹ ـ همانجا شکل (۱۲ـ الف)
۲۰ ـ همانجا شکل (٥ـ الف)
۲۱ ـ همانجا شکل (۲ ـ الف)

نوشتهٔ غلام ر حمن ا میری

رسم ورواجهای سیستان

رسم ورواجهایی‌که دربین‌مردم بلوچ وسکنهٔ سیستان افغانی و جود دارد واز نظرنگارنده قابل تذکر است درینجا توضیح می شود . برخی ازین ر سوم عمومیت داشته ودر سایر حصص کشور نیز به‌ملاحظه میرسد و لـی عدهٔ ازان خاص و مربوط باین حوزه ا ست. همانطوریکه موضوع جلوگیری از تـولـدات نزد اکثر مردم کشور ا همیت ندارد وبـه تولد پسر به نظر نیك می نگرند درسیستان افغانی هم خانواده هابهر اندازه که "پسرزیاد داشته باشند" خودرا بهمان اندازه سعادتمند می‌پندارند . حتی برای آنکه بدانند زن حامله پسر خواهد آورد و یا دختر بمار مرده فال می‌گیرند . بدینصورت که مار مرده را ازمردم گرفته و پس از آنکه آنرا سه دور میدهند به فاصله تقریبا هشت تاده‌متر دورمی‌اندازند درصورتیکه مار به شکم بز مین بخوابدوشکل زندگی خودرا بالای زمین اختیار کند بعقیده آنها زن حامله پسر خوا هد آورد واگر مار طوری به زمین بخوابد که شکمش جانب هوا قرا رگیرد طفلی که می آید دختر خوا هـد بود . تولد پسر را درین حوزه بهر وقت از شب یاروز که تصادف کند باچند فـیر تفنگ به مردم قریه ابلاغ می دارند . د ر زایمان زن حامله از طرف یکنفرزن‌سالخورده وباتجربه که‌در محیط بنام دایه شهرت دارد کمك می شود شب ششم بعد از تولد اقارب نزدیك بخانه نو زاد دعوت شده و مجلس برگزار می نمایند که دران به خاطر پسـر نوزاد عدهٔ از مهمانان بخواندن و نوا ختـن موسیقی محلی سهم گرفته وا ظهارخرسندی ومسرت می نمایند . اکثرا درین محفل نام ـ گزاری طفل نیز صورت می گیرد . دربعضی مناطق ملای مسجد باعدهٔ از شاگردان وبچه ها طی مراسم خاص بخا نواده نو زاد می‌آیند که از طرف فا میل نوزاد شیرینی و چـای داده میشود این رسم را مردم محل بـنام (نشرح آوردن) یا د می کنند .

در سنین پنج تاده سالگی معمولا دربهار ویاخزان سال که هوا ملایم باشد مرا سم (ختنه سوری) یاسنتی طفل بر پا می شود این امر نیز در جریان محفل خاصی که‌دران اقارب و دوستان خانواده طفل اشتراك‌نموده وباساز و آواز و رقص های محلی مجلس‌را گرم می سازند از طرف خلیفهٔ سلمانی‌بطرز ابتدائی ومحلی اجرا می گردد .

تجلیل روز های عید درین حوزه ازسایر مناطق کشور فرق زیاد ندارد. درین روز هـا علاوه از آنکه تمام افراد قریه ایام فر خندهٔ عید را بهمدیگر تبریك می گویند با اقارب خویش در خانه های شان ملاقات نموده واز آنها خبر گیری می کنند . بعضی اشخاصیکه درجریان مدت بین دو عید بنابر علتی ناراز وآزرده شده و قطع علاقه نموده با شند در روز های عید بخش عناد را از خاطر بـرده ورابطهٔ نیك بین خویش دو باره بر قرار می سازند جوانانیکه نامزد باشند حتما روز دوم عید بخانه خسر رفته و مقدار کا فـی نقل ، د ستمال و تخم جوش داده و رنگ شده بعنوان عیدی در یافت میدارند که‌معمولا حصهٔ ازان را باقارب خود مید هند .

در مراسم ازدواج جوانان بیکس‌وبی‌سر ـ پرست مو سفیدان قریه سهم گرفته و بـه وساطت آ نها نا مزدی صورت می گیرد در مجلس عروسی هم مردم قریه و اقارب‌نزدیك یك دختر و پسر از هیچگونه همکاری‌وصرف مساعی لازمه دریغ نمی کنند . گرچه‌مصارف عروسی از طرف خانواده پسر یا خود دا مـاد تهیه می گردد و لی کار بهمین جا خاتمـه نمی یابد . در پختن مواد غذائی و توزیع‌نان شب‌ـ چاشت و صبح به مهمانان یکعده‌زیاد مردم قریه دست بکار می شوند معمولاخلیفهٔ سلمان و ظیفه آ شپزی و پخت وپز موا د غذائی را بعهده دارد ومردم دیگر در حصهٔ تهیهٔ آب مورد ضرورت پخت غذا و شستن ظروف توزیع نان ، تهیه ظروف طبخ وغیره او را کمك می کنند سا مان و لوازم طبخ فرش اتاق و ظروف نانخوری جـای نشیم یاچند اتاق که برای مهمانان لازم می باشـ همه از طرف مردم قریه واقارب عروس و داماد بدون مطالبه کرایه و پر دا خت پول تهیه می گردد . در صورت مو جود یـسـ موسیقی تقریبا همه جوانان در گرم گر د ی مجلس پای کوبی و اتن و رقص حصه می گیرند . یکعده مردم از مناطق دور دست نیـ در میلهٔ عروسی اشتراك می کنند آ نها نم توانند نسبت بعد فاصله بعد از ختم‌عروسی در نیمهٔ شب بخانه های خویش بر گر دند

درین حصه نیز یکعده از مردم قریه‌هرکدا چندنفر از مهمانان را برای خواب‌واستراحت بخانه‌های خودنمی برند تااز یکطرف مهمانا به مشکلات بی خوابی و بی جائی موا جـ نشوند واز جانب دیگر مشکلات معا ملهدا را ازین مدرك رفع نموده باشند .

بروز سوم بعد از عروسی مجلس دیگری (بنام روز سه) بر گزار می شود اکثر زنـ هائیکه در مجلس عروسی اشتراك نمو د بودند باز هم جمع می شوند و هر کدام نوبهٔ خود یکمقدار پول و تحفه بنام(سیالی) بعروس می پردازند . ازمجموع این‌پـول ومبلغیکه مرد ها تحت عنوان (بجار)بداماد می‌دهندیك‌حصه از مصار ف‌عروسی تکافـ شده می تواند . این رسم باکمی تفاوت در بین مردمان بلوچ فارس نیز و جود دا رد . بجار تعاون از دواج یکی از پسندیده ترین ومفیدترین سنت های قوم بلوچ است که‌در میان مترقی ترین اقوام و ملل نظیر آ نرا نمی‌توان یافت بجار یعنی کمك و همرا هی باجوانی که می خواهد عروسی کندوخانواده بوجود آورد در هر چند بجار شا مل حال غنی وفقیر هردو می شود و لی مسلم ا ست که عقلاو دانشمندان بلوچ برای د ستگیری‌وکمك باجوانان فقیر این رسم را عمومیت داده‌اند تاموجب خجلت وانفعال داماد محتاج نشود از طرف د یگر جوانی که عروسی میکندمردم محل هزینه عروسی او را می پر دازند .

داماد مذکور مکلف است بنوبت خود در بجار جوانان آینـده شرکت کنـد و دیـن خویش را باجتماع بپر دازد . مبلغ بجـار بمیزان ثروت و همت هر فرد بستگی دارد

وهیچکس از پر داخت آن معاف نیست (۹) در نقاط مختلف کشور ما این رسم باشکال مختلف دیده میشود در منطقه بینی حصار و شیوکی هودخیل و بعضی حصص لوگر وبعضی حصه های چهار د هی و غیره‌مردها درشب عروسی این سنت را بجا می آورند در بعضی نقاط خاصتا در شهر ها در یـــن اواخر این کمك را از شکل نقد وپول به جنس مبدل کرده اندکه‌درحقیقت سا مان و لوازم ضروری خانه داماد و عروس ا ز یـن مدرك‌تهیه میشود .

در مواقع غم واندوه نیز رسوم ورواجهای بین اهالی این حوزه به ملاحظه می رسدوفات یك انسان سالخورده یکنفر معمولا دلاك ویاازاقارب میت موضوع رابه‌اهالی قریه اطلاع یمد هد یکی یا دو نفر دیگر ا طلاع موضوع را به اقارب میت به مناطق دو ر دست میرساند مردمان قریه در همان ر وز بوظایف و کار های خویش نمی روند ا ز دوستان قریب واشخاص نوع دوست وپول‌دارنزدمرده دارآمده و آمادگی‌خودرادرحصه پرداخت پول جهت مصارف بطور قـرضهٔ حسنه و بدون مفاد ابراز می نمایند و در صورت لزوم برای مرده دارپول قر ض می ـ د هند عده‌ای از مردم قریه به ترتیب وفرش یك مو ضع(معمولا مسجد) جهت فاتحه‌خوانی مشغول و عده‌ای دیگری شرایط مراسم‌تکفین وتجهیز جنازه را آ ماده می سازند .

چند نفر بکندن قبر و تهیه لوازم مر بوط آن مصروف گردیده و سه تاچهار نفر د یگر مرده دار را در حصه خریداری مواد مـورد ضرورت کمك می نمایند . قبل از د فن‌مرده توزیع اسقاط صورت می گیرد اسقاط عبارت از یکمقدار پو لیست که مرده دار بین عدهٔ از رو حانیون و مساکین توزیع می کند. در بعضی موارد یکی از اقارب نزدیك میت این مصرف رابرعهده‌می‌گیرد و مقدار پو لیکـه برای اسقاط تخصیص داده مـی شـود به توانائی مرده دار مربوط است معمولابزرگران از دو صد تا پنجصد افغانی ، کشتمندان از ششصد تا هزار افغانی و خوا نین‌ازدوهزار تاده‌هزارافغانی‌وبالاتر ازان اسقاط مید هند . بعد از توزیع اسقاط میت دفن می گردد . در اکثر حصص افغانستان قبر را بطرز معروف (شق‌یاشامی)حفر می کنندو لی‌درسیستان‌عموماً قبر به صورت لحد کنده می شود . ازاینکه تخته سنگ درین مناطق کمیاب ا ست ود هن قبر را توسط خشت های که قبلا از مخلـوط کاه وگل تهیه گردیده می پو شانند بامتداد قبر بالای آن انباری از خاك ایجاد می نمایند تا موضع قبر بروی اراضی ازین ا نبار خاك تشخیص شود برای اینکه ا نبار خاك توسط باد از بین نرود بالای آن یکمقدار کافی از سنگریزه های رنگه که روی‌خاك‌را بپو شاند می گذارند . یکنوع قبر دیگر نیزدرسیستان بملاحظه میرسد که بروی ز مین بصو ر ت یك اطاق کو چك گنبدی سا خته شده است درین قبر ها اسکلیت دو تا پنج نفربملاحظه می‌رسد . فعلا این نوع قبر در سیستـــان رواج ندارد و ماهم برای او لین بار دراطراف شهر غلغله سار و تار آ نرا کشف کر دیم بعدا چند عدد دیگر ازین قبر ها در جر یان سروی در بندر کمالخان به مشا هده‌پیوست.

مردم محل این نوع قبر را مر بوط بمردمان گذشته این سر زمین می دانند. دردهات‌معمولا مراسم فاتحه گیری تا سه روز از صبح تا عصر و در شهر ها برای دو روز از صبـح تاچاشت دوام می کند . ا هالی قریه به روز اول تاپایان روز محفل مراسم فا تحه خوانی را ترك نمی گویند در روزدوم وسوم هـــر کدام برای یکی دو ساعت به محفل آ مـده ودوباره بالای و ظایف خویش بر می گردند. دوستان نزدیك خانواده متوفی در هر سه‌روز مرتب در مجلس حاضر می باشند . درحوزه مورد بحث ما خانواده متوفی برای سه روز به پخت و پز و تهیه مواد غذائی نیاز ندارد. هرخانه در همان قریه خود را مکلف میداند یکمقدار نان از طرف صبح چاشت و شب به خانهٔ مرده دار بفرستند . مقدارنانیکه‌فرستاده میشود به‌تناسب تعداد اعضای خانواده‌متوفی ومهمانان دور دست او تغییر میکند در مدت سه روز مهمانان و خانواده متوفی از همین نان استفاده می کنند . در پایان روزم سوم مراسم فاتحه گیری ختم می شود و لـــی تکلیف فا میل متوفی هنوز باقیست نامبرده تاچهل روز در هر روز جمعه به قدر وسع وتوان خود یکمقدار غذا تهیه نموده و بمردم می دهد درین خیرات ها باز هم مردم قریه ودوستان فا میل متوفی در کار ها اشتراك وکمك مینمایند .

از خیرات مذکور غربا ، مردم قریه‌وهرکس استفاده کرده می تواند عدم اشتراك واستفاده از خیرات برای مر دمانیکه ا حتیاج ندارند عیب نیست . پس از گذشت چهل روزاقارب نزدیك میت اعضای خانواده او را هر کدام بنوبهٔ خود د عوت میکنند . منظور ازیـــن مهمانی ها این است تا خا نوادهٔ میت موقع نیابد برموضوع تاثرآور مرگ شخصی که‌از دست داده است متمرکز گردد .

در بین د هقانان رواجی که قابل تـذکر دانسته می شود (حشر) است‌بدین معنی کـه اگربزرگری‌بنابر بر علتی در کار دهقانی و زراعت پسمان شود ویا کدام زمین ناهموار وبلندآبه را بخواهد هموار نموده و تحت آب در آرد وبرای زراعت آماده نماید که کارخیلی زیاد را ایجاب کند و یا اینکه باجرای پارهٔ از کار های کشاورزی مواجه گردد که ازتوان یکی دو نفر خارج بوده و در عین حال‌اجرای آن در یك مدت معین و محدود ضروروباشد در چنین موارد بزرگران طبق عنعنه‌ای که‌دارند اشخاص مورد نیاز را جهت اجرای کار فوق دعوت می نمایند اشخاصیکه بکار د عـوت شده اند بو قت معینه جهت اجرای‌کارمذکور حاضر گردیده وبصورت د سته جمعی باجرای آن می پردازند این رسم را بنام (حشر)یاد می کنند .

OO در حشر بزگری که کار به‌آن‌متعلق است‌تنها درحصهٔ تهیهٔ غذائی چاشت روزویا روزهای کار مکلفیت دارد و پس پر داخت مزدو معاش در روز حشر معمولو مروج نیست در بعضی حصص دیگر کشور ما ازین‌مراسم در گل کاریها واعمار خانه هـــای نشیمـن نیز استفاده می کنند .

تاچندی قبل جرگه های قبیلوی نیز د ر سیستان رائج بود. درین جرگه ها معمـولا یك یادونفر از خوانین واشخاص صا حـب رسوخ قبایل اشتراك می نمود یگان نفر از اعضای جرگه را براساس تجربه ز یـــاد ، معلومات وواقع بینی هم انتخاب می گردند. ازبعضی رو حانیون نیز درین جرگه ها دعوت بعمل می آمد . این جرگه ها بنابر ضرورت برای حل و فصل قضایای بزرگ تشکیـل میشد . قضایای خورد مربوط بعوام‌ودهقانان را خوانین فیصله مینمود . جرگه های‌قبیلوی درین منطقه بیشتر جهت حل مناقشات‌که بین خود نین بوجود می آ مد وآن هم‌در مورد کـه قضیه مدت زیادراه حل پیدانمیکردمدت‌زیـاد راه حـــــل پیـــــدا نمـی گـی‌گردد منعقد می گردید . قسمت اعظم منا قشات که درباره آن جرگه های قبیلوی تشکیـل جلسه می داد مربوط به مسایل نا موس ـ داری ویاقتل بود .

---

(۹) ز بیح الله ناصح- بلوچستان سال ۱۳٤٤ - ص- ۹٤

(O) حشر خود کلمهٔ عربی بوده و مفهوم جمع شدن را افاده میکند و لی در سابـق درمورد (قشون نا منظم و تر تـیب نشدهٔ دهقانان برای جنگ استعمال گردیده است .

اطفال امروز

پیوسته بگذشته

تربیت وتاثیر آن دراطفال

در اثر رهنما یی در ست والدین اطفا ل وظا یف سپرده شده را با میل وعلاقه ودقت انجا م مید هند .

ـ رسم طفل تو سط تبا شیر به خیابانها یا صحن حو یلی‌یارسا می بالای ریگ همراه دست یا رو ی کاغذ تما م اینها برا ی تمر ین های جغرافیا یی مفید است . واستعداد طفل واندیشهٔ اورا انکشا ف مـی بخشد .

ـ بازی و فعا لیت ها ی دسته جمعی‌قبل از سنین مکتب طفـــل رابرا ی ورود به اجتما ع آماده می سازد فعا لیتها ی دسته جمعی‌اطفال شامل سیستم مغلق منا ســبا ت اجتما عی میشود .

هنگا م باز ی طفل ممکن نقشـــ های مختلف ومورد علاقهٔ خود رابه عهده بگیرد .

باید تذکر داد اطفا لی که تا زه به درس و مکتب ویا کود کستا ن رو میا ور ند با یست تحسین شوند این عمل با مهار ت وتو جه کا مـل به کار برده شود . اما باید متو جه بود که تحسین زیاد طفل را درمقابل آموزش بی اعتنا بار میا ورد همچنان سر زنش متداو م علاقه به دا نش راسر کو ب میکند و طفل را ممکن است ترسو و جبو ن بار آورد .

والدین وظیفه دارند تا به‌اطفا ل سنین قبل از مکتب بیا مو زا نند که‌طفل قبل از صر ف غذا دســت ودندا ن خود را بشو ید زیرااجرای عاد ت حفظ الصحو ی طفل را بـــا دسپلین می سازد .

ضرور است تابه اطفا ل‌بفهمانیم که زود بخوا بند و زود بیدا رشوند وزود از بستر بر خیـــز ند در از کشید ن در بستر برا ی مدت‌طولانی باعث کا هلی و تنبلی میگردد .

ـ در سنین قبل از مکتب اساس فرهنگـــ ـ ر فتـــار ـ کـــر د ار وطرز بر خورد با افراد گذا شـــته می‌شود .

در همین سن اطفا ل با یدعاد ت سلام داد ن ـ خدا حا فظی کرد ن احترا م به بزرگا ن و شفقت بـــا خردان را بیا مو زند و کلماتـــی‌از قبیل لطفا ـ اجازه بد هید ـ به ـ بخشید و غیره را در بیا ن و تکلم خودپرورش بد هند .

درسنین مکتب والد ین با یـــد توجه جد ی وعمیق به تعلیم اطفا ل معطو ف دارند .

اطفال در اصل به آموزش ویادر گیر ی علاقه دارند . تعلیم خصو ـ صیتی دارد که انسا ن را به هدف می رساند واراده را قو ی میسازد والدین در صور ت عدم مو فقیـــت اطفا ل باید خود به کمك ورهنمایی آنان بشتا بند .

اگر اطفال حین آموزش ازموفقیت بر خوردار با شند مو فقیت علاقه‌و دلچسپی را بدرس تقو یه واستحکام می بخشد مو فقیت طفل را شاد می سازد .

بـــر عکس اگر عد مً مو فقیت‌چند مر تبه باشد دلچسپی اطفا ل را به تعلیم‌و آموزش تقلیل مید هد . ودر نتیجه در پرورش صفا ت طفـــل تاثیر منفی بجا میگذارد .

کمك به اطفا ل باید رو ی‌سنجش وعاقلانه باشد اگر تما م و ظا یـف اطفا ل را والد ین انجا م دهند .در آنصور ت قوه دما غی آنها زیـــاد انکشا ف نیا فته وشاد ی لا ز مرا از موفقیت خویش احساس نخواهند کرد .

ـ کمك باید طور ی صـــور ت گیرد تا فکر ودما غ طفل را به کار اندازد اطفا ل باید خود کار باشند تاحد ممکن سعی شود تا تسهیلا ت لازم وشرا یط مسا عد برای طفـــل ایجاد شود .

ـدر جریا ن آموزش وا لد ین‌با ـیست بکوشند تابعضی عوا مـــل خار جی از قبیل سرو صدا ـ خنده های بلند ـ رادیو ، تلو یزیو ن ویا حتی محبت مادر به طفل مانع‌آموزش طفل نگردد.

ـ والد ین صر ف در صـــور ت ایجاد چنین شرا یط می توا نـــد آرزوی آموزش سالم وکامل اطفال شان را داشته باشند .

ـ مراعا ت تقسیم او قا ت معیین برا ی اطفا ل سنین مختلف ضرور است به خصو ص برا ی شا گردان صنف اول ـ داشتن تقسیم او قا ت به منزله عوا مل در جه او ل تربیتی می‌باشد .

سعی شود تا شا گردا ن‌مکاتب ابتدا یی تقسیم او قا ت را جد ی مراعا ت نمایند .

ـ یعنی در وقت معین بیدارشوند اجرا ی جمنا ستیك ـ صر ف چا ی صبح ، رفتن طر ف مکتب ـتفریح وظایف خانگی ودید ن تلویز یو ن وغیره،همه به و قت معین صور ت گیرد .

ـ اطفا ل هفت ساله آماده پذیر- فتن مشوره ها ی مهربا نانه‌اطرا- فیان خویش اند . اگر تلاش وکو - شش به خر چ داده شود . صفا ت راستگو یی پا کی ـ صدا قـــت از همین دوره حتی پیشتر از آن در وجود آنها بنیا ن گذا شته میشود.

ـ اطفال در خانه باید کار های مشخص را انجا م بد هند . مـثلا خانه راپا ك نموده گرد گیر ی و صافی کنند ظرو ف راپا ك کنند ـ گلهارا آب بد هند . و همچنان کار های مربو ط به خود راخود انجـام دهند وقتی صبح از خوا ب بر خا- ستند بستر خود را تر تیب کنند. ضرور نیست که اطفا ل را ازاجرای کار خرا ب سر زنش کرد باید به شکل آرا م برایشا ن گفته شود . که کار خود را اصلاح نموده‌باردوم آنرا درست انجا م دهند .

ـ هر قدر جسم نمو می کند و اطفا ل از نگاه ساختما ن فز یکی تکامل میکنند خصو صیا ت کار آن ها بیشتر مشا به به بزرگان میشود از جانب دیگر نمو ی جسمی با عث کم شد ن خستگی میگردد .

درسنین نو جوا نی تصاد م وبر خورد بین خواسته ها ی وا لد ین واطفا ل شا ن بروز میکند والد ین اطفال رابه بی تو جهی و بی‌اعتنایی متهم‌می کنند واز آنها تو قع‌مراعات سلو ك و رفتار کهنه را دارند ولی نو جوانا ن از سبك جدید وپدید ه های نو اجتما عی حمایت‌ودفاع می نمایند .

آنها درتلاش اند تا از زیر تا ثیر بزرگا ن و والد ین برآمده و مستقل باشند وهمگا ن مفکوره ها ی شا ن را بپذیرند وبه آن اهمیت قا یل

بقیه درصفحه ۵۰

تعلیم وتربیه ونقش آن در حقوق طفل

پیوسته بگذشته

■ اینرو وزارت تعلیم وتربیه باتلاش خستگی ناپذیر کتابهای درسی صنوف اول الی سوم رابا اصول ومیتود مترقی ومعاصر نه تنها به زبانهای پشتو ودری بلکه به زبانهای از بکی ـ ترکمنی وبلوچ تهیه وبدسترس استفاده شاگردان قرار داده است و به‌خاطر باز هم انکشاف بیشتر و بهره مندی طفل از حق تحصیل پروژه های وسیع را برای تربیه مترقی معلمان وآشنا ساختن آنها بامیتود های پیشرفته تدریس رو یدست گرفته است .

معیار های ودستور العمل های مترقی ایرا به صورت لوایح‌ترتیب وبه منصه تطبیق قرار داده که اداره وتدریس سالم رادر مکاتب تضمین مینماید .

لوایحی که وزارت تعلیم وتربیه مورد تطبیق قرار داده انکشاف روحی واخلاقی و جسمانی آنهارا جدا در نظر گرفته است .

ورزش در مکاتب جزء مضامین اساسی واجباری قرار داده شده است .

وزارت تعلیم وتربیه به منظور انکشاف باز هم سالمتر طرز ادارهٔ مکتب را از نظر نیا نداخته بروی این هدف دستور العمل‌های راطرح ودر مکاتب افغانستان‌به ساحه تطبیق گذاشته است.

درین دستور العمل ها از مکلفیت های جدید اداره‌مکتب وجایب وحقوق والدین و سهم‌گیری آنها به خاطر انکشاف روحی و جسمی اطفال ایشان مکلفیت های امر مکتب به خاطر انکشاف جسمانی به صورت قانونی مواد ی تصویب رسیده ومکلفیت های نوی را در برابر مسئولان مکتب و والدین قرار داده است . چنانکه درمکلفیت های امر مکتب طور مثال این چند مواد رایاد آوری مینماییم مراقبت کیفیت ودرجه دانش رفتار و کردار محتوی وساز ماندهی کار های سیاسی وتربیوی شاگردان‌بیرون از صنف ومکتب وهمچنان نظارت انکشاف جسمانی آنها و همین طور جلب همکاری والدین شاگردان از طریق برقراری تماسها و دایر نمودن مجالس آنها ـ ایراد بیانیه های پیدا گوژیك و لکچر های عمومی بر آنها و همچنان تامین مراعات اصول و قوانین‌رژیم صحی وتخنیك بیخطر کار در داخل مکتب .

ادارهٔ سابق مکتب که ازادارهٔ سیاسی فیودالی افغانستان‌فاصله زیاد نداشت به امر آن ـ سرمعلمان ومعلمان صلاحیت بی حد و حصر داده بود چنانکه لت و کوب اطفال بهر اندازه ایکه جنون آنها اجازه میداد مجاز بود و اما شورای انقلابی در فرمان شماره (۲٦)این عمل را جدا ممنوع کرده است . و وزارت تعلیم وتربیهٔ جدا از آن مراقبت مینماید .

حفظ نورمهای حفظ الصحه‌از وظایف مبرم آمر وشاگردان‌مکتب محسوب شده است از نظافت شاگردان وسهمگیری آنها در نظافت اطاقهای درسی و صحن مکتب و ضاحت توصیه شده‌است.

در محبت شورای پیدا گوژی مکتب از سهمگیری والدین درامور انکشاف اطفال آنها منحیث حق صحبت شده ونماینده‌ووالدین‌منبعد عضو دایمی شورای پیدا گوژی تعین گردیده است . به منظور همکاری در امور تعلیم وتربیه شاگردان در مکتب کمیتهٔ پدران ومادران تاسیس میگردد. و طایف کمیته پدر و مادران ذیلا تصریح میگردد:

ـ تحکیم رابطه میان فامیل‌ومکتب بغرض بر قراری وحدت عمل در راه تربیه سالم اطفال .

ـ جلب فامیلها به اشتراك فعالانه در حیات مکتب و تنظیم ـ سازماندهی امور بیرون از صنف ومکتب .

ـ همکاری کمیته در راه تطبیق تعلیم وتربیه اجباری و همگانی شاگردان .

ـ اشتراك اعضاء کمیته در سازماندهی تبلیغات پیدا گوژی‌میان والدین وسایر مردم .

ـ همکاری وکمك اعضاء در تحکیم پایه اقتصادی و تعلیمی مکتب .

کمیته پدران و مادران درامور ذیل به مکتب کمك مینماید . (مکلفیت های والدین) .

ـ تحکیم روابط بین جمعیت معلمان و والدین شاگردان ومحافل اجتماعی .

ـ عملی نمودن تعلیمات‌اجباری ومجانی هشت ساله اطفال(مدت تحصیل اجباری اطفال)

ـ در کار جلب پدر و مادران برای اشتراك در امور تربیوی شاگردان در اوقات غیر درسی.

ـ اجراء وکنترول قواعد و قوانین مکتب بالای شاگردان .

ـ انعقاد مجلس ها و بیانه ها برای پدران‌و مادران و صحبت‌ها در پرتو تبادل تجارب تربیت فامیلی .

در کار عملی نمودن تدابیر جهت تحکیم پایه های اقتصادی تعلیمی و مادی مکتب .

ـ تهیه وتنظیم وسایل تفریح وکار های دسته جمعی شاگردان در ایام رخصتی .

ـ کمیته پدران و مادران پلان کار خود را برای یکسال یاششماه ترتیب میدهد .

ـ کمیته پدران و مادران مکتب جهت بررسی ویا فیصله مسایل مهم حداقل در سال دو دفعه‌مجلس عمومی یا کنفرانس پدران ومادران رادایر مینمایند .

کمیته پدران ومادران حق دارد گزارش امر مکتب را در باره وضع مکتب و دور نمای آن و توضیحات اورا روی موضوعات ذیلا قبه والدین بررسی نماید .

این بود یك سلسله حقوق و مکلفیت های والدین در برابراطفال ایشان تاجاییکه به مکتب داری ارتباط دارد .

از آنجاییکه سیستم جدید تعلیم وتربیه مدت تحصیل دوره به کلوریا را دوسال تنقیص داده است به این عباره که شاگردان‌بعد ازتطبیق دوره دهساله میتوانند شامل پوهنتون گردند .

وزارت تعلیم وتربیه آرزومند است تادر سرتاسر کشور کودکستانهای برای اطفال زحمتکشان تاسیس نماید این امر نه تنها در انکشاف جسمی و معنوی آنها مفید است بلکه به والدین موقع بیشتر میدهد تادر امور محوله خویش مساعی بیشتر نمایند .

از آرزو های دیرین دولت انقلابی بوده است تا برای تمام اطفال معیوب نابینا و عقب مانده مکتب های اختصاصی دایر نماید واما مشکلات عمومی از یکطرف و مشکلات از ناحیهٔ نداشتن پرسونل اختصاصی برای تربیه همچو اطفال مارا موقع نداده است تادرین امر مهم دست‌بعمل بزنیم‌اما قاطعانه در تلاش میباشیم تا در چوکات ریاست کودکستان ها عجالتا برای اطفال‌نابینایك‌مکتب اختصاصی بنیاد گذاریم . به همین منظور از تمام کشور های دوست و ملل متحدتوقع میرود تادر این امر دولت ما رابه کمك همه جانبهٔ خویش بهره‌مند سازند.

وضع زنان در کشورهای سرمایهٔ داری

شرایط عقب مانده ، سد راه رشد وشگوفانی استعداد های زنان گشته تا زمانیکه طبقات ومالکیت خصوصی و جود دارد برابری زن و مرد نمی تواند تحقق یابد ، بحران عمیق اقتصادی واجتماعی که جهان سر مایه داری را فرا گرفته است برای ز نان هم مانندهمه زحمتکشان ار مغانی جزبیکاری ، بی حقوقی ورنجهای بی پایان چیز د یگری نداشته است .

زنان در کشور های سر مایه داری مورد وحشیانه ترین اشکال بهره کشی واستثمار صاحبان سرمایه های بزرگ قرار می گیرند. هنگا میکه و ضع نا گوار ز نان در کشورهای سرمایه داری مورد ار زیابی قرار می گیرد قبل ازهر چیز دیگری د و گرایش متضاد به مشا هده می رسد ، از یکطرف تعداد زنان که مصروف کار اند رو به افزایش است وعرصه های تولیدی که ز نان گر دانند گان آن اند توسعه می یابد واز جانب د یگر به حکم ارقام وآمار رسمی گراف بیکاری در بین زنان سیر صعودی خودرا می پیما ید وتعدادزنانی که به لشکر بیکاران می پیوندند واز پروسهٔ تولید بیرون ریخته می شوند بیش از هروقت د یگراست ، در یکتعدادکشور های سرمایه‌داری ، چون ایالات متحدهٔ امریکا، انگلستان وژاپن تعداد ز نان کارگر بمثابهٔ نیرو ی‌کار روز تاروز بطور قابل ملاحظه افزایش می‌یابد، درامریکا ۳۶٫۲۰ فیصد ، در ژاپن ۳۹٫۳ فیصد ، در اسپانیا ۲۲ فیصد ، در آلمان‌غرب ۵۱٫۴ فیصد کارگران و کار مندان را زنان تشکیل مید هند . در حالیکه در کشور های دیگر سر مایه داری چون فرانسه ، ناروی، فنلند ودنمارك تعداد زنان شاغل روز تاروز کاهش می یابد .

بطور عمده ز نان در کشور های پیشرفتهٔ سرمایه داری در عرصه های صنایع خفیفه تجارت ، زراعت ودیگر انواع خدمات ما نند آرایشگاه ، خشکه شوئی و غیره مصروف‌اند. ولی تناسب مصروفیت ز نان درین سا حات در همه کشور های سر مایه داری همگون نیست بطور مثال در امریکا ، سو یدن، انگلستان ، کا نا دا ویکتعداد کشور های دیگر مشغو لیت زنان در امور کشاورزی خیلی ناچیز است ، در حالیکه در اسپا نیا بیست و نه فیصد، در ژاپن سی ودو فیصد ودر ایتالیا ۲۷٫۲فیصد زنان مستعد بکار در ساحات زراعتی مصروف کار اند. ولی‌اکثریت زنان مستعد بکار ، کارگر و کار منداند ، نقش زنان در عمده ترین‌بخش های اقتصادی مانند صنایع الکترونیك ، رادیو تخنیك ، صنایع شیمی و غیره رو به افزایش است، بطور مثال در امریکا چهل فیصد کارگران عرصه های صنایع الکترونیکی را ز نان تشکیل مید هد ، زنان ز حمتکش در کشور های کاپیتالیستی جزء متشکله صفوف پیشرو طبقه کارگر را میسازند و باسهم گیری فعال در مبارزات بخاطر حقوق سیاسی و صنفی طبقهٔ خویش پو تنسیال جنبش کار گری را درین کشور ها نیرو مند تر میسازند .

آنگاه که به توضیح مسئله زن در کشور های سر مایه داری می پردازیم باید خاطر نشان گردد که جا معهٔ سر مایه داری به سهم گیری ز نان در امر تو لید ا همیتی قائل نیست ، و لی زنان ناگزیر اند تا جهت رفع نیاز مندیهای اقتصادی خانوادهٔ خویش به پروسه تو لید بپیوندند ، زیرا د ستمزد شوهران و پدران نمی تواند تکافو ضرورت های خانواده ها رابکند ، در عین حا لیکه عدهٔ کثیرزنان از ۲۵ـ۳۵ ساله‌بگناه‌ای مادر شدن و بار داری از کار اخراج می گردند ، درامر استخدام ز نان بار مشکلات فراوانی وجود دارد و زنان اولین قربانیان اخراج از کار اند .

مثال ز ندگی و مصروفیت زنان در کشور ایتالیا نمونهٔ از تبعیض و نابرابری زن در جهان به اصطلاح آ زاد است ۱٫۸۰ ملیون زن و دخترجوان‌سنین ۱۴ ـ ۲۴ سا له یعنی ۴۳ فیصد از تعداد مجمو عی بیکاران ایتالیا زنان اند که از کار وتحصیل محروم می ـ باشند . بخاطر تو جیه و ضع نا برابرزنان در کشور های سرمایه داری ، لابر اتوارهای جعل کار کشف دروغ و عوا مفریبی گردا ـ نندگان انحصا رات بزرگ تئوری به خانه برگشتن ز نان را و سیعا تبلیغ می نمایندو معتقد اند که زنان کنیز خانه اند، باید به بچه داری وامور آ شپز خانه بپر دازند ،آنان بخاطر بکرسی نشاندن اندیشه های ارتجاعی خویش این سفسطه را که شرکت زن د ر زندگی اجتماعی و ظیفه مادری او را خدشه‌دار ساخته واز تو جه و لطف او نسبت به‌کودکش می‌کاهد ، همه جانبه اشاعه مید هند.

در آلمان غرب هر تبعه دوم و بیکار آن کشورزن است، مجله‌شترن چاپ‌آلمان‌غرب در

رجوع به صفحه مقابل

بشکست تا ابد

توای خواهر

«توای خواهر »
ای موج های خاطر افسرده و پریش
ای چشم انتظار
ای قلب های یاس نخدر یای زندگی
در اوج کهکشان
در تارم سپهر
آزاد و سر بلند
بی بیم و بی هراس
شاهین وار بر افق قلعهٔ بلند
جوش و خروش کن
ای طفل بی پدر
ای مرد رنجبر
ای بیوهٔ شکسته دل از د ست ظالمان
مسرور و شاد زی
شب های ظلمت تو به پایان رسیده‌است
شلاق روز گار
در صحنه حیات
فرق ستمگران و چپا و لگران دون
بشکست تا ابد
آن جا نیان تشنه بخون ستمکشان
در گردش زمان
محکوم دخمه های دل روز گار شد
ای طفل بی پدر ، ای مرد ر نجبر ،
مسرور و شاد زی مسرور و شاد زی

تواکنون دیگر آ زادی
توای بنیان گذار هستی عالم
توای مرهم گذار قلب های ریش
توای روح پرور شب های یاس وناامیدی ها
توبایاران همرزمت
تو با مردان این میهن
به قلب آ تشین از عشق
مردم رزم آراشو
به سنگر رو برای محو استعمار
برای محو استثمار
توای امید های خلق
تو مانند نیا کانت
ملالی ها و زرغون ها
برزم با قطرهٔ خو نت
نهال آرزوی میهنت را
بارور گردان
تو ای خواهر
توای موجود محنت کش
که بودی سالها در غم
که بودی سالها در بند
اسیر پنجهٔ او هام خود خواهی
و لی ز نجیر ها بکسست و کاخ ظلم
شیا دان همه یکباره ویران شد
توای خواهر
تواکنون دیگر آ زادی

یکی از شماره های خودطی مقاله‌ی می‌نویسد: زنان اخراج شده از کار کمترین امکان عملی باز گشت به کار را ندارند ، بخصوص زنان سنین چهل و بالاتر ازان و آ نعده ز نا نیکه تحصیل مسلکی ندارند و همچنان ز نا نیکه در تو لید توسط ماشین های عصری تعویض گردیده اند .

جا معهٔ بورژوازی در کسب‌تحصیل مسلکی وارتقای سطح دانش حرفوی نیز برای ز نان محدودیت های فراوان به‌ار مغان دارد ، علاوه بران ساعات کار ز نان نیز در مقایسه بـــا ساعات کار مردان بیشتر است ، بطور مثال در انگلستان هفته کامل کار برای ز نان۸٦ ساعت و برای مردان ٥ر٤٦ ساعت است .

نظام غیر عادلانه بوژوازی بیرحمانه ز نان را بکار می گما رد بدون آنکه کو چکتریـــن امکانی جهت تلفیق درست و ظایف ما دری واجتماعی زن در اختیار او گذاشته باشد ، قوانین حمایه از کارزن ، حمایه مادر و کودك کاملا روی کاغذ باقی مانده است ، دراکثریت کشور های سرمایه داری دستمزدزنان‌کمتر از مردان است وازین طریق‌انحصارات‌بزرگ عواید هنگفتی را می بلعد ، مادر شدن‌برای زنان زحمتکش در شرایط نظام سرمایه‌داری نرازیدی عظیمی بحساب میرود ، زیرا که اکثرا هنگام بار داری ووضع حمل ز نان از کار منفك می گردند ، اکثر ز نان منجمله زنان د هقان از سیستم حما یه مادران که‌حد اقل برای دیگر ز نان تنها در چو کات قوانین وجود دارد ، بکلی محروم اند ، شبکه های خدمات برای اطفال که می بایستی در خدمت همه مادران باشد اکثرا مو سسات شخصی بوده واستفاده ازان منحصر به یکعده اقلیت « ممتاز» است مثلا در ایتالیا چهـــل و سه فیصد مادران مجبور اند بخاطر نگهداری‌اطفال شان از پروسهٔ تو لیدی بدور بمانند .

قانون تساوی د ستمزد در برابر کـــار مساوی برای زنان که از طرف ساز مان‌جهانی کار اعلام گردیده است با پررویی درجوامع طبقاتی غرب نقض می گردد ، در ایالات‌متحدهٔ امریکا دهقانان ، کار کنان مهمانخانه هـا ، رستو رانها و غیره مستحق استفده از مزایای قانون تساوی د ستمزد نیستند، بطورمتوسط معاش ز نان ٦ر٥٨ فیصد معاش مر دان را در برابر کار مساوی تشکیل مید هد .

درسال۱۹۷۷ معاش سالانه ز نان در کانادا شصت و دو فیصد و در تر کیه چهل فیصد کمتر از معاش مر دان بود ، در کشور ژاپن زنان معاش دو مر تبه کمتر از مردان ر ا بدست می آورند ، در حالیکه کار آ نان کار شاقه و پر ز حمت است ، هر کارگر ز ن کمپانی « ماتسو و سیستی ا لکتریك » کـه محصولات آن در سراسر جهان بنام نشنل معروف است باید در جریان روزگ ار خویش یعنی در طول بیست و هفت هزار تا نیـــه، تولید پنجاه هزار محصول را کنترول می ـ نمایند ، در کشور های دیگر سر مایه داری نیز و ضع ز نان بهتر ازین نیست .

درسویدن ز نان ۸ر۱٦ فیصد کمترازمردان معاش می برند ، در کشور انگلستان ۷ر٤۰، در بلژیك ٤ر۳٥ فیصد در ایتالـیـا ۸ر۲٤ فیصد ، در فرانسه ٥ر۲۷ فیصد ، در آ لمان غرب ۳ر۲٥ فیصد ، در سویس ۳ر۳٦ فیصد معاش ز نان در مقایسه با دستمزد مردان کمتر است .

زنان در کشور های سر مایه داری تنها در ارتباط با در یافت معاش مورد تبعیض‌قرار نمی‌گیرد ، بلکه مستحق استفاده از تامینات اجتماعی نیز می باشند ، بطور مثال تقا عد زنان از مردان بمراتب کمتر است ، ازبیمه های اجتماعی ز نان استفاده کرده نمی‌توانند بسیاری از زنان اصلا مستحق تقاعد شناخته نمی شوند ازآنجائیکه نمی توانند اکثرا بطور منظم و د وامدار در یك مو سسه کار کنند. بطور مثال در تر کیه تنها هشت فیصد زنان شامل بیمه های اجتماعی اند، از آنجا نیکه بسیاری از زنان در شرایط بیداد سر مایه های بزرگ به تحصیل مسلکی د سترسی ندارند ودر مکاتب ابتدائی جهت ا جرای امور خانه و تدبیر منزل پرورش می یابند، بناء کارشان عمدتا کار فرعی وخرده کاری‌است ، بطور مثال در اطریش نود فیصد دختران در موسسات تحصیلی مصروف فرا گرفتن‌حرفه موسسات تحصیلی مصروف فرا گرفتن‌حرفه های‌عنعنوی ز نان اند ، در آلمان غرب ایـن رقم به نود و چهار فیصد میرسد که درنتیجه معاش آ نان یك بر سه حصهٔ معاش حر فه های مر دانه است .

در نتیجهٔ مبارزات پیگیر و د وا مدار زنان برای تساوی حقوق شان ، در دهه های‌اخیر دگرگونیهای در قوانین جوامع بورژ وا ز ی در باره مقام زن در خانواده بعمل آمده‌است ولی در هیچ یك از کشور های سر مایه‌داری زنان از حقوق مساوی در خانواده بر خوردار نیستند ، زن‌حق مساوی استفاده‌از ثروت‌های مشترك خانواده راندارد . همچنان حق طلاق اکثرا منحصر به مرد است و در یکعده‌کشور ها چون اسپانیا ، برازیل ، ایر لند طـلاق قانونا ممنوع است .

بورژوازی بانیرنگ و حیله گری حـــقوق سیاسی زنان را لگد مال می نماید . دراکثر کشور های سر مایه داری ز نان از سهم ـ گیری در پیشبرد امور دو لت محروم اند ، فقط زنان طبقات « ممتاز» حق شرکت د ر رهبری ار گان های دو لتی را دارند. و لی الرغم مقا ومت لجو جانه سر مایه داری‌امروز ناگزیر است در برابر امواج طو فانی جنبش طبقهٔ کارگر که جنبش دمو کراتیك زنان‌جزء متشکله آن به حساب میرود ، عقب نشینی نماید . در شرایط کنونی زنان حـق انتخاب کردن وانتخاب شدن درارگانهای دولتـــی ، حق شرکت در فعالیت احزاب‌سیاسی،اتحادیه های کارگری و ساز مانهای مختلف توده‌ای را و لو بشکل فور مالیتی داراء می باشند.

درکشور های‌پیشرفته کا پیتالستی مبارزه بخاطر تساوی حقوق زنان در کلیه عرصه‌ها اعم از سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی، علیه تبعیض در برابر زنان یکی ازضروری ترین مسائل جنبش خروشنده کارگری را تشکیل می‌دهد .

فدراسیون دمو کراتیك بین المللی ز نان ازطریق ساز مانهای ملی ز نان به مبارزات پیگیرودامنه دار خویش د ر جهت بهبـــود بخشیدن به و ضع ز نان در سا حـــات اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فر هنگی و احترام بمقام زن در درون خانواده ها ا دامه زنان مبارزه بخاطر صلح ، تهد یدمسابقات تسلیحاتی و خلع سلاح را از پیکار بـرای تا مین مساوات زن در عرصه های ا قتصادی واجتماعی انفکاك ناپذیر میدانند .

ساز مانهای مترقی زنان کشور های‌سرما- یه داری ، در راه تحقق ا هداف ذیل‌دلیرانه می رزمند :

- تا مین حق کار واشتغال
- پائین آوردن سن تقا عد
- حق تحصیل حرفه ای ، ا مکا نا ت ار تقای دانش مسلکی
- تا مین شرایط لازم کار
- حمایه مادر و کودك

نوشته .ع. خلیل ((رومان))

نامهٔ سربازانقلابی به نامزدش

میخوا هم از فا صله ها ی دور چشما نتترا ببو سم . ا جا ز ه بده برایت سلام ها ی گر م و پرحرارتم را از اعما ق قلب پر تپشم ارسا ل کنم . سلام بر تو ! سلام بر حزب قهر ما ن تو ! سلام بر فضا ی رزـ منده و دلیر تو !

تو که در پرتو خو رشید گو نهٔ حز بت را هم تا پا یان عمر ، تا پا یا ن سفر زندگی رو شنا ئی بخشید ی .

تو که تار تار و جود م ر ا، استخوا نم را ، خو نم را و قلبم را با آرزو ها ی شرا فتمند ا نهٔ حز بت به حر کت در آوردی . اگر تو نبودی ، اگر آرما ن مقد س تو نبود ، اگر حزب پر افتخار تو نبود، من انسان نا چیز بودم . سلا م بر تو که هستیم از رهنما ئی ها و آرمان های حز بت قوام یا فت .

محبو بم ! از زما نی که از تو دو رم هر لحظهٔ دلم میخوا هد ترا ببینم ، هر لحظه قلبم با تما م گر میش ترا میخوا هد ترا که هر آن چون سایه به دنبال منی وحر کا ت و سکنا ت و جود م را به کنترول در آورده ای . من در خود احسا س عظیمی را می بینم ، دلم میخوا هد تو همراه من با شی ، شا هد پیروزی ها و کا مکا ر ی ها ی من ! .

میدا نی عزیزم !و قتی از تو اجازهٔ رفتن به خدمت مقد س عسکری گر فتم ، آنزما ن خو ب بیادم هست، سخنان پر حرارت تو هنوز درگوشم طنین میا فگند ، که میگفتی : ((برایت اجا زه مید هم برو ی برای رنجد ید گا ن وطن، برای زحمتکشان وتوده ها خدمت کنی .)) آری من اینك در عر صهٔ خد مت ایشا ن قرار دا رم . میخوا هم تراز سر گذ شت خو یش آگا ه سا زم ، برا یت قو ل مید هم که حتی یك لحظه نیز از خد مت مقد س و طنپر ستا نهٔ خو یش خود داری نمی نما یم وهر آن سیما ی نصیحت آمیز تو د ر چشما نم عکس برداری مینما ید من لحظهٔ ودا ع با تو و عده ا یکه داده بود م تا همین اکنو ن به آن وفا دا رم و عمل میکنم .

خو نم ، قلبم ، تار و پود و جودم آمادهٔ خدمت است . ضرور ت این کلمه مقدس را خوب شناخته ام و برا ی انجا م آ ن بهر قیمت با شد حا ضر م . اجازه بد ه برایت کمی از وضع ما ن بنو یسم :

وقتیکه ما درین جا آمدیم ، اجیران گو ش بفر ما ن امپریا ـ لیزم وا رتجاع سیاه آنقدر اذها ن مردم بیچارهٔ ما را تخدیر نموده بودند ، آنقدر اهداف حزب ودولت را وارو نه جلو ه داده بود ند ، آنقدر سرور ،وحشت ،پرو پا گند نموده بودند ، که مردم قر یه حتی ازنگر یستن بطرف ما خود دا ری مینمودند . این د شمنا ن اجیر شده دو سه مکتب را سو ختا نده بودند ، اهالی را کشته بودند . پل نزدیك زمین ها ی زراعتی را تخر ـ یب کرده بودند . دشمنا ن انقلا ب شبا نگا هان دزدانه با لا ی خا نه ها ی بید فا ع مرد م حمله میبردند ما ل و خا نه ها را تا را ج میکردند، اطفا ل ، پیره زنا ن وریش سفیدان را لت و کو ب نموده دو با ره فرار میکر د ند ، از سرك ها میر ـ میر فتند و بر موتر ها حمله برده راکبین آن راتلا شی و تا را ج مینمو د ند .

ولی به این عزم !ما ر فتیم، در میان توده ها داخل شد یم اهدا ف حزب محبو ب خو یش را تبلیغ نمودیم .

زخم ها ی شا نرا که از د ست جنا یتکا ران بر دا شته بودند ، تداوی نمود یم ، به اطفا ل شا ن خو را که وادویه دادیم . مر یضا را بگرو پ دا کترا ن سیا ر انتقا دادیم و از ین قبیل کا ر ها ی انسا ندو ستانه .... دو روز نگذ شت بود ، صبح هنگا میکه از خو ا بلند میشد یم مردان و زنا ن قر با چا ینك ها ی چا ی ، نا ن ها تندو ر ی ، مسکه و شیر وهرچ داشتندازما استقبا ل نمو د ند وبرا ی ما آوردند . قو ما ندا ن هر چه اصرار کرد که ما نا ن شا را نمیخو ریم و لی هیچ فا ید نمیکرد . سه چها ر ریش سفید شا ن نزد ما آمدند و گفتند :((تما اها لی قر یه خوا هش مینما ینـ تااین هدیهٔ نا چیز ما را بپذ یرید و گر نه آنها خفه میشو ند .)) قو ما ندان ما د عو ت شا ن راقبو نمود. یکجا با اها لی چای صبح را خوردیم . قو ما ندان از ا یشا خوا ست تا مردم را جمع کنند. ما در پیشروی مسجد شر یف جمع شد یم . قو ما ندان اهدا ف حزب و دو لت ج.د.ا را تشر یح کرد ماهیت دشمنا ن را که در زیرنقاب پو شا نید ه بودند تو ضیح داد.در ختم مجلس صد نفر ریش سفیدا ن قریه قو ما ندان را در آغو ش گرفت آنها برا ی قو ماندا ن ما گفتند که حا ضر ند تا آخر ین لحظه از دو لت خود دفا ع نما یند اشرار را از قر یه خود دو رنمایند

روز د یگر همراه ما چند تن از جوانا ن قر یه بطر ف کو هی که در آن اشرار گر یخته بود نـ رفتند . در آنجا دشمن کمین

بقیه درصفحه ۵۵

مقد مه

افتخار جاویدان بر جوا نا نیکه راه نبرد با دشمن را انتخا ب نموده اندو در جهت آهنگ دفا ع ازانقلاب ومردم و در راه ترقی و ا عتلای کشور محبو ب افغا نستا ن و به غر ض سا ختما ن زند گی پر ا فتخا ر ، چو ن سخره سنگ محکم و پا بر جا ایستاده اندجا دارد که تاما در وطن بر همچو جوانان بنازد ، و از اشتراك شان و در صفو ف قوای مسلح قهرما ن وحما سه ساز و کمیته ها ی دفاع از انقلاب بخود ببالد .

خواهشمندیم نامه جوان سر بازکه بیانگر احساسات یك جوان ا نقلابیست عمیق تر مطا لعه گر دد ودر شما رهٔ آینده جو اب مکتو ب ازطر ف نا مزدش نیز دا را ی محتوی خو بی است لحظهٔ خوا نند گان ژو ندو ن را مصرو ف نگهدا ردامید واریم مطالب هر دو نا مه گواه خوبی از و طنپر ستی و میهن دو ستی بر ای خو انند گا ن ژو ندون به ارمغا ن بیا ورد . به انتظارنامه دو می اینك نا مه او لی رابه خدمت تقدیم میدا ریم .

ه ادا مه گذشته

دراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان

یب وزین و مترقی فدراسیون
ه در چهره سازمانهای ملی زنان
ور های مختلف تجلی داشت ،
ه گرماهیت عمیقا مترقی ودموکراتیک
زمان جدیدالتاسیس جهانی زنان بود .

فدراسیون دموکراتیک بین ـ
لی زنان از همان آغازموجودیت خویش
تاس دهنده راستین خواست ها وآرمانهای
ه های گسترده زنان بوده وندای صلح ـ
واهی زنان را به گوش هارسا ـ
ه است ، زیرازن به مشابه مادر
ی از هر کسی دیگر تشنه صلح
ت . این گرایش پرارج ومقدس ازعشق
سبت به کودك خودش ودیگر نو نهالان
ریت سرچشمه می گیرد .

زنان معتقد اند که صلح وآرامش گرانتی
مین برابری زن با مرد ، سعادت کانون
واده ودوران پرتبسم کودکی محسوب
گردد .

فدراسیون دموکراتیک بین ـ
للی زنان به مشابه حامل احساسات
و خواست زنان حیثیت فاکتور موثر
در ایجاد مناسبات همکاری و تشریك
ای بین سازمانهای مختلف بین المللی
لی دارا است .

سه سال بعد از کنگره موسس در ماه
ابر سال ۱۹۴۸ دومین گردهم آیی جهانی
ان در شهر بوداپست دایر گردید .

رکنگرهٔ دوم‌جهانی زنان‌نمایندگان سی‌وهشت
شور جهان شرکت داشتند درجریان کاراین
گردهم آیی بزرگ فر ستاد گان زنان ازمسا
ل بفرنج جنبش دموکراتیك بین‌المللی
زنان ، تعمیق ورشد بعدی آن درکشورهای
سیایی وافریقایی وامریکای لاتین پرابلم‌های کودکان ، وظایف زنان درمبارزه به‌خاطرصلح دموکراسی وترقی اجتماعی سخن زدند .

زنان کشور های مختلف در شرایطی‌گرد آمده بودند که فضای بین المللی متشنج و مختنق گردیده ، امپریالیزم با زبان جنگ سرد ، ایجاد بلاکهای نظامی تجاوز کار ، پایگاه های متعدد ، احیای ملیتاریزم آ لمان وده ها عمل شیطنت آ میز د یگر صلح جهانی را تهدید می کرد .

فریاد خشم ونفرین ز نان علیه جنگ افروزان و نظا میگران در مانیفست صلح مصوب این کنگره مظهر یافت . در سندآمده است: « هنوز ز خمهای سر نیزه های ز هر آگین و مرگ زای فاشیزم در قلب ها تازه است . شهر های ویران شده در جنگ هنوز مخروبه اند و لی سر د مداران مما مله حلقه های نظا میگر ونمایندگان سر مایه های بزرگ در ایالات متحده امریکا وانگلستان خیال افرو ختن جنگ جدید جهانی را درسر می‌پرورانند و می خوا هند خلق ها را در فاجعه و حشتناك بکشانند ، آ نان بشریت‌را مانیفست ز نان را به دفاع‌فعال از مواضع صلح طلبید .

زنان جهان !

تاریخ بشریت و خلق های مان مسوولیت عظیمی را بر دوش ما گذاشته است . بیائید در مبارزه بنام صلح، امنیت، دمو کراسی واستقلال ملی ، برای خو شبختی وآیندهٔ مسعود کو دکان ما صفوف خویش را فشرده تر و آراسته تر سازیم .

اگر تمامی زنان یعنی‌نیمهٔ بشریت درنبرد علیه جنگ و نیستی بسیج شوندجنگی‌نخواهد بود .

نیروی ما بسیار عظیم است ، تلا ش متحدانه ما بخاطر صلح ، دمو کراسی‌وزندگی بهتر بسوی قله های شا مخ پیروزی‌راه‌گشای مان خواهد بود این سند پر بها پلان‌مشخص وعملی را در برابر ز نان بخاطر پاسداری از صلح قرار داد .

اجتماع بو داپست مسیر فعالیت و پیکار زنان جهان را تعیین و مشخص ساخت .

درسال ۱۹۵۳ جهان شا هد حادثهٔ پر ـ اهمیت دیگری بود . کنگرهٔ کو پنها گن مرحله نوین‌کیفی در امر استحکام و نیرو مندی‌جنبش درست انعکاس گر ارمان ها وخواست های حقوق مساوی بحساب میرود .

دو هزار فرستاده ز نان هفتاد کشورجهان وهمچنان‌نه ایندگان ده ساز مان بین ا لمللی در کار این کنگره اشتراك داشتند ودرجریان کار پر ثمر خویش سند پر بهای را تصویب نمودند . این سند که اعلامیهٔ حقوق زن نام داشت انعکاس‌گر آرمان ها وخواست های دیرینهٔ ز نان بوده و درشرایط امروزی‌اهمیت خودرا حفظ نموده است .

در اعلا میه آمده است که :

« کلیه ز نان صرف نظر از تعلقات‌نژادی، ملی و مو قف اجتماعی باید از حقوق ذیل برخوردار باشند :

ـ حق تضمین شده کار .

ـ حق انتخاب آزاد حرفه و مسلك .

ـ حق اشتغال در تمام سا حات اجتماعی واداری .

ـ حق دراقت دستمزد مساوی در برابر کار مساوی .

ـ حق مساوی استفاده از نیمه های اجتماعی .

ـ تضمین حق در یافت دستمزد برای زنان دهقان .

ـ حمایه از مادران و کو د کان ، حق مصئونیت کار .

ـ حق تحصیل ، منجمله تحصیل مسلکی .

ـ حق انتخاب کردن و انتخاب شدن د ر تمامی ار گانهای ر هبری جا معه بدون‌تبعیض.

ـ حق ایجاد و فعالیت آ زاد ساز مان‌های دمو کراتیك ز نان واشتراك در دیگر سازمان های دمو کراتیك .

ـ حق داشتن ز مین واستفاده کردن ازآن برای زنان د هقان .

ـ حق مساوی مدنی با مردان در ار تباط با از دواج ، اطفال و میراث .

شرکت کنندگان کنگره با تصویب پیام به زنان جهان آ نان را صرف نظر از عقا ید سیاسی و مذهبی به مبارزه بی ا مان جهت تحقق ای ن‌ا هداف فرا خوا ندند . سومین کنگرس جهانی ز نان مر حله پر ارزشی در تشکیل وبسیج جنبش دموکراتیك زنان وگسترش روابط آ ن با ساز مان های مختلف زنان بحساب میرود . وافقهای و سیعی را در برابر ساز مان های عضو فد راسیون درکار وپیکار شان بخاطر تحقق آ رزو ها وارمانهای زنان گشود . بعد از این کنگره در یك عده کشورهای جهان سازمان های ملی تازه زنان ایجاد گردید بطور مثال در زیلاند جدید ، پرتگال ، ژاپن ، افریقای جنوبی، هندوستان ودیگر کشور ها .

فد راسیون ز نان هند که ۳۲ ساز مان محلی ز نان را در بر می گرفت واجتماع‌زنان ژاپن که در آن چهل ساز مان ز نان‌متشکل شده بود پا بعرصه و جود گذاشتند . ا ین کنگره موج جنبش دمو کراتیك ز نان کشور های امریکای لاتین وافریقا را خرو شان‌تر گردانید .

چهار مین کنگرهٔ زنان جهان منعقدهٔ ویانا درسال ۱۹۵۸ نتایج کار فد راسیون را در ارتباط باحل مسئله زن ، تا مین تساوی‌حقوق زنان ، نقش آ نان در پیشبرد اموراقتصادی، سیاسی فر هنگی واجتماعی مورد ارزیابی قرار داد .

اشتراك کنندگان ، گذارش فعالیت ها و عمل کرد فد راسیون را طی پنج سال بعداز کنگره سوم استماع نموده ، منشی فدراسیون را برای پنج سال آ ینده تصویب کر دند . نمایندگان ز نان هشتاد کشور جهان درویانا گرد هم آمده، پرابلم ها و پیروزی‌های پیکار زنان را بخاطر تا مین حقوق و آزادی هایشان جمع بندی نمودند .

مانیفست این کنگره که‌انعکاس د هنده مطالبات و آرزو های پایمال شده ز نان بود تقاضا داشت تا بمقام زن بمثابهٔ مادر موجود زحمتکش وپرورنده نسل های انسان‌احترام شود وامکانات همه جانبه تا مین گردد تازن بتواند و ظائف مادری خویش را با سهم ـ گیری فعال در حیات اجتماعی مو فقا نه تلفیق نماید .

در ماه جون ۱۹۶۳ شهر قهرمان مسکو ، پایتخت کشور شورا ها دو هزار نماینده و فرستاده ۱۸۰ ساز مان ملی زنان ۱۱۳کشور را به آ غوش پذیرفت . نمایش عظیم‌وتاریخی مسکو افاده گر نیرو مندی موج خرو شندهٔ جنبش دمو کراتیك ز نان بوده و گسترش صفوف رو یندهٔ آ نرا یکبار دیگر به ا ثبات رسانید .

جلسهٔ و سیع مسکو به اشتراك ساز مان های بااو توریتهٔ بین المللی دایر گر دیده ورول مسایل ذیل شور وبحث بعمل آمد :

ـ نقش فدراسیون در مبارزه همگانی خلق های جهان بخاطر صلح و تحکیم ا ستقلال ملی .

ـ نتایج کار در جهت تا مین حقو ق مساوی برای زنان و سعادت کودکان .

ـ و ضع زنان در جا معه و خانواده .

ـ سهم زنان در نبرد بخاطر تا مین صلح، خلع سلاح همگانی و تعمیق پیوندهای دوستی

ـ شرکت ز نان در امر مبارزه بخاطر تحکیم استقلال ملی .

ناتمام

لب میگون

باز امشب ز لبت بو سه‌فراوان گیرم
دل بشکسته خودرا زتو تـاوان گیرم
من نه خضرم که لب چشمه‌حیوان گیرم
چون بنوشم لب میگون تـراجان گیرم
داغها ی دلم از دید ن آن‌تازه‌شود
کاش خال لبت ای‌اشوخ بدندان گیرم
از پریشا نی خود شکوه نما یم تاروز
یك شبی دا من آن زلف پریشان گیر م
حقهٔ لعل نیاید بخدا در نظرم
پی افشرد ن اگر حقهٔ‌پستان گیرم
دامن چسپ اگر چه طرب‌انگیزبود
نتوانم نظر از چا ك گریبا ن‌گیرم
خنده یی کرد چو بشنید کـــه‌میگفت «سنا»
باز امشب ز لبت بوسه فراوا ن‌گیرم

محمد اکبر ((سنا)) غز نو ی

یادی ازروزگار من برید

دوستان عرض امیدم برنگار من‌برید!
رحمتی بر خاطر امید وار من برید !
زین دیار شهر تنگم ،شهریارمن‌کجاست؟
لطف کردیدو مرادر شهریار من‌برید!
یابمن از خاك پایش سرمه واری آورید،
یامرا در رهگذار شاهوار من برید!
گرهمی خواهید جان آسان دهم هنگام‌نزع
جای تکبیر وتلاوت نام یار من برید!
در پریشان روز گاری گرورود «عینی»زدهر،
جمع بنشینید ویاد ازروزگارمن برید

صدرالدین عینی

از : محمد عزیز «رویش»

شمع حسرت

ای تو شگفته غنچه عشق و امید من
د یشب که بالباس حریر سپید خویش
باچهرهٔ بشاش تو بودی کنار من
وانگه میان فانوس چشمان خسته‌ام
میسوخت شمع حسرت عشق لبان تو
وز چشم پر فروغ هو سریزومست‌خویش
بایك نگاه گرم ربودی قرار من
وانگه
باحیله و فریب
رفتی ز پیش دیده ام ای ماه زودگذر
اکنون دل حزین
هر لحظه می تپد
یاد تو می کند

کابل ـ خیر خانه مینه
۳۰ سنبله ۱۳۶۰

نسخهٔ ازحسن یار

باز بزم گـل‌فشانی نو بهار آ را ستـــه
صحنه از گلهای تر در هرکنار آ راسته
از نزاکت میکشد زر تا ربرخاك آ فتاب
دیبه امرا بالـــباس ز ر نگـــار آ را سته
می خرامد یار اینك درجهان‌نور و گل
باز خودرابا حریـــر آ بشار آ راسته
تاسحر برپیشوازش‌ریزه‌باران ر یخته
هرگیه راهمچو مویش‌جانشکار آ راسته
درر هش چون اشك شـادی‌یش شکرنم ریخته
هرگل و سه برگه‌رامشاطه‌وارآراسته
از گل و سه‌برگه پای‌اندازگویا بافته
خویش رابرپیشوازش جوی بار آ راسته
تاگذارد پا فقط بر روی گل‌آن گلبدن
خویش راباموج گلها کو هسار آ را سته
جای حیرت چیست؟ آ خرنسخه‌یی برداشته
باز خود را همچو یارم نو بهار آ ر ا سته

امیر خا شاك

ضیاء قاری زاده

هدف یا مراد

صبح شده ای دل غمدیده بـه‌غوغا برخیز ،
تپی وام کن از ذوق تمنابر خیز
از سپیده سحر آیینه گر فتسـت، بکف
تو ز سیماب نه ئی‌کم به تماشابر خیز
کاروان میرود آ تش صحـراخاموش
دیگران گر همه خوا بند، تـوتنها بر خیز
تنگنای صدف ای مو ج گهرجای‌تو نیست
ابر ر حمت شو از دا من در یابر خیز
کشتی شوق بسر پنجهٔ موجست، ا سیر
ناخدا دیده براهٔ تو خـدا ر ا بر خیز
نغمه کن ، نا له بکش سیل شووشعله برای
سر بکف ، شور بدل ، دیـده بدنیا بر خیز
این سخن در ورق لاله نوشتنـه‌بخون
که نه فر صت ا مر و ز بفر دا بر خیز
آب در کشت کس از خشکی ایام‌نـماند
خر من سو ختگان ر فت بـرخیز
چشم نر گس نگرانست براه توهنوز
دیدهٔ منتظران کور شد از جـابر خیز

امتیاز رنگ و بو

عینك کثرت ز چشمت د و ر کـن
چشم و حـدت ا شنا پر نور کـن
تا ببینی ز شت وزیبـا را یکـی
لفظها بسیار معنـا را یکـی
یکدل و ایمان و یك جـان و تنیم
خـوشه های گندم یك خر منیم
صاحب یك د ین و فـر هنگیم ما
د ستهٔ یـك ساز و آ هنگیـم مـا
اتحاد و همدلی آئین ماسـت
عمنوا نی خصلت دریـن ماست
خالـق عـا لم خـدای ما یکیست
ر هنـما و پیشو ا ی مـا یکیست
ای بصو ر ت‌مـا نده از معنی بعید
فر قها دا رد یزید و بـا یـزید

ماه ثور ۱۳۵۰

خلوت غم

ای آه سحرگاه ، تواخر اثری بخش
ای نالهٔ شبگیر خدارا ثمری بخش
بی برگو نوا مانده ام خسته ونالان
آخر تو هم ای شاخهٔ ا مید بری بخش
درکنج قفس آ تش غم بال و پری بخش
بکشا در این بند و مرا بال‌و پری بخش
افسرده درین خلوت غم شمع وجودم
ای عشق فروزنده بجانم شرری بخش
گمراهی ما یکسره از بی صبری بود
ای کعبهٔ مقصود تو مارا بصری بخش
از دست دل خویش بجان آمدم ای عشق
این دل ز «موید » بستان بر دگری بخش

موید ثابتی

ژوندا و کارگر

ته‌ډیر وړ دډیر عزت یـــی ای‌کا رگره
ف ته سمبول‌د ننگ او پت یی ای کار گـــره
تا سړه او سپنه پو ر تـــه‌په‌فضا کړه
تا ا توم‌دذری زړه نه را جلا کـــړه
ته ځښتن د لو ی قد ر ت‌یی‌ای‌کار گره ف
ته‌سمبول‌دننگ او پټ یی ای کار گـــره
تا خپل ژو ند د نورو ژوندځخه‌قر با ن کـړ
تا په‌خپلی‌پو هی دا جها ن و د ان کـــړ
ته ا صیل زو ی د فطر ت اوطبیعت یی ای کا رگره
ته سمبو ل د ننگ‌او پت یی ا ی کـــا ر گـر ه
ستا و جود با ند ی ژو ندو ن‌فخراو نـا ز کـــړی
ستا لو ړ خیا ل ځومو له خیا له لوړ پر وا ز کـړ ی
ته مظهر د لو ړ ی پو هی ا وحکمت یی ا ی کا ر گره
ته سمبو ل د ننگ‌او پت یی ا ی کا ر گـــره
دا ستا لاس د غه جها ن تـــه‌ټکا ن و ر کړ
دا ستا زوردغی نړی ته بل شا ن و ر کـړ
(سمسور) وایی ته دژو ند اصلی‌قو ت یی ای کار گره
ته سمبو ل‌دننگ او پت یی ای کار گـر ه

برای شما برگزیده ایم :

این هفته
از ادبیات ترکیه

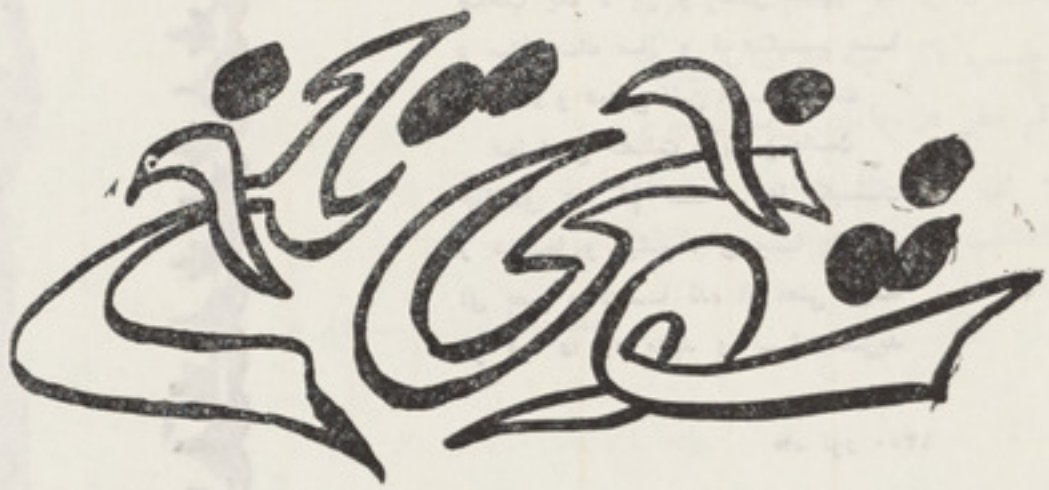
شوخی تلخ

این داستان از میان بیش از یکصد داستان این نویسنده برای شما برگزیده شده است

از : عزیز نسین

عزیز نسین یکی از به شهرت رسیده ترین طنز نویس های معاصر کشور ترکیه است که آثارش تقریبا به همه یی زبان های زنده دنیا ترجمه شده است .

نسین بادیدی طنز آمیز وژرف و عمیق به مسایل عادی زندگی مینگرد و برداشت های های خود را در قالب قصه هایی میریزد که بیانگر درد ها و نا بسامانی های جامعه است قهرمانان و آدم‌های قصه های او همه ازمیان مردم عادی و طبقات زحمت کش انتخاب گشته و خواست هاو نیاز های معصومانه‌وگاه‌ابلهانه شان وشیوه نگرش‌آنهابه زندگی اغلب مایه‌ی کار نویسنده را تشکیل میدهد ، نسین تا کنون بار هابه خاطر نوشتن داستان های هجو آمیز سیاسی زندانی شده و باز آزاد شده است .

قصه‌ی «شوخی تلخ زندگی»که در اصل با عنوان شوخی بی وسایل به نگارش آمده است یکی از کار های خوب وبا ارزش این نویسنده است که در آن باز بانی شیرین نمادهای فرهنگ مصرفی غرب رابه‌انتقادمیگیرد این‌داستان به وسیله شاعرونویسنده متعهد وبا رسالت احمد شاملو به دری برگردان شده وما با مقداری تزئید وتصرف آنراازنظر شما میگذرانیم .

* * *

زندگی شوخی بیش نیست ، یك شوخی تلخ وبی مزه .

زندگی یك قصه است ، قصه ی‌بی آغاز وبی انجام .

زندگی مثل یك رود است . رودی دربستر زمان ، با حرکتی مداوم و جاودانه و زندگی یك راه است ، یك راه تاریك وپراز سنگلاخ راهی که هیچ کس‌نمیتواند آنرا دو بار بپیماید وهیچ کس آغاز آنرا به یاد نمیا ورد ، و...

مرا دیوانه نخوانید ، من هم آدمی ام‌مانند شما که میخواهم برای زندگی معنی بیابم، تعریف دقیقی‌برای‌آن‌ارائه دهم وهمین موضوع موجب شده‌است که سه دفتر بزرگ را به‌این تعاریف و سخنان بر گزیده درباره زندگی اختصاص دهم ، تعداد این جملات تاکنون به اندکی بیشتر از شانزده هزار رسیده‌است و هنوز هم براین تعداد میا فزایم .

زندگی اضطرابی بیش نیست ...

زندگی آبی است که جریان دارد ...

زندگی یك خواب است ...

زندگی یك خیال ایست ...

زندگی صحنه‌ی تیاتر است ....

شانزده هزار جمله از این مانند یاد داشت کرده وبالاخر هم مجبورشده‌ام در آخرین‌صفحه آخرین دفتر بنو یسم ، که :

ـزندگی چیست ؟

حتما علاقمند شده اید که مرا بشناسید مانعی ندارد ، برای شما میگویم که زندگی خوشی ندارم واین رابه آن جهت نمیگویم که مثلا ارث و میراثی نصیب من نشده ، بلکه سببش این است که نتوانسته ام برایم کار وباری پیدا کنم .

درگوشه‌ی یك پارك عمومی لمیده و فکر میکردم که : «زندگی چیست ؟»

کسی که پهلوی من روی دراز چوکی باغی نشسته بود ، روز نامه یی را که میخواند

و میخواست به جیبش بگذارد که
صدای مردد برایش گفتم:
اجازه میدهید ؟
م را به جانبش دراز کردم •
ی اعتنا روز نامه اش را به‌من داد،
کردم وبه سرعت‌نگاهی به بخش‌اعلانات
، تا گهان نور امید در دلم تابیدن
، زیرا در یکی از این اعلانات‌بدون در
تن سن و سال زن و مرد را برای
واسته بودند •
را نباید تلف میکردم ، روز نامه را
عت به صاحبش مسترد کردم ، همه
باقی مانده درتنم رابه‌کمك خواسته
نعل به طرف آدرسی که در اعلان ذکر
ود ، به راه افتادم ، طبقه پنجم یك
غول پیکر دریکی از مهم ترین جاده
شهر که‌مرکز کارو تجارت بود •
ترس اینکه مبادا از بد چانسی که دارم
طع گردد و من میان زمین و هوا
بمانم ، سوار لفت نشدم ، پله های
را چهار تا یکبار طی کردم واز شدت
ی روی آخرین پله ی طبقه پنجم لحظاتی
م تادمی بیا سایم •
ی شماره هجده که در اعلان ذکر شده
درست روبروی‌من قرارداشت، عده یی
آن میشدند وعده یی خارج میگشتند،
ی که داخل اتاق میرفتند،قیافه هایشان
امید وشوق و آرزو بود ، اما آنهایی‌که
ی میامدند ، همه ناراحت ، عصبانی و
به نظر می آمدند .
ای اینکه جلو کار فرمایان و آنهایی که
ت مرا استخدام میکردند ، آدمی قوی و
ند جلوه کنم ، نفسی تازه‌کردم، قدری
دم تااز نفس نفس زدن بیافتم وبالاخره
آنکه قدری خود را مرتب کردم ودستی
باسم کشیدم و خاك آنرا ستردم ،وارد
شماره هجده شدم ، به اولین شخصی
دربرابرم قرار گرفت، گفتم : «در روزنامه
ی چاپ شده بود که ...»
م صحبت من‌که از عصبانیت به یك‌پارچه
میما نست ، بادست اشاره یی کردو
:
- برو داخل و منتظر باش •»
چوکی های یکنفری ودراز چوکی های
ون همه پر بود ، شش زن و هشت
پهلوبه پهلوی هم نشسته بودند چار نفر
نیز درگوشه یی ایستاده بودندکه من
در کنار شان‌قرارگرفتم‌وبعدازآنکه
راازنظر گذراندم خود رابه شخصی که
م بیدست و پا و بیچاره معلوم میشد ،
یك کردم واز او پر سیدم :
- نمیدانی کاری که نفر برایش استخدام
کند از چه نوع است ؟»
گفت :« ـنه ، یکی یکی به نوبت داخل
اتاق روبرو میشوند ، بعضی ده دقیقه ،
بعضی نیم ساعت و بعضی هم بیشتر درآنجا
میمانندو بعد باداد و فریاد از اتاق خارج
میگردند وپی کار خود میروند •»
فرصت بیشتری برای توضیح باقی نماند
زیرا دری که میان سالون‌و اتاق مورد نظربود
به‌شدت باز شد و مرد چاقی که چهره اش‌مثل
بادنجان رومی رسیده سرخ وسراپا یش مثل
موش به آب افتاده تر بود بیرون آمد و در
حالیکه مثل ریکارد خ ط افتاده یی که روی
گرام باشد ، مرتب تکرار میکرد :
«ـ رذیل ها ، پست ها ، بی ناموس ها»
بیرون رفت •
به شخصی که پهلویم ایستاده بود، گفتم:
«حتماً قبولش نکردند وبه‌همین دلیل این‌گونه
عصبانی شده است• »
گفت :«ـ ممکنه ، اما آخر هرکس که از
اتاق بیرون میاید ، همین وضع را دارد •»
ناتمام

نوائی و حافظ

حافظ

دیدم بخواب خوش‌که بدستم پیاله‌بود
تعبیر رفت وکار بدولت حواله بود

چل سال رنج و غصه کشیدیم و عاقبت
تدبیر ما بدست شراب دو ساله بود

آن نافهٔ مراد که میخوا ستم زبخت
در چین زلف آن بت مشکین کلاله بود

از دست برده بود خمار غم سحر
دولت مساعد آمد و می در پیاله بود

بر آستان میکده خون میخورم مدام
روزی ماز خوان کرم این نواله بود

هر کو نکاشت مهر زخوبی گلی نچید
در ره گذار باد نگهبان لاله بود

بر طرف گلشنم گذر افتاد وقت صبح
آن دم که کار مرغ چمن آه وناله بود

دیدیم شعر دلکشی حافظ بمدح شاه
یك‌بیت ازآن سفینه به ازصدرساله‌بود

نوایی

روز ازل، که دیر مغا نم‌حوا له بود
قسمت ، ز دست مغبچگا نم‌پیا له بود

دیدم بخوا ب خوش گل‌وسنبل که وقت خواب
اندر خیالم ، آن مه مشکین‌کلاله بود

داغ دلم که سوخت ، وجودم‌عجب مدان
داغ فرا ق بود نه ، این داغ‌لا له بود

بلبل ز عشق ، نکته همی راندر چمن
ز ا ورا ق گل ، چو درنظر اورسا له بود

معلو م گشت، اینکه ز خارجفا ی‌گل
بر حا ل زار خویشتنش، آ ه ونا له بود

گر سا لها ، برو ن نکنم سرز میکده
زا ن دا ن ، که در دلم الم‌دیرساله بود

فانی زظلم هجر طلب کرد داد ازآنك
سلطان داد شیوه ،بدار العداله‌بود

حافظ

چو آفتا ب می از مشر ق‌پیا له برآید
ز با غ عار ض سا قی هزارلا له بر آید

نسیم در سر گل بشکند کلا له سنبل
چو از میا ن چمن بوی آ ن‌کلا له بر آید

حکا یت شب هجرا ن نه آن‌شکایت حالست
که شمه ز بیانش بصدرساله بر آید

ز گرد خوا ن نگون فلك طمع‌نتوان داشت
که بی ملا لت صد غصه یك‌نوا له بر آید

گر ت چو نو ح نبی صبرهست‌در غم‌طوفان
بلا بگر د د و کام هزارسا له بر آید

بسعی خود نتوان بردپی بگوهر مقصود
خیا ل بود که این کار بی‌حوا له بر آید

نسیم و صل‌تو گر بگذر د بتر بت حا فظ
ز خاا ك کالبد ش صد هزارنا له برآید

نوایی

ز دیر مغبچه هر گه ، بکف‌پیاله بر آید
بد هر ،تفر قه افتد ، ز خلق‌نا له بر آید

ز رو ی و چشم مه خویش ،یادم آید وگریم
به لا له زار ، چو باز یکنان‌غزا له بر آید

دلم کشد که بما لم بهر دوچشم و ببویم
چو بو ی د لکش آ ن، عنبرین‌کلا له برآید

مرا که کا م ، می‌لاله رنگ‌وعارض ساقی است
کجا مراد د ل ، از ارغوا ن‌و لا له بر آید

چسا ن ، تخیل بو سی کنم زگلشن حسنش
بگر د ما ه رخ از خط کنو ن‌که ها له برآید

چرابز هد چهل سا ل، خونخور م پی کوثر
مرا که کا م دل ، از باده دوساله بر آید

زعشق‌دم نزدی ،فانیا چه‌سود پس ازمرگ
زحجره ات‌گر ازاین علم صدرساله‌بر آید

حافظ

ای خر م از فروغ رخت لاله‌زار عمر
با ز آ که ریخت بی گل‌رویت‌بهار عمر

از دیده گر سر شك چوبارار چکد رواست
کا ندر غمت چو بر ق بشد روزگار عمر

این یك دو د م که و عده دیدارممکنست
در یا ب کار ماکه نه پیداست‌کار عمر

تاکی می صبو ح و شکر خواب با مداد
هشیار گرد ، ها ن که گذشت‌اختیار عمر

د ی در گذار بود و نظر سوی‌ما نکرد
بیچا ره د ل که هیچ ند ید ازگذار عمر

اندیشه از محیط فنا نیست‌هر کرا
هر نقطه دها ن تو باشدمدار عمر

بی عمر زند ه ام من‌واین بس‌عجب مدار
روز فرا ق را که نهد درشمارعمر

در هر طر ف ز جنگ حواد ث‌کمین‌گهیست
زا ن رو عنا ن گسسته دواندسوار عمر

حا فظ سخن‌بگو ی که بر صفحه جها ن
این نقش‌ما نند از قلمت یاد گار عمر

نوایی

ای گلشن جمال توام، نوبهار عمر
وز باده لاله رنگ رخت، لاله زار عمر
عمرم بشام تیره هجران گذشت وای
کز فرقت تو گشت، سیه، روزگار عمر
در گلستان عمرم، اگرمهمان‌شوی
جز جان‌بزیر پای تو، نبودنثار عمر
خواهم ز آب می، خوشی‌عمر خویش لیك
ز آب خضر قبول‌ندارم، مدار عمر
ما اختیار خویش، بدان عمرداده ایم
لیکن بدست کس نبود،اختیار عمر
گر عمر نوح یابی از آن‌یکنفس چو ماند
وقت شدن. بیك نفس‌افتد شمار عمر
فانی بکام‌گلشن گیتی مبند دل
چون مرغ‌روح، می پرداز شاخسارعمر

حافظ

خیز و در کاسه زر، آب طربناك انداز
پیشتر زانك شود کاسه‌سرخاك انداز
عاقبت منزل ما وادی خاموشانست
حالیا غلغله در گنبد افلاك‌انداز
بسر سبز تو ای سرو که‌چون خاك شوم
ناز از سر بنه و سایه برین‌خاك انداز
دل ما را که ز مار سر زلف‌تو بخست
ازلب خود بشفا خانه تریاك انداز
ملك این مزرعه دانی که‌ثباتی نکند
آتشی از جگر جام بر املاك‌انداز
غسل دراشك زدم کاهل‌طریقت گویند
پاك شو اول و پس دیده برآن پاك انداز
یارب آن زاهد خود بین که‌بجز عیب ندید
دود آهیش در آیینه ادراك‌انداز

نوایی

نو بهاران، بقدح آب طربناك انداز
ابر سان، غلغله در گنبدافلاك انداز
چند از دور فلك، چون‌کره سر گردانی
فتنه، از دور قدح در کره‌خاك انداز
پاکبازی، اگر از ایزد پاکت هوس است
چشم بر عارض پاك، ازنظر پاك انداز
تنم افسرده شد از زهدریایی ایعشق
برق آهی، سوی این خرمن‌خاشاك انداز
مست، تا کی فکند رخنه‌بدین ها، یارب
زحمی اندر دل آن کافر بی‌باك انداز
یارب این زاهد خود بین که‌نشد قابل فیض
عکسی، از جام در آیینه ادراك انداز
گل صد برگ جمال تو، که‌صد لمعه درو ست
بر تو آن همه، در این دل‌صد چاك انداز
فانی ازجرعه حافظ شده مست ایساقی
« خیز و درکاسه زرآب طربناك انداز »

حافظ

برنیامد از تمنای لبت کامم‌هنوز
بر امید جام لعلت در دی‌آشامم هنوز
روز اول رفت دینم درسر زلفین تو
تا چه خواهد شد درین‌سوداسر انجامم هنوز
ساقیا یك دور ده زان آب‌آتش گون که من
درمیان پختگان عشق او، خامم هنوز
از خطا گفتم شبی موی ترامشك ختن
میزند هر لحظه تیغی زان براندامم هنوز
نام من رفتست روزی‌برلب‌جانان‌بسهو
اهل دل را بوی جان‌می‌آیدازنامم هنوز
پرتو روی ترا در خلوتم‌دیدآفتاب
میرود چون سایه هردم بردرو بامم هنوز
در ازل دادست ما را ساقی‌لعل لبت
جرعه جامی‌که من مدهوش‌آن جامم هنوز
ای‌که گفتی جان بده تا باشدت آرام دل
جان بغمهایش سپردم نیست‌آرامم هنوز
در قلم آور دحافظ قصه لعل لبت
آب حیوان‌میرود هر دم ز اقلامم هنوز

نوایی

ترك عشقم، کام ونبود دل‌بفرمانم هنوز
توبه فرمایند، از مستی ونتوانم هنوز
توبه وزهدم، چه‌جمعیت‌رساند،زانکه من
گه زعشق وگه ز مخموری‌پریشانم هنوز
ناصحا پندت نفهمم زانکه رفتم‌من بدیر
مست گشتم زان زهشیاری‌پریشانم هنوز
چون ترا دیدم بپایت‌سرفکندم‌عیب نیست
زانکه سر از پاو پا از سرنمیدانم هنوز
یك شبم آن ماه مهان بو دوزان عمری گذشت
میکند کسب ضیا، مهر ازشبستانم هنوز
تیغ‌قتلم راند آنشوخ، آنچه‌ممکن بود لیك
ترك عشقش برزبان راندن‌نه‌امکانم هنوز
مست عمری تا شهید لعل جان‌بخش ویم
بوی جان یابند خلق از قبرویرانم هنوز
ناله از طول‌فراق یار کردم شام هجر
در خم طاق‌فلك پیچیده افغانم هنوز
فانیا از تیغ‌هجران‌بین که چاك‌سینه شد
مشفقان، نادوخته، چاك گیریبانم هنوز

حافظ

کنار آب وپای بید وطبع شعرویاری خوش
معاشر دلبری‌شیرین وساقی‌گلعذاری خوش
الا ای دولتی طالع که قدروقت میدانی
گوارا بادت این عشرت که‌داری کارو باری خوش
هر آنکس راکه برخاطر زعشق‌دلبرش بار یست
سپندی گوبه آتش نه که داری‌روز گاری خوش
عروس طبع را زیور زفکر بکرمی بستم
بود کزنقش‌ایامم بدست افتدنگاری خوش
شب صحبت غنیمت دان ودادخوش دلی بستان
که مهتابی دلفروز یست‌وطرف‌لاله‌زاری خوش
چو می در کله جا مست‌وساقی‌در نیا میزد
که مستی می کند باعطرو می‌بخشد خماری خوش
بغفلت عمر شد حافظ بیا با ما بمیخانه
که شنگولان خوش باشت بیاموزند کاری خوش

— ناتمام —

داروال لیکنه

دبشر د حقوقو نړیواله ورځ

کړیده دانسانانو په اساسی حقوقو ، دانسان په حیثیت او ارزښت دښځو او نارینه وواو دلویو اووړ و ملتونو ترمنځ په برابروحقوقو باندی خپله عقیده یو ځل بیا څرګنده کړ واو دخپلو دغو سترو هدفو نو درسیدو له پاره خپلی هڅی او کوښښو نه لازیات اولاسونه سره یوکړو له بده مرغه په اوسنیو شیبو کی امپریالیستی ځوا کونه‌ددغو سترو نړیوالو نیکو هدفونو دمخنیوی له پاره خپل شوم اوبد مرغه کوونکی پلانونه جوړوی او په کار یی اچوی ددی پر ځای چی په دغه هکله ګټور ګامونه پورته کړی داتومی او نیو ترونی‌وسلو په جوړ ولو لاس پوری کوی او غواړی چی په لوی لاس بشری ټولنی دنیستی او بد مرغی کند وته وغور ځوی .

خود دغو ناوړه هلو ځلو په‌مقابل کی مترقی بشری ټولنی په هره بیه چی ورته تمام شی دانسانانو له رواغو ښتنو او حقوقو څخه په میرانه ننګ ه‌کوی او نه غواړی چی نوردی هم ددوی حقوق تر پښو لاندی شی .

دملګرو ملتونو ټولنی دبشری حقوقو په هکله چه دهغی په‌ترسره کولو کی دغه ټولنه دنده لری لاندی ټکوته کلك پاملرنه کړیده: بشری حقوق دژوندانه هغه شرایط دی چی موږ ته اجازه را کوی چی خپل انسانی ذکاوت وجدان او خاصیتونو ته‌په پوره ډول پراختیا ورکړو چی خپلی معنوی اړتیا وی پری‌تسکین کړو . باید څرګنده کړو چی انسانی حقوق یوازی بیولولوژیکی اړتیا وی‌نه دی بشری حقوق دژوانه په زیاتیدونکو غوښتنو باندی بنادی چی دهغو په پوره کولو سره به دهر انسان دطبیعی حیثیت درناوی وشی .

دانسانانو بشری حقوق نه منل دسیاسی او اجتماعی کړکیچنو منځ ته راوړل دی چی دټولنو او ملتونو دغړوترمنځ دجګړو او نښتو دپیدا کیدوباعث ګرځی . دبشر د حقوقو په اعلامیه کی دوه ډوله حقوق پیژندل شوی یو عنعنوی ډوله مدنی او سیاسی حقوق دی چی په دمو کراتیکو ټولنو کی یی ورورو تکامل کړیدی اوبل هغه اقتصادی ټولنیزاو کلتوری حقوق دی چی خلك پری پوهیدلی او وایی چی تر څو دغه حقوق تر لاسه نه شی سیاسی او مدنی حقوق هم کوم ارزښت نلری.

مدنی او سیاسی حقوق دانسان له پاره د ژوندانه دخپلواکی او مصئونیت حقوق دی انسان باید دهریه په خیرونه سا تل شی غیر انسانی جز اګانی اوبی ځایه کړول ورنه کړ شی او دانسان مقام ته په سپکه سترګه ونه کتل شی ، دقانون په مقابل کی باید ټول انسانان سره برابر وی او دغه راز نور بی شمیره ستر ارزښتونه او حقوق .

په اقتصادی ټولنیز واو کلتو ری حقوقوکی دکار کولو دکارونو دآزاد و ټاکلو حق، دکار له مساعد وشرایط څخه ګټه او دبیکاری مقابل کی دمصونیت حق شامل دی .

زموږ په‌ګران‌اوانقلابی هیوادافغانستان‌کی‌دثور انقلاب اوپه تیره بیا دهغه دنوی بشپړتیایی پړاو په بریالی کیدو سره زموږ ګوند او انقلابی دولت‌هم دبشردحقوقو دتامین په‌برخه کی دملګرو ملتو دمؤسسی دیو وفادار غړی‌په توګه ددغی نړیوالی موسسی دلوړو او سترو انسانی هدفونو د تحقق په برخه کی له هیڅ ډول هلو ځلو څخه ډډه نه ده کړی او په دی لړ کی یی زموږ په دی حماسه هستونکی او ویاړلی هیواد افغا نستان کی دټولو ملی او دمو کراتیکو ډلو ـ کارګرانو ـ بزګرانو ، زیارکښانو داسی نورو پراخو زیار ایستو ـ نکو پرګنو دحقوقو دپوره تامین په برخه‌کی بی دعمل ډګر ته دانګلی او په دی‌وسیله‌یی په هیواد کی دورونو میشتو پرګنو دژوندانه دښه والی او دهغو ترمنځ داړیکو دودی له پاره زمینه برابره کړی ده همدا علت دی‌چی په هیواد کی دغه میشتی ورونه پر ګنی دخپل انقلابی دولت په‌هغو وعدو په دغه هکه‌یی زموږ زیار کښو خلکو ته ورکړ یدی پوره باور پیدا کړی او زموږ زړور خلك دافغا ـ نستان دخلك دمو کراتیك ګوند دمرکزی‌کمیټی دعمومی منشی او دانقلابی شورا درئیس ببرك کارمل هغه پیغام ته چی تیر کال له همدی امله صادر شواو افغا نستان داساسی اصولو پرښسټ ولاړ دی په پوره درنه سترګه ګوری په دغه پیغا م کی راغلی دی چی : «دافغا ـ نستان د دمو کراتیك جمهوریت اساسی‌اصولو په لوړ او آزاد بشر دحقوقو دنړیوالی اعلامیی ملاتړ اعلام کړی او هغه په څرګنده اوروښانه توګه او قوت سره تایید وی د۱۳۵۹ کال دقوس په خلورمه نیټه چی د ۱۹۸۰ د دسامبر له پنځه ویشتمی نیټی سره سمون لری دافغانستان ددموکراتیك جمهوریت د سیاسی بیرو او انقلابی شورا درئیسه هیات په ګډه غونډه کی دانقلابی قانونیت دټینګښت په باب یوه مصوبه صادره شو ه چی دهغی‌له‌مخی فردی حقوق او آزادی له پخوا څخه زیات تضمین او تا میږی .»

زموږ انقلابی دولت دخپلو ملی دموکراتیکو اصولو په رڼا کی دافغا نستان دبیلو بیلو پر ګنو دژوند دښه والی او سو کالی په لاره کی له هیڅ دول هلو ځلو څخه ډډه نده کړی دبشری حقوقو په پام کی نیولو دثور انقلاب دنوی‌اوتکاملی پړاوپه بریا سره دهیواد دټولو جیلونود روازی کړی او هغه بی‌ګناه وطنوال یی چی په بیلو سیمو کی زندانی شوی وه له بند خلاص کړل ، او دهیواد دپر ګنو له دهغوی لومړنی زده کړی په محلی ژ کړی .

په ډله ییزو خپرونو لکه رادیو ـ تلو او ورځپانو کی یی ورته پوره ونډه و اوس زموږ دغه ورنه پر ګنی بی له ویری‌دخپلوحقوقوغوښته په‌څرګنده توګه شی او خپل ټول ملی‌اومذهبی مناسب کوی.

په څرګنده ویلی شو چی اوس دنړی مترقی ټولنی او ژغورنده غور ځنګونه دنړ امپریالیزم په سر کی یی دامریکا حکو دریګن په مشری په دسیسو او شومو پلا ښه پوهیدلی دنړی په ګوټ ګوټ کی پلانونو په ضد پوره میرانه راپورته ش اونه پریږدی چی بیا امپریالیستی نړی داړه مار غاښونه دبی ګناه انسانانو پ سره کړی موږ ډاډ لرو چی دنړی ـ ګوټ کی امپریالیستی ضد ځواکونه را او دخپل انټر ناسیو نالیستی یووالی له به د امپریالیزم وړی سترګی له خاورو کړی اود دوی ناولی او کر غیړنی هیلی خپلونه ستړی کید ووتکو غورځنګونو له سره برابری کړی .

اوس ټول نړیوال په دی پوهیږی چ امپریالیستی ځوا کونه تل دخپلو ګوډاګیا وسیله د نژادی توپیر او اپارتاید په ناوړه عملونه سرته رسوی اوله دغی خپل ګر غیړن پلانونه پرمخ بیایی روښ ده چی امپریالیستی ټولنی دزورچال اوغول مخی په یوه اوبله بنه دهیواد ونو په کو چارو کی لاس وهی پر هغوی باندی خپل اقتصادی سیاست تحمیلوی دنړی مترقی‌ټ په السلوادور انقلابی کیوبا دافریقا په خپلواك شویو هیواد و نو ، چیلی او د هیوادونو او دفلسطین دزړ ورو مبارزینو مقابل کی داسرائیلی صهیونیستانو له ګړ ووړو څخه پوره خبردی‌اودامریکا په ایالاتو او لاتینه امریکا کی په تور پوست او سور پوستانوباندی ناوړه ظلمونه دانسا کرامت او ارزښتونو ضد عمل دی .

موږ هم تل دملګرو ملتو دمنشور او د دحقوقو داعلامیی په رڼا کی دنړی له ټ مترقی ټولنو او امپریالیستی ضد غورځنګ سره خپل نه شلیدو نکی پیوستون خر کړی او په کلکه به خپلی نه ستړی کیدو مبارزی ته دبریالیتوب ترورستی پړاوپور دوام ورکړو او له خپل دغه مقدس ارمان‌خ به تل ننګه او ملاتړ وکړو .

تل دی وی دوطن مینه او دانسان لوړ ته درناوی .

نمای مو جود شهر های مزدحم‌وپر موتر

ترجمهٔ م ـ مرو ت

از مجله سپوتنیك

موتر، شهر وانسان

موضو ع از دیاد مو تر اکنو ن مسئلهٔ بزرگی برا ی انسا ن معاصر خصوصا آنهایی که در شهر زندگی می کنند ، بشمار میرود ، از آنرو راه‌ها ی وسیعی در جریا ن‌است‌تا تدابیر وروشها ی درین زمینه‌به‌کار رود که از یکطر ف افزا یش درتعداد موتر معضله ها ی بزرگتر ی‌پدید نیاورد واز جانب دیگر تصاد مات ترافیکی کا هش یابد .

در آغاز سا ل جار ی سیستم جدید کنترو ل ترا فیکی بنـــا م

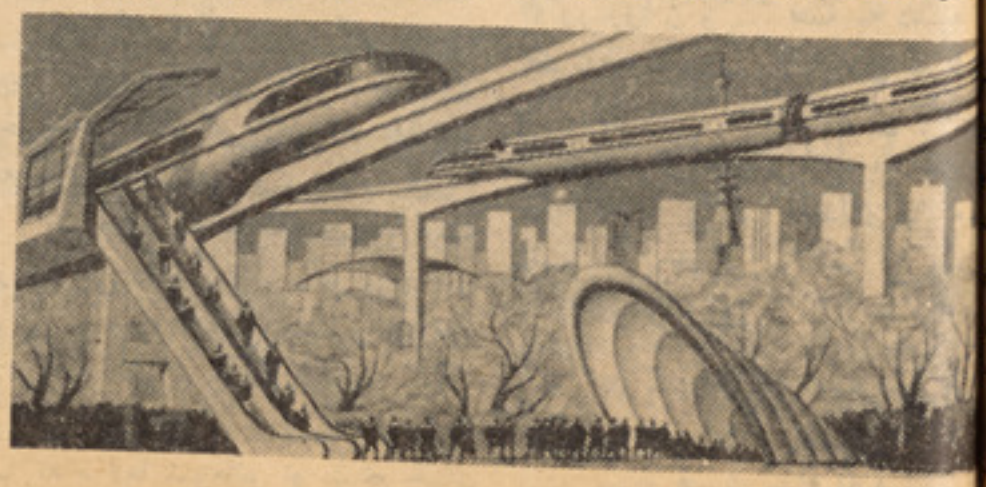

در آینده نزدیك چنین‌کابین های‌سریع هوایی در شهر های پرنفوس به کار انداخته خواهد شد

(ستار ت) در مسکو در معر ضـــ تطبیق قرار گر فت . با سا س‌این سیستم از طر یق کمره ها ی‌تلو- یزیون که در موا ضع عمده شهرجا بجا شده ، چرا غها ی ترا فیکی‌جاده ها برای تردد عراده ها تنظیم‌میکردد این تسهیلات اتو ماتیك از تو قـف ها ی بیموزد و طولا نی و همچنا ن هار ن کردنها جلو گیر ی میکند . درنتیجهٔ این وسایل اکنو ن بیست‌و- پنج فیصد تسهیلات در امر تردد ترافیکی در ین شهر فرا هم شـده است .

ستار ت تردد بیشتر عرا ده هارا در جاده ها سبب میشود .در پنجسا ل گذشته تعداد عراده هادر مسکو دو چند شده ودر سا عا ت ازدحا م در حدود .....٤ عرا ده‌در جاده ها ی این شهر در رفت وآمد میباشد ، با آنهم این تعدادازترافیك عراده ها در جاده ها ی چـــو ن نیویار ك ،پاریس و توکیو کمتـــر است . هنوز رادیو مسکو در مـورد چگونگی ترافیك عراده هانشرا ت ندارد ، اما بهر صور ت این بدا ن معنی نیست که ازدحا م ترا فیکی درین شهر باعث اعصا ب خرا بـی رانندگا ن وعابر ین نمیشود . این همه‌علتی جزاین ندارد که علاقمندی بـــه ر فـع خطر از یـن نا حیـه وجود دارد ، خصو صا که روز بروز تعداد بیشتر عراده ها خصو صـا تیز رفتار در جاده ها به حر کـت می افتند . در سا ل ۱۹۸۰ اتحـــاد شورو ی دوازده میلیو ن مو تر تیز رفتار داشت و به تعداد آن درهـر سال ۷۵۰۰۰۰ افزود می شود .

هر چه در حا ل اعتدا ل خوبست بنظر پاریسی ها پاریس مثـــــل سایر شهر ها ی غر بی بسیا رتیز رفتار در حا ل تردد رو ی جاده ها دارد ، اما واقعا این کار حـدود ی خوا هد داشت ؟ مقصد از یك موتر برای چند نفر چیست !

یقینا روش دمو کرا تیك در ین زمینه پسند یده است . حق‌خوشی و داشتن آزاد ی برا ی یك فرد به معنی تخطی به حقو ق و خو شـــی دیگران نیست ، وقتی تعداد موتـر ها ی تیز رفتار در یك شهر بیش‌از حد زیاد شود ، آیا مواز نه درآنجا متاثر نمی شود ؟

یك تیز رفتار بر صد نفر :

طی سالها ی اخیر طرا حا ن در سراسر جها ن به تو لید موتر های کوچك تیز رفتار تو جه خا صـــ کرده اند . در اتحاد شورو ی ایـن از روش های بسیار سا بقه است. در اتحاد شورو ی رسم بر این‌است که تیز رفتار ها برا ی خـــدما ت طولانی ساخته می شود و تعو یض موتر ها در هر سا ل به مود ل‌جدید آنقدر طر ف تو جه نمیبا شد ، بهر صور ت ساختن موتر ها ی کو چك یکی از راهها ی حل معضله است. اما یقینا در مرور زما ن تعـــدا د آنها زیاد خوا هدشد .

در اتحاد شورو ی ترانسپور ت ارزا ن قیمت شهر ی تشو یـــق می‌شود ، در ین صور ت شهریا ن ترجیح مید هند از تیز رفتار برای رفتن به کار ، خریدار ی اشیا و- سایر ضرور یا ت کار نگیر ند که این خود مانع از دحا م ترا فیکی‌می گردد.

ترانسپور ت عا مه اتحادشورو ی درجهان مقا م اول را دارد . در شهر مسکو از بزرگتر ین شهر هـــا ی اتحادشورو ی (دارا ی چهل کیلو متر در هر جانب) ترا نسپـور ت مشغو ل در بخش خد مات عا مـه دارا ی ۷۰۰۰ سرو یس ،۲۲۵۰ بس بر قی ، ۱۳۰۰ خط آهـــن بر قی، شبکه میترو ی وسیع‌و۱٦۵۰۰تکسی می باشد . در یك روز ترانسپور ت عمو می پانزده میلیو ن نفر راانتقال مید هد آنقدر زیاد آنها دارا ی تیز رفتار شخصی نیز میباشند.

تعداد روز افزو ن مو تر تیـــز- رفتار سبب می شود تا به تصادمات ترافیکی نیز افزا یش به عمل آید. در سراسر جها ن سا لیا نـــه در حدود .....۳ نفر در اثر تصادما ت ترافیکی زند گی شانرا از دست می دهند و هفت میلیو ن نفردیگرزخمی می‌شو ند ، سازما ن صحی جهـــان تصادما ت ترافیکی را یك مر ضـــ مدهش به حسا ب می آور ند ، از نگاه مرگ و میر تلفا ت ازنا حیه تصادما ت ترافیکی بدر جه سو م‌در جمله امرا ض قرار میگیرد .

اکنون تهیه موتر تیز رفـتار مصون از مسئاله مهم کمپنی ها ی تولید کننده موتر را تشکیل میدهد طراحا ن تلاش دارند تدا بیر مهم را در زمینه وضع کنند .

تاریخ صد سا له درایوری نشا ن مید هد که باید به تما م‌مردم اجازه رانندگی داده نشود .

بقیه درصفحهٔ ۱۵

ځمکه تول کله وګرځي؟

دامین افغانپور لیکنه

یوه ډ له جینګی له چینی څخه مخ په کلی را روانی وی او داسندره یی‌په خوند سره بلله چی: دمنګی غاړه می شنه . . .

لمر په غر غره ؤ اویوه نری وږمه چلیدله . پهدی کی ناڅاپه د جینکو سندره نیمګړی شوه او پلونه یی په مخ باندی‌راکا ږل.خانکی بیل په اوږه د نجو نو مخی ته‌شین شو اوپه بدری باندی یی غږوکړ:

ـ دمنکی څه پته نه ده لګیدلی؟

بدر ی په داسی حال کی چی منکی یی ډډی ته نیو لی ؤ او دټیکری پیڅکه یی تر غاښ لاندی چیچله ، ځواب ور کړ :

ـ دکوز کلی تا جی چی و ړمه شپه راستون شو یدی آباته احوال رالیږلی چی منکی می و لید،روغ رمټ ؤ، که خدای کول له ملګروسره به په‌نن سبا کی را ورسیږی . . .

خانکی چی د نجو نو له شرمه ستر ګی کښته اچو لی وی په ډډغږ سره وویل :

ـ خدای دی خیر کړی ، ګورو به چی څه کیږی . . . تر څو چی دشیطانان نه وی په کرار شوی‌او داړی یی نه وی و تلی،زموږ دځوانانو به‌همداحال وی که نه...دعاوی به ور ته کوو . . .

نجو نو په‌یوه آواز خبره‌ورسره غبر ګه کړه :

ـ دعا وی به ورته کوو . . .

نجو نو لاخبر نه‌وه خلاصه کړی چی د چا ودنی غږ پور ته شو او ګړ زو خوت . . . خانکی منه‌وا خیسته او نجو نی منکی په اوږه په بیړه بیړه مخ په کلی وخو ځیدی هلته لری ، له کلی څخه ختیځ لور ته د ښوونځی دپاسه دو ړی او ل وګی دبوږ بو کی په ځیر مخ په آسمان ختل . دنجو نو ز ړونه در زید ل.پته نه لګیده چی څه پیښه ده ... یواځی بدری دو مره و ویل :

ـ لکه چی دشیطا نا نو کار دی . . .

ا ودنجو نو زړو نو ته هم همدا سی پریو تله چی دا دشیطانانو کار دی . . .

دا وخت لمر پر یو تی ؤ او کښته په دره کی له ټولو کلیوالو کورونو څخه لوګی پورته کیدل ... شیبه پس پاده هم کلی‌ته رانژدی شوه . دغوا وو او خو سیانودرمباړو غږو نو چی دا وخت له تشویش سره ملګری وو ، کلی په سرسر اخیستی ؤ .

ـ۲ـ

دما زدیګر او ما ښام ترمنځ دری ډیره ښکلی منظره در لوده ، ددری دوا ړو خوا وو ته په غرو نو کی نښترو سرو نه په آسمان سو- لول . یوه نری او کوچنی خوږ دره په دوه برخو و یشلی وه دجوارو د کروندو په منځ کی دکلی کورو نه خوازه واره پرا ته وو . د دری خوله یوه بل په نښترو باندی پو ښلی‌غره بندو له چی لمر به کښیوته‌نوتابه ویل چی دونو د پاسه را کوزیږی او د څنګله په ژورو کی مخ پټوی . په خور کی ډیری لږی او به بهید لی.

دماز دیګر او ما ښام تر منځ به تل د دری له دواړو ډډو څنګله نه دمر غانو آوازو نه را تلل او ښه زوږ به یی جوړ کړی و. خو هغه غږ چی له ښوونځی څخه ددری په ختیځ کی پور ته شو ، ټول مر غا ن یی هم تر هو لی او تښتو لی وو. پر دری‌باندی یوی درندی چو پتیاوز رونه خپاره کړی وو . اودغه چو پتیا ایله چی دماښام د لمانځه آذان ماته کړه...

خو شیبی و روسته چی‌دماښام لمو نځ پای ته ورسید او خلکو دعا وکړه ،نو ځینی کلیوال همالته په جوما ت کی کینا ستل او ځینی ترینه په دوه کسیزواو دری کسیزو ډلو کی راووتل ، خو هغوی‌لا دخپلو کورو نو او کلا وو په لور نه ووخو- ځیدلی چی یوه ځکللمی‌په سوزیدلی دسور کی پیغام را ووړ او د کلی تر ټولو مشر ته‌یی وویل !

ـ سور کی همدا شیبه راورسید ... هغه وویل چی ټول دی خبروی دشپی به‌دباز گل آ کا په کور کی به جرګه کیږو . . .

باز گل همد غه د کلی تر ټولو مشرو .او چی هغه داخبره‌واوریده نو بیر ته جو مات ته ننوت او ټولو ته یی دسور کی دا پیغام ورورساوه.

کلیوالو چی دباز گل خبری واو ریدی نو په احترام سره یی سرونه کښته وا چول او دجر ګه کیدو خبره یی ورسره و منله . څکه چی ټول پو هیدل چی دسور کی پیغام د ښوونځی له چاو د نی سره ا ړیکه لری .

باز گل آ کا سره د کلی له یوه سپین ږیری دخپلی کلا په لور وخو ځید . باز گل آکا وروسته‌تریو څه چو پتیا سپین ږیری ته وویل :

ـ هیڅ پته نه لګیږی ښا دیه ورورہ چی دا شیطا نا ن و لی داسی کوی . ښه به د ی په یاد وی چی‌موږ د غزا په کال له پیرنګی سره‌جنګیدلو نو پیر نګی هم دجوما ت خیال نه سا ته ، دما شومانو او ښځو خیال یی نه سا ته ... او دا شیطا نان هم نه ښځه وینی او نه ماشوم، نه جومات وینی او نه ښوونځی . . . په ښوونځی کی خو زموږ ماشوم سبق وایی هکله له ښوونځی سره څه کار دی چی په بمو نو یی را الوزوی . . . که نه یی خورا شه مخا مخ مقابله راسره وکړه . .

بودا خبره ورسره تاییده کړه

ـ همدا سی ده باز گله‌ورور په دوی کی نه سرپیتوب شته او نرتوب . . .

بو دا یوه شیبه غلی شو بیا یی په زړه نا زړه تو ګه باز آکا وپو ښته :

ـ داسی می وا وریدل چی (حبیب) له تاسره آشتی غو ښته کړی وه . . .

باز گل آکا یوه شیبه غلی او بیا یی ورو وویل :

ـ حبیب خو شیطان تخنولی اوس غوا ړی چی ما هم وتخنوی . ما تر اوسه لس وا ره ور ته ویلی چی په مزه دی را شی او جر ګی دی راسره کښینی خو دا کارنه‌کی او داریږی ... یوسړی چی له‌خلم له ولس او جرګی‌نه و داړ شو ته نر بو لی ... هغه ته مسلمان بو لی ؟

ـ هغه خو اوس د مسلمانانو دعوا لری .

ـ هو نو ده ته داسی ښکاری چی داسلام ټیکه ده ته ور په غاړه ده . . . سپینه خبره داده چی یو غو حبیب زموږ دغلا مولو کوښښ رو کړ ی ؤ او اوس هم غوا ړی چی‌موږ دپردیو غلام کړی... ښادیه ور و که‌دی په یاد وی همدغه حبیب‌وچی موږیی دنورو غاړی ته واچو لو . همدغه حبیب ؤ چی توری اوصبر یی سره و جنګول او مزی چړ چی په کی وکړی . . .

ـ ښه می په یاددی باز گل ورورہ . . صبا او بیګاه به خپل‌باد ته ور روا ن ؤ ... هغه به دشیطانانو چلونه ور ښودل . . . زوی ته به ور روان ؤ . . . چی قام یی ښه‌سره و جنګاوه نو ایله یی زړه یخ شو . موږ ته به یی تل همدا و یل چی تاسو نه پوهیږی خو آخر یی بمو را باندی واو رول . . .

باز گل یو خو شیبی غلی ؤ او بیا یی ښادی ته وویل :

ـ پو هیږی ښاه یه و رورہ‌چی دجیب له لاسه نه موږ زړه خو مر

دی . . . یو عمر یی زمـــوږ
مو لو هڅه و کړه ... یو عمریی
ښتل چی موږ د یحیی خیلو نازو لو
ته حلال کړی ... خو موږ چی
وار غو لید لی وو بیا مونه‌غوښتل
و غو لیږو . .. هلته یی هـــم
سلام چیغی ناری‌و هلی... ولاکه
زه پوهیږم چی دا اسلام څنگـــه
لام دی چی ښوونځی او جوما تونه
ته په بمونو الو ځوی . . .
کله چی هغوی د ښادی آکا له
سره بیلید ل‌نو باز گل آکاښه‌په
کلکه ست ورته وکړ چی‌زموږ‌کره
خو . .. ښادی آکا د خپلی کلا
ته په زوره غږ کړه .
ـ هلکو زه له باز گل ســره
م . . .
او بیا دوا ړه سره دهغه‌دکور
خوا روان شول . ..

ـ۳ـ

دماسختن لمو نځو نه شو ی
او ټول دباز گل آکا په دیره کی
غونډی‌شوی وو ،سور کی لانه ؤ
غلی . هره یوه په ښوونځی کی
او دنی په باب خبری کو لی، خو
پته چا ته نه لگید له . ټولو له
لری خبری یی کو لی . خو باز ـ
آکا پخه عقیده در لوده چـــی
دشیطا نانوکار دی . او کله چی
رو دا خبره دباز گل آ کا له خو لی
وریده نویقین یی راغی چی داکار
قعا دشیطانانو او داړه مارودی...
چی دباز گل آکا خبری د کاڼو
ښی وی. د استقلال دغزادبوډا
تر تیری د خبرو په رښتینوا لی
هیچا شك نه در لود . ..
بز گرا ن همدا سی لگیا و و
دهغو خونړ یو پیښو په باب یـــی
ری کو لی چی د شیطا نانو اوداړه
رو له لاسه پیښید لی . . .
یوه د بر کنډو په کلی با ندی
شیطا نانو په شو خون خبری‌کولی
دهغه په ترڅ کی یی له ماشومانو
خه سرونه پری کړی وو او خلقی
وانا ن یی په بی رحمی سره وژلی
، بل په هغی علاقه داری با ندی
ا ړه مارو دبرید نکلو نه کول چی
لاقه دار او څو تنو خلقی ځوانانـــو
ژوند تر وروستی‌سلگی پـــوری
انقلاب د دفا ع او دخوا ږه ټاټو بی
سا تنی په سنگر کـــی ولاړ وو ،
هغو چی داړه مارو ضد انقلابیانو
غوی، شهیدان کړل ... خو دادرس
دو طن ټو لو زامنو ته و رکړ چی
نگه تر وروستی سلگی اوتـــــر
روستی څا څکی وینی پوری باید

خپل وطن، دخپلو خلکو شرف او د
انقلاب لوړ بیرغ هما غسی لو ړو ـ
ساتی . . . هغوی ډیری ساده او
روانی خبری کو لی او ټول یو دبل
په ژبه پو هید ل .
په همدی کی ددیری له وره نه
لومړی بله ډیوه څرگنده شوه او
ور پسی دسور کی دنگه او جگه ونه
ددروازی په چو کات کی وکرښـــل
شوه . . . هغه خپل لنډ کی‌ماشینگن
په غاړه کی اچو لی ؤ . .. ځان یـــی
دخپلو خړو جا مو په شان خړڅادر
کی نغښتی ؤ . شا ته یی جگړ ی
شینکی ، دلومړی کنډك قو ماندان
را روان ؤ . . .
دسو رکی په لیدوسره ټو ل‌په
پښو و درید ل او دټولو له سترگو
څخه د ستاینی او لمانځنی نښـــی
نښانی څر گندی وی ... سور کی
دهغوی په نظریوه نه پخلا کیدو نکی
زړه ور او سر ښندو نکی انقـــلا بی
سمبو ل ؤ . گرد مخ، غټی غټـــی
سترگی ، هسکه پوزه او غټه زنهٔ.
داټول دهغه په مخکـــی د یوه نجیب
انسان ځلاندی نښی او مشخصـــی
وی ... له سترگو څخه یی دخلکو
په نسبت د مینی او خد متگزاری
احساس او ریده ، دی هغه اورنی
اونه ما تیدو نکی سر تیری ؤ چی
دد ښمنانو ز ړو نه یی دنا مه پـــه
او ریدو سره ریږ دید ل .
یو بز گر چی خړ نومیده او په
پوزه کی غږیده خپل څنگ ته ناست
ملگری ته وویل :
ـ دا ځوا ن خوروغ رمـــټ
دی ... شکر دی خدایه ... چاراته
وو یل چی و ړ مه شپه‌د زیار ت‌دکلی
په جگړه کی شهید شویدی ... .
خو د څنگ ملگری یی دی‌خبری
ته ډیره تو جه ونکړه ځکه چی هغه
سور کی ته کتل .
سور کی په ډډ غږ سره‌بازگل
آکا ته وویل :
ـ آکا موږ د ژوند په او ږدو
کی دا زده کړه کړیده چی څنگـــه
ستاسو خد مت وکړو . .. څنگـــه
ستاسو عزت و کړو او څنگه‌ستاسو
دگټو په لار کی سرونه بایلو ... خو
چی تاسو زمامخی ته دریږی‌نوماچی
افغانی و جدا ن ملا متوی . . اوځان
را ته ښه نه ښکاری . ..
او بیا یی له ټو لو سره ستړی
مشی و کړه . سور کی او قوماندان
جگړه ریدی دوا ړه دباز گل آکـــا
تر څنگ کیناستل .
سور کی په دیره کی ټـــول

ناست کسا ن چی په ټوپکو، چړواو
تورو باندی سنبال وو له نظره تیر
کړل د بز گرانو پیوندی او زړوجامو
ته یی و کتل او په زړه کی یی‌داهیله
تیره شوه چی هغه و رځ به لری
نه وی چی ستاسو ټو لو نوی او
پاکی جا می په غاړه شی . ..کلیوالو
په ډیره تلو سه د هغه خو لی تـــه
ستر گی گنډ لی وی .. داوجری‌کونج
ته چی لږ څه تیاره ده ، دوه دری
جگی شملی ښکارید لی . سور کی
هغوی پیژندل . یو یی آدم خا ن ؤ
چی دکوز کنډو د لاری له بندیدو
سره یی کری ورځ سر تگاوه اوناری
سوری یی کو لی چی که می موټرونه
دوه هفتی نور کارونه کړی نو تباه
کیږم .... بل یی زرغون شاه ؤ چی
بز گرانو ته به یی تل نصیحتو نه
کول چی دا ځمکی چی له نـــورو
نه اخیستل شوی او تا سو ته‌درکړی
شویدی حرا می دی او هر دانه غنم‌او
جوار چی ستاسوکندو ته له دی‌ځمکو
نه راشی ستاسو بیخ به وچ کړی
او په کا له باندی به مو تبا هی کړه
شی . .. او چی هر وار به یی‌بزگران
لیدل چی په خپلو خپلو ځمکو کار
کوی نو سخته غوصه به ور تلله .
داټولی خبری دسورکی په زړه کی‌تیریدلی
اوټولوته یی کتل، ټول یی له نظره تیرول .
بازگل آکا چی ولیدل سورکی غلی دی نو
مخ یی سورکی ته‌واړاوه اوورویی ورته‌وویل:
ـ سورکیه وروره، په ښوونځـــی‌کـــی
دچاودنی څه مینه ونه لگیده ؟
سورکی په خلاصه مری وویل :
ـ آکا دهمدی خبری لپاره ده‌که نه چی
تاسوټولوته می تکلیف درکړ. ملگری‌قوماندان
د چاودنی ځای ښه معا ینه کـړی دی ا و
دا پته یی‌لگو لی ده چی دورانکارو
هدف دا ؤ چی ستاسو معصوم‌هلکان
په کی ور پت کاندی ، خو چاو دنه
له ښه م رغه په داسی وخت کـــی
شویده چی هلکا ن رسخت وو اوځوك
په ښوونځی کی‌نه وو ښکار ی داسی
چی د دښمنی پل یی ترکلی هـــم
را رسید لی دی . .. ټولو کلیوالوپه
رډو رډو ستر گو سور کی او بیایو
بل ته سره و کتل ...
سور کی په داسی حال کی‌چی
دا خبره کو له آدم خان ته وکتل .
آدم خان ستر گی کښته وا چو لی او
وریږ دید .
او سو ر کی خپلی خبری ته
دوام ور کړ :
ـ باز گل آکا موږ خو هم په
جرگه کی او هم دانقلاب د دفاع په
کمیټه کی دا پریکړه کړی وه چـــی
موږ هیڅوك به له دښمن سره‌مرسته

نه کوی . . . هیڅوك به د دښمن پل
کلی ته نه پریږ دی . .. خو زه په‌دی
حیران یم چی څنگه دښمن په کلی‌کی
شپی تیروی ؟
ـشپی تیروی ؟؟!
باز گل آکا دا خبره په ډیـــر
شدید تعجب سره وکړه . او سور
کی په پوره یقین ور ته وویل :
ـ هو شپی تیروی اوما ته‌پوره
پته لگید لی ده . . .
بیا هم کلیوا لو یو بل ته‌سره
وکتل او دلال‌ټین ر ڼـا ته‌یی‌ژرژر
ستر گی سره رپو لی . ..
خو چی هر څه یی سره کتل
داسی سپك کار تور یی یوپه‌بـل
باندی نه شو لگو لی چی دا کار به
چا کړی وی . . .
سور کی ټو لو ته په خطاب کـــی
وویل :
ـ زه هیسته را هیسته بیگاه‌او
سبا داسی خبری او رم چی شیطانان
یی هم کوی ، زموږ دخلکو او انقلاب
دښمنان یی هم کو ی . ..بازگل آکا
زه یو ځل بیا هم وایم چی که چیری
دخلکو حکومت کفروی ، دځمکوویش
او عدا لت کفروی ، دعلم او پوهی
درڼا خپرو ل کفروی او د ښوو نځیو
او رو غتو نو پر یمانه خلاصـــول
کفروی ، په نره دی ووا یی . .
خو زه اورم چی په کلی کـــی
ځنی کسان داخبره کوی ... پرته
له دی چی دلته دښمن سوړه کړی
وی دا خبری څه معنی لـــری . ..
دسور کی له خبرو سره د کلیوالو
تشویش لا پسی زیات شو او په‌چوپه
خو له او رډو ر ډو سترگو یی یوبل
ته سره کتل .
آخر په کلیوالو کـــی زوږه
شوه :
ـ دښمن دی په گو ته شی !
دښمن دی په گو ته شی . ..
سور کی په آرا می ســـره
وویل :
ـ زه یی نه په گو ته کوم، په
خپله ځان پیژنی او پکار داده چـــی
ځان و ښیی . . که نه وی نو موږ به
له هغه سره د جر گی د فیصلـــی
سره سم سلوك و کړو . ..
یـوه شیـبه سـکو ت . دوه
د قیقی سکوت ، پنځه د قیقی سکوت
... لس د قیقی سکوت . .. هیچا
ځا ن ونه ښود . . .
آخر سور کی په موسکا سره
وویل :
ـ ښه ده . پروانلری . ..تاسو
به یی و گوری چی څنگه ددښمن
مرستندو ی اوورانـــکار ی ځـا ن
ښیی ...

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

جزای عمل

قسمت دوم

وقتی ظلمت قیر گو ن شامگاهی شهر گنا هکار و ین رادر برگرفت وحجا ب سکو ت وفزا مو شی بر همه جاسایه گسترد ، از یکسو - ایزا بل ،مار یانا را طبق نقشه‌ای که داشت از در نها نی کا خ داخل خوابگاه آنژلو کرد و از سو ی‌دیگر راهب برا ی تحقیق از حا ل کلادیو پا ی به زندا ن گذاشت ازقضاوقتی به آنجا رسید که کلا دیو رابرا ی انجا م مراسم اعدا م آماده میکردند راهب که‌وضع‌رابدانحال دیدبیدرنگ طرحی بریخت و با ارائه نامه‌ای‌از طرف حاکم واقعی «کـه در حقیقت خود وی بود» فرمان اعـدام راملغی کرد ،اما زندان بان را سپرد کـه ماجرای الغای حکم را موقتا از همه کس مخفی بدارد .

نخستین سپیده ها ی بامداد ی بردمید وانوار زرین خور شیدجهان خواب آلوده را از رویا ی گـرا ن بیدار کرد . حاکم واقعی فی الفو ر نامه ای به آنژ لونو شت ودر آن‌یاد آور شد که با مداد روز بعد ، از سفر کوتاه خویش به مو طن ومقر فر مانروا یی خود باز خوا هـد گشت .

اشا عهٔ خبر باز گشت حا کـم در شهر ، مسر تـی عمیق دردل مردم پدید آورد و گروه کثیر ی از هوا دارا ن و دوستدارا ن اورابرابر دیوانخانه‌کشاند.

اما صبحگاه بعد هنگا میکه ایزابل باجها نی آرزو برا ی دیدار برا در خود رفت ، بدو گفتند که برادر ش به مو جب فر ما ن حا کم تسلیم‌تبر جلاد گردیده است . فغان و زراری خوا هر رنجدیده بر خا ست که((ای پارسا ی عصیا ن کار ! ای فرما ن‌روا ی جبار ! چرا بنا جوا نمرد ی برادرم را کشتـی و لـوح زندگیت رابا قلم ننگین رقم زدی ؟)) گر یه و بی قـر اری ثمری نداشت ناچار بر آن شد که با ستقبا ل حا کـم واقعی بشتا بد وشر ح مظلو میت‌و بیچار گی خودرا بسا حت اوعر ضه بدارد .

آخر الامر فر مانروا ی وا قعـی رسید وشهر در جشن وشاد ی فرو رفت . ایزابل در صف مستقبلیـن قرار گرفت و همینکه حا کم برابرش رسید خود را به پا یش اندا خت و دامانش بگر فت و گفت : ((ای‌مرجع مظلو مان وا ی نجا ت بخش رنجدیدگان ! عمر جاو دا نی بر توباد! من خوا هر محکو می هستم که‌بگناه فریب دختر ی جا م مر گ را سر کشید . بامید بخشا یش او دست تمنا ونیاز بسو ی جا نشین تودراز کردم واو در آزاء تصا حب مـن ، آزادی وی را تضمین کرد . مهـر برادر بر عشق شرا فت غلبه کردو آخر الامر خود را تسلیم امیـا ل شیطانی او کرد م ، اما او بنا جوان مرد ی هم کا م دل از من گر فت‌و هم برادر م رابکشت!)).

هیجا نی شدید در مرد م پدیدآمد آنژ لو که وضع را چنا ن و خیم‌دید زبان بانکار گشود که ((این دختر، بی شك عقل خود را با خته است ! می بینید که میزا ن جسار ت راتا بدان پایه رسانده‌که بساحت مقدس حکمرا ن پر خاش می کند !)) امـا حفظ آرامش مرد م ورفع شبهه از آنها کار آسا نی نبود . ما ریا نـا که شو هر را در لب پر تگاه سقوط دید نزدیك آمد وگفت : ((حقیقت را نباید پنها ن داشت . در آن شا م گاهی که ایزا بل مد عی است در خوابگاه شو هر من بوده ، من باوی بسر میبرد م !)) اما ایزا بل که رنج فقدا ن برادر ، پیما نه شکیباییش را بیگباره لبر یز سا خته بودزاری کنا ن فریاد زد : ((درو غ است ، شاهد آلام و بیچارگی من را هـب نیکوکار ی است بنا م ((لودویك که در زندا ن ، تسلی بخش قل رنجدیدهٔ برادر م بوده .بجستجو او فرستید وحقا یق رادریا بید!))

بفرمان حاکـم واقعـی داد گ برا ی رسید گی به اتها م آنژ ل وادعا ی ایزابل تشکیل گشـت وقتی نوبت حضور راهب رسید حاکم جامهٔ رهبا نیت به تن کرد و تغییر چهره‌داخل محکمه‌شد .رئیس دادگاه روی بوی کرد وگفت از ماجرا هر چه میدانی بیا ن کن راهب آغاز سخن کرد و پس ازذ ما وقع اضافه کردکه گنابگردن‌حا حاکم‌اصلی است که فر یب ظا هـ رابخورد و چنین فا جر زا هد نما رابجا نشینی خویش برگز ید!))

قضا ت کـه از جسـار ت و وی خشمگین شده بودند با تها آنکه در حق‌فر ما نروا ی پاکدا توهین روا داشته ، فر ما ن‌حب اورا صادر کردند ، اماقبل از آنک مامورین راهب را از جلسه بیرو برند جامه از تن بر گر فت و نقا از چهره فرو افگند ، همه در ع تعجب دیدند که پارسا ی سالخور همان حاکم واقعی است .

از مشا هده او ، رنگ از سیما آنژ لو پرید و زانو انش بـلر افتاد . دیگر همه چیز آشکار شـ بود . حاکم رو به ایزا بل کرد

زمستان در ضرب المثل های ملل

در زمستان یك کیلو متر راه ، دو کیلومترمیشود .

«عربی»

برگ درختان‌که ریخت، یادت‌باشد که زمستان درپیش است .

«یونانی»

زمستان سالی یکمرتبه میاید .

«یونانی»

بدشانسی که بیاید ،زن آدم در زمستان می میرد .

«ایتالیایی»

زمستان وزن بد ، هردو مشمیز کننده اند.

«فرانسوی»

زمستان که آمد ، بهار دنبالش است نه‌پائیز .

«انگلیسی»

زمستان که سرد شد ، قبرستان رونق‌می گیرد .

«فرانسوی»

زمستان اندوخته تابستان رااز بین‌میبرد.

«ایتالیایی»

زمستان که سرد شد ، تابستان گرم‌را منتظر باش .

«انگلیسی»

نامه آرمسترانگ به معشوقه‌اش

روی- چون «ماه » ترامیبوسم ، دلم‌میخواهدبا «ساتورن » محبت‌شجاعانه وبی‌پروا بدنیای عشقت پرتاب شوم ودرفضای خاطرات تـو سیر وسیاحت کنم . آنگاه با «سفینه» عشق قلهٔ مر موز قلب ترا تسخیر کنم ودر «دریای‌طوفان های» پر خروش و مواج آن فـرود آیم وبا «کلنیك» محبت مقداری از ذرات قلب‌چون سنگت را نمونه بردارم ودر باز گشت آنرا بوسیله «دانشمندان» عشق شناس زیرمیکروسکوب عشاق قرارداده وتجزیه کنم‌شاید مجعولات دنیای ناشناخته عشق معلوم میگردد.آنوقت است‌که میتوانم خانه عشق خودرا در آن سر زمین خیال انگیز که مطمنا قبل ازمن‌هیچ بشری به آنجا راه نیافته است بسازم وعمر خود رادر «کپسو لش» به پایان برسانم‌ودر پایگا هش مدفون گردم .

انتخاب از: روشانه «رزین» و حمیده «مبارز»

ت : ((اکنو ن دختر قهر ما ن ، برای گر فتن انتقا م و جزا ی‌بد را ن آماده ام))

یزابل خو را به‌پایش افکند((ای کمرا ن داد گر ! بر من ضعیف و بینوا که این همه موجب رنـــج و محنت توشده ام با چشم عفـــو و اغماض بنگر!))

اماوی دست نوازش بر گیسو-ش کشید واورا از جا ی بلند کرد سپس رو ی به آنژلو کرد وگفت : ((این بود روش عدا لت خواهی تو؟ اگر من خود شا هد این ماجرا بودم کدا م مر جعی دراین عا لـم می‌توانست گناه مسلم وتردید نا-پذیر تر اثابت کند ؟ واکنو ن برای عبر ت افراد بشر وتنبـه فرزندان آینده توبایستی در پا ی همان سیا-ستگا هی مجازا ت شو ی که کلادیو جان خویش را تسلیم کرد .)) اما ماریانا که هنوز مهر شو ی‌جفاکار ایزابل داشت گوشه ردا ی اوبگرفت وسربه ندبه وزاری برداشت کـــه ((از خطا ی ناکرده او در گذردزیرا دست او به گنا هی آلوده نشده)). آنگاه بداما ن ایزابل آویخت که(ای دخترخو بچهر و پاکدل ، ای فرشته کرامت ورحمت ، مرا یار ی کن ، همچنانکه ترا در آن شامگاه یاری کردم ، و از حاکم عدا لت پرو رو بنده نواز بخواه که از گناه شوهرم درگذرد .))

حاکم که این همه گذشت وپا ك دلی را از ایزا بل بدید ، بدنبا ل کلادیو فرستاد ، بخوا هر مهر بان مژده داد که برادر اوسا لم وآسوده است وچنانچه حا ضر شـــود با-معشو ق جفا کرده خویش زناشویی کند از گناه او در خوا هد گذ شت سپس دست اورا بدست گر فته و گفت : ((سالیا ن دراز به‌جستجوی همسر مهربـان و پاکـدامن مـــی گشتم تا اورا ملکه این سر زمین و شر یك زند گا نی خویش سا ز م اکنو ن به آرزو ی دیر ین خو یش رسیدم)) وآنگاه رو ی به آنژ لو کرده وگفت : ((ترا نیز به خا طـر-او می بخشم تابا همسر خود بـــه شاد کامی زندگی کنی و دیگر پیرا-مون نیا ت ناپا ك نگردی))

هفتهٔ بعد ، سه جشن با شکوه‌در وین برپا گشت : ماریانا باشو هر خود آغا ز زند گی کرد ، کلا دیـو با دختری که فریب داده بود پیو ند محبت بست وایزا بل ملکه خوبروی آن ساما ن شد و نمو نه بار ز ی‌از طهار ت وپاکدا منی دخترا ن عصر گشت . در سایهٔ فهم و کیا ست و کوشش او ، دخترا ن خطا کـــا ر ((وین)) از جاده گمرا هی وتبا هی بیرو ن آمد ند و جوانا ن هـــر زه گرد به فکر اصلاح و بهبود خو یش افتادند .

نیلوفر امید

تو ستاره پر فروغ آسمان منی
تو نیلوفر امید ، بهاران منی
جانا تویی همیش‌درفکر ودر خیالم!
توحدیث نغز وورد زبان منی
درمیان گلهای رنگ رنگ‌این چمن!
توگل همیشه بهار و جاودان منی
از لعل لبت شهد حیات می چکد
نور امید وفروغ دیده گان منی !
اختر عشق تو تابددرسپهر خاطرم
توکو کب رخشنده وتابان منی !
سکهٔ دل انگیز شعر «مفتون» تویی تو
تومبع اشعار نـاب و جاودان منـــی !

اسد الله «مفتون » محصل صنف اول پوهنځی فارمسی

آزادی

آزاده وپر فخر بود این وطـــن ما
از عشق وطن سرخ بود پیرهن ما
ای دشمن آزادی وای خصم تمدن
منز لگه بیگانه نباشد وطن مـــا
باعشق‌وطن زنده به‌آزمونگه‌و هریـم
تاهست جهان زنده بود این سخن ما
کیفیت آزاد گی از مرغ چمن پرس
تادرك کنی معنی این حسن ظن ما
مائیم ستمکش پسر مادر میهن
آمادهٔ ایثار بود جان وتن ما
تاهست «امینی» به جهان نام جهانی
پاینده و جاوید بود این وطن مـــا

م. کاظم «امینی» از میمنه

چرا فرجام حیات انسان به‌جزازین نمیتواند باشد؟

اینجا مزار چه کسی است ؟ این سبزه به گور پر از خو ن چه‌کسی رسته است ؟ این اوا ی حما ســـه آفرین از مـد فن پیکره غنوده ، در خون پا ك و مقد س‌خویشتن‌چه‌کسی بیرو ن می جهد ؟

این شبح بیقرار از رده دل چه کسی است، که بر فرا ز ایـــن گورستا ن و آرا مگاه چو ن طا یـر بلند پرواز هما در جو لان وطیران است وبه مثابه شـج شهید گر دان پیشا هنگ توده ها از میهن وخلقش پاسدار ی وحراست میکند ؟ ایـن گورستا ن مگر ما وا ی ابد یت مان است ! واین مغا ك‌سرد ونمنا ك‌مگر جا ی ار مید ن جا ویدا نه بشر یت است ویازندا ن اسیرا ن چنگا ل و پاشنه اهر یمنی سر نو شت‌سیاه؟ این ما وا ی ابد یت انسا نها ،مگر چند ده هزار پیکر انسا نها ی‌آغشته به خون را در سینه تیـــره وتار خویشتن باید مکتو م و مد فـــو ن داشته باشد ؟ چرا فر جا م حیات انسا ن به جز از ین نمیتوا ندباشد مرگ مگر خود ادامه زند گی‌است به شکل دیگر ی !یعنی هر انجا می را آغا ز ی وهر آغاز ی را انجا م دیگر ی است ؟

ای گورستا ن ! ای ما وا ی‌ابدیت بشریت ! تو مگر از فرو کش نشن خونین جگر ی ، پیکر گل گو ن‌به خون خویشتن شهیدا ن و قربانیان راه انسا نیت و آزاد ی ودرنهایت از بلعیـدن اجساد غرقـه در خون پاك و مقد س خویشتن میهن پر ت سیتا ن هیچ هراسی در نهاد خویش نداری ؟

آری این اوست این انسا ن‌است این من و تو هستیم که باید تو سن لجا م گسیخته بیداد را لگا م‌بزنیم ومهارش بکنیم !

ای گورستا ن ! ای مـــا ورا ی ابدیت انسا نها ! ای گور خونین شهید او را گرامی دارد گرامی تـر از خویشتن ، عزیز تر از تمـــام-عزیزان ؟ به مقام والای او . بـــه شهما مت و شجا عت او . به‌پایمردی او . به ایثار او . به نبرد جان‌بازانه عادلانه رها یی بخش او .ارج‌بگذار ارج به خا طر خو ن پا کش که‌نثار خلقش کرده ، ار ج به رو ح وروان میهن پرستانهٔ سخت‌تر ازفولاد اوکه چون صخره تزلزل ناپذیر و کـوه گران سنگ تا آخرین رمق حیا ت درسنگر دفا ع از میهنش باپایمردی ایستید و میا نش خم نشد . پـس این نعش خونین و مقد س با لا شه کثیف سیاه دیگرا ن نا هم گـو ن است ، بااجساد آنانیکه مز دورا نه می میر ند واجیر میشو ند وبرا ی پول جان مید هند ، تادر راه‌خدمت به خلق و مهد وما وایش ما هیـتا متفا و ت است .

آری ؟ میا ن مرگ سیاه وسرخ باید خط فا صل کشید . مر گ در راه زند گی خلق و توده ها مر گ به خاطر زدودن اشکها از گو نه‌های زحمتکشا ن ، سر انجا م مر گ در راه خدمت به خلق‌و مادرمیهن‌گرامی تر از همـه مفا خر زنـدگی وبس سترك و سرخ است ولی مرگ‌رادر راه به زنجیر در کشید ن تو ده ها، مرگ در راه به ورطه نیستـی در کشاند ن انسا نیت و بشر یت‌سیاه تر و سبکتر از مر گ هیـــو لا ی آدمخوا ر و اهر یمن استم گسـتر وحشی درنده خواست .

ای گورستا ن ! خاطـــر او را مرنجا ن ، او محبو ب ما در و طن است ، نور چشم میهن پر ستا ن است اگر دیگرا ن حر یر وپرنیان به تن دارند او با کفن سر خ‌وگلگو-نش ملبس است ، او شهید است، شهید لیلی شهلا میهن است ،شهید از رده خاطر پاشنه جلاد ســفا ك ارتجا ع است . ای گورستا ن !او را گرا می دار ، زیرا او برا ی‌توده وبراه توده جا ن داده است ، پاشنه سیاه زور مند سفا کی حلقو مش‌را فشرده وچو ن جو ك خو ن آشا م

بقیه در صفحه ٥٤

از میان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت ..

ساده دل

دستگیر نا ئل

(سنگی) دکاندار قریه ماریش‌دم بودنه ، ابروان سیاه و به هم پیوسته و چشما ن برا ق داشت. درساده گی وخوش باور ی خودهم آدم بی جوره بود . در گر ما ی‌تابستان که در جهٔ حرار ت به چهل درجه هم میرسید ، چپن پخته دار می پوشید . عاد ت داشت که دایم حلقهٔ لنگی خود رابه فر ق سر خود سخت میکرد . در قریه هر کس که اورا بنام اربا ب صدا میکرد ،نهایت خوش میشد واگر بدکا نش می بود . یك پیاله چا ی هم تعار فمی کرد .

ولگر دان و بیکاره ها ی قر یه همیشه سبب آزار سنگی شده به مسخره گی به او می گفتند:

– ((اگه تو براستی اربا ب ما شوی، ماز تو متابعت می کنیم))و سنگی باخشم می گفت :

– ((برین لوده ها ، مه از شما بیزار هستم ، خدا از آدم بیکار و لچك بیزار اس !))

پدر سنگی در زما ن حیاتش‌پیاده (دوك)) اربا ب سابق قر یه بودو سنگی از هما ن آوا ن کود کی تا زما ن جوانی اش ، فکر میکرد به پدرش باوصف تحقیر وتو هین شدنها وباوصف شنید ن‌کلمات زشت واهانت آمیز از طر ف ارباب باز هم آد م مقتدر قر یه است ،وقتی او عمرش رابه سنگی بخشید ، پسرش به این فکر افتاد که با ید جای پدر را بگیرد . حتی پارا فراتر گذاشته در آرزو ی اربا ب شد ن افتاد . لذا سالها ی زیاد ی دربحر بیکران این اندیشه غر ق بود .در بین مرد م ، در کوچه ها و پسکوچه هاودر بعضی محا فل خوشی و غم آدمها ی طر ف اعتماد ش را به‌خود نزدیك خواسته ، مفکورهٔ خود را در میان میگذاشت و همکار ی و کمك آنها رابخودجلب میکرد.اما هیچکس به سنگی را ی موافق نمیداد زیراکه آدم غریب وساده دل و بی‌پشتوا نه بود ونمیدا نست که در چنا ن شرایطی اربا ب شد ن کار آسا ن نیست .

سنگی هر وقت میخوا ست که دربارهٔ اربا ب شد ن خود با مردم قریه گپ بزند . مسخره‌اش‌میکردند وهر کدام می گفتند :

– ((توکه اربا ب میشو ی‌زمین ودارا یی وقدر ت توکو ؟ مهمانخانه و دستر خوا ن تو کجا س ، تره‌به‌ای کارهای کلان چی ؟))

سنگی از شنید ن این حرفها مایوس می شد ، روز ها و هفته ها خاموش می بود و دیگر لب به سخن باز نمیکرد . ولی هر گز از تصمیم خود نمی گشت . تا اینکه توانست نظر یا ت خود را به‌یکعده از اهالی قر یه بقبو لا ند و آنهارا طرفدار خود بسازد . عده یی‌به‌دلیل اینکه میدا نستند این هو سها ی سنگی با طل است ، و کا میا بی نصیب او نیست برای اینکه‌مضمونی به ریشخند ساختن او داشته باشند ظاهرا از سنگی طر فدار ی میکردند ودربعضی محا فل و مجالس مرد م رابه کمك او دعو ت می نمودند .اما عده زیاد ی از مرد م قر یه چو ن‌از متلفذین جور و ستم زیاد دیده بودند از ین اقدا م سنگی را ضی بودند لیکن در عمل هیچ باور شان نمی آمد که سنگی در این اقدام‌خود پیروز بر آید .

سنگی در پیش رو ی دکا ن خود بعضی روز ها قصا بی هم میکرد . محتویا ت دکا ن او عبار ت بود از شیرنی ،نمك ،گوگرد ،چای ،صا ـ بون ودیگر اشیاء خورد و ریزه که مایحتا ج روزانهٔ مرد م قر یه رارفع می کرد . یکعده اشخا ص که‌گاه‌گاه از دکان او گوشت یا سودامی‌بردند می گفتند :

– ((ارباب صاحب ، قر ض باشه حالی پیسه ندارم .))

وبه راه خود می رفتند . سنگی با خوشحا لی از عقب شا ن صدا می کرد :

–((فر ق نمی کند ، هیچ پیسه نتین اکه دیکه چیز هم کار با شه بیا ببر !))

وقتی مشتر ی براه خود میرفت، با اشخا ص دور و پیش خود می گفت :

– بخورند ، ببر ند اما از مه خوش باشند . آد م تنها سر ما یه بزرگی که ده زنده گی خود داره ، مردم اس .))

به نظر سنگی وظیفه اربا بی بزرر گترین قدرت در قریه بود .او بار ها با افتخار به بعضی هامیگفت ولاف میزد:

((پدرم ده – دوازده سا ل «دوك» ارباب قا د ر خدا بیا مرز بود)) برای رسید ن به این‌مقصد، همیشه مرد م را به طر فدار ی‌خود دعو ت میکرد وبرا ی نیل به این آرما ن خود ، از تهدید و تخو یف صا حب رسو خا ن محل هیچ‌هراسی نداشت وبی پرده مقصد خود را به همه میگفت زیرا در طو ل حیا مردم و همسا یه ها ی دور و خود را دیده بود که مانند رمهٔ سپند از دنبا ل اربا ب قر یه دویدند ، در قضا یا وحواد ث شادیها و غمها اربا ب پیشرو است ودایم قدر می بیند وبر می نشیند . حاکم ،ضابط امنیه قاضی ودیگر ما مور ین حکو از نظر یا ت او طر فدار ی می‌کنند سنگی فکر میکرد که باید زنده اربا ب از دیگرا ن فر ق داشته‌باشد بنابر این ، سنگی هم آرزو داشت که اربا ب شود . ولی نه آنطور دیگرا ن هستند ، بلکه اومیخواست به مرد م قر یهٔ خود مظهر عدا وبرادر ی باشد . سنگی از رنج پایا نی که مرد م واهل قریه از نتیجه تجاوز و استبداد اربابا و صاحب رسو خا ن محل میدیدند همیشه رنج میبرد واین رنجها عقده ها در ضمیر واند یشه ها ی رویهم انبا شته شده بود .

یکروز جمعه که مرد م قر یه جهت ادای نما ز به مسجد آمده بودند ، بعد از ختم نما ز سنگی خواست که نظر مرد م را دربارهٔ خواسته واگر ممکن باشد ، رسما این وظیفه مقرر شود . وقتی مرد از داخل مسجد خار ج میشد ند سنگی دهن دروازهٔ مسجد ایستاد با صدا ی بلند خطا ب به آنهاگفت

– ((آها مرد م ! چند نفر موسفیدا ن و اها لی قر یه مرا حیث اربا ب تعیین کد ن ، آیاشما همه تا ن به ای گپ را ضا هستین ؟ اگه راضی با شین تذکر های خوده آورده به مه تسلیم کنین اگه نی مه بوظیفه و غر یبی خود مصرو ف باشم !))

یکنفر از صا حب رسو خا ن‌قریه که از فعا لیت ها ی‌درپس‌پرده‌سنگی خبر د ا شت ، و مو قع مناسب پالید تا در کدا م مجلسی اورا بی آبرو بسازد ، خود رابه او نزد یك کرده گفت:

– ((آدم احمق وبی حیا !همین قدر بس اس کسی که خیر و شر خوده ندا نه همی رسوا یی برا بش بس اس ، حا لا هم نفهمیده یی که تره ریشخند می کنن ، کجا ی تو اربابی میما نه ؟))

با ختم گفتار او ، مرد می که در آنجا حا ضر بودند همه با صدا ی بلند خندید ند . سنگی خجا لت‌زده در حالیکه عر ق از رویش مثل باران

ید ، به اطرا ف خود نظرانداـ
و منتظر بود که کسی از اودفاع
عد کرد . چو ن صدا یی بـــه
یت خود نشنید ، لحظه یی‌خاـ
شد . سپس به آنها یی کـه
ا از او طر فدار ی میکردند ،
سته با خشم گفت :
((گوشت ها وپلو ها ییـکه
ین، زهر جا ن تا ن ! چطو ر
فر یب دادین نا مرد ها ! حا لی
گپ نمی زنین ؟ باید بدا نین
ه از ی گپ خود گذ شتنـــــی
م .))
سنگی با ختم این جملاتش آهسته
ه از محو طهٔ مسجد خار ج شد
قر یه خیره خیره با نگا هـهای
ب به او می نگر یستند . عده
و می نگر یستند . عده یی مـی
یدند وعده دیگر ی به این کـار
ی او خشمگین میشد ند که چرا
سنگی مر قع داده میشود که در
مر مرد م گپ از اربا بی و مو ـ
د ی بزنند . و تعداد زیاد ی از
ی به تحقیر شد ن و اها نـــت
ی او متا ثر میشدند . پس ازآن
معلوم سنگی نشد . درکوچه
وسکوچه ها و حتی در دکا نش
دیده می‌شد .
شاید از شر منده گی و تحقیـر
نش خودرا به کس نشا ن نمی

تها گذشت و سنگی کم کم خود
ز محافل و مجالس غم وشاد ی
میساخت . در بعضی کار ها
ور قو می پیشد ستی میکرد و
نش میئمود ابتکار عمـــل را از
ران بگیرد . اربا ب اصلی قریه
باب رجب) از این کـــار ها ی
گی خشما گین میشد ودر یگا ن
غل به سر او می غر ید :
- ((تودیگه به ای کار هاغر ض
شته باش سنگی ، به کار یـــکه
یفهٔ تو نیس دســـت نزن و الا
ایته باز خات دادم !))
وسنگی زیر لب غم‌غم میکـرد ،
ه خشما گینش رابه ار با ب می
خت و آهسته طور یکه نشنود ،
گفت :
- ((مه ده کار ها ی خیرهمیشه
وده غر ض دار میدانم ، دل کسی
وش میشه یاخفه ، مه خوا ی‌کار
ره میکنم .))
مردم قریـه از اربـاب رجب دل
وش نداشتند ودر غیا ب اوسنگی
ز ین کار تشو یق میکـــردند .
با ب رجب دراثر مداخلهٔ چندنفر
از صا حب رسو خان محل در امور
قریه اعتبار وقدر ت خود راازدست
داده بود واکثر مسا یل میا ن مردم
رادونفر از متنفذین (حاجی ملا) و
(وکیل نعیم) حل وفصل میکر دند.
به همین دلیل بود که ار با ب از
کار های سنگی احسا س خطر می
کرد .
یکنفر از نزدیکا ن سنگی(صوفی
قربان) که از جملهٔ طر فدارا ن او
هم بود واز دیر زما ن به اینطر ف
با ارباب رجب مخالفت داشت و در
اکثر مو ضو عا ت با هم مخا لفـت
میکردند هم مشو ق سنگی بود .
صوفی قربا ن دو جریب زمیـــن
خودرا جهت اعمار نمود ن یك با ب
تعمیر برای مکتب طور رایگا ن به
دولت داده بود . در حالیکه دیـگر
صاحب رسو خان واهالی از آبـاد
شدن تعمیر مکتب وارتقا ءبخشیدن
ان به صنوف بالاتر ، را ضی نبودند
ومی گفتند که بچه های ما مکتب‌را
در مرکز ولسوا لی یـــا ولایـــت
می خوانند و حا جت به ارتقـــا ء
بخشید ن مکتب قریه نیست .

ناتمام

منشور ملل متحد و حقوق بشر

«ما مردمان ملل متحد اراده کرده ایم که نسل های آینده رااز تباهی جنگ نجات دهیم که در عصر ما دو بار، بشر را سخت متاثر نموده است وبه خاطرحقوق اساسی انسانها به حیثیت و ارزش فردی انسان ، به برابری حقوق بین زنان و مردان وبین ملل خورد و بزرگ یکبار دیگر عقیدهٔ خودرا ابراز بداریم این فیصله را بعمل آوردیم که در راه رسیدن به‌اهداف ذیل مساعی مشترك بخرج دهیم .»

مادهٔ پنجاه و پنجم :

ملل متحد بادرنظر داشت‌این‌حقیقت‌که‌برقراری و استحکام شرایط سعادتبار میان ملل که بر اساس روابط دوستی و صلح و برابری حقوق ملل جهت تعیین‌سر نوشت شان‌استوار باشد یك امر ضروری بوده وبرای تحقق این اهداف نیك مواد ذیل راپیشنهاد مینما ید:

۱ـ بلند بردن سطح زندگی ، محو بیکاری وتامین شرایط بهتر اقتصادی و اجتماعی.

۲ـ حل مسایل مربوط اقتصادی ، اجتماعی وصحی و همکاری بین المللی کلتوری وعلمی.

۳ـ احترام به حقوق بشر بدون درنظر ـ داشت نژاد ،جنس ،زبان یا مذهب .

ماده پنجاه و ششم :

تمام اعضای ملل متحد تعهد مینمایند که بخاطر تحقق اهدافی که در مادهٔ پنجاه وپنجم ذکر شده است بصورت انفرادی و یامشترکا عمل می‌کنند .

زمانی که اعضای موسس ملل متحد درسال ۱۹٤٥ در سانفرا نسسکو منشور ملل متحدرا طرح کردند آنها هدف اساسی شانرا در فقرهٔ اول مقدمهٔ آن چنین بیان نمودند که «نسل های آینده باید از تباهی جنگ نجات داده شوند».

آنها در فقرهٔ دوم مقدمهٔ منشور ملل متحد عقیدهٔ خودرا یکبار دیگر در مورد حقوق انسانها و در مورد حیثیت وارزش فردی انسان ابراز داشتند .

ملل متحد با درك این پدیده که بین حقوق بشر و صلح جهانی ارتباط نزدیك وجود دارد وظیفه اساسی خود دانست که نخستین‌اعلامیهٔ عمومی حقوق بشر را برای تمام مردمان وملل چه خورد باشد چه بزرگ بحیث یك معیار کار نامه های مشترك طرح کند . این اعلامیه در سال ۱۹٤۸ بدون هیچ یك رای مخالف به تصویب رسید .

حقوق بشری چیست ؟

حقوق بشری عبارت از آن شرایط زندگی است که بما امکان آنرا میسر می سازد که خصوصیت های ذکاو ت انسانی ووجدان‌بشری خودرا کاملا انکشاف داده واز آن در جهت تسکین ضروریات معنوی خود استفاده نمائیم زمانیکه ماز حقوق انسانی گپ می‌زنیم منظور ما صرف احتیاجات بیا لوجیکی نیست .

حقوق بشری‌بربنیاد چنان تقاضای زیادشونده زندگی انسان بناشده است که در آن حیثیت طبیعی هر انسان احترام و حفظ شود و این امر در اثر آن تسهیلات‌و آسودگی که ساینس وتکنالوجی آنرا فراهم می‌سازد تامین شده می‌تواند .

حقوق بشری برای طبعیت ما اهمیت قابل ملاحظه یی دارد که بدون آن مابحیث‌انسانها زندگی کرده نمیتوانیم .

بوجود آور دن ز مینه‌تشنج اجتماعی‌وسیاسی یعنی خلق کردن جنگها و تصادمات دربین جوامع‌وملل‌درحقیقت‌تخطی‌ازحقوق بشری است حقو ق بشر ی کدام‌موضوع مجرد قابل بحث برای فیلسوفان و حقوقدانان نیست بلکه چیزی است که تاثیر خودرا در زندگی روز مرهٔ هریك از مردان ، زنان واطفال می گذارد .

کدام حقوق اساسی است که ما در اثر محرو میت از آن نمی توانیم زندگی انسا نی داشته باشیم ؟

بصورت عمومی دو نوع حقوق در اعلامیهٔ حقوق بشر شناخته شده است یکی عبارت از حقوق مدنی و سیاسی قسم عنعنوی‌است که طی انکشاف طولانی جوامع دمو کراتیك تدریجا تکامل می کنند و دیگری عبارت از آن حقوق اقتصادی، اجتماعی‌و فر هنگی است که در زمان حاضر شنا خته شده است واین درست همان وقتی است که مردم یقین حاصل کردند که تا زمانیکه بعضی حقوق اقتصادی ، اجتماعی و کلتوری تامین نشود بدست آوردن حقوق سیاسی و مدنی ارزش واهمیتی ندارد .

حقوق سیاسی و مدنی چیست ؟

این حقوق قبل از همه حقوق آزادی و مصئوونیت برای زندگی مااست ما نباید در اسارت زندگی نمائیم . نباید به انسان هیچ نوع جزایی داده شود که غیر انسانی بوده و لطمه به شخصیت آن واردآید مانباید ز جر داده شویم ما همه باید در برابر قانون‌حقوق مساوی داشته باشیم . ما نباید به خواست یك شخص گرفتار ویا به تبعید سوق داده شویم . در صورتیکه کسی مارا به کدام جرم متهم می‌سازد باید برای ما موقع محاکمه داده شود و تا زمانیکه جرم ما ثابت نشده باشد باید بی گناه شمرده شویم . زندگی شخصی ما ، فامیل ما ، خانه و مرا سلات ما باید مصئون نگهداشته شود .

در صورتیکه تحت تعقیب ویا زیر فشار قرار داده می شویم‌باید این امکان‌را داشته باشیم که بکدام کشور دیگر پناهنده شویم . مابايد حق تعلق به‌یك ملیت‌را داشته باشیم همچنان این قدرت را داشته باشیم که ازدواج نموده و خانواده را بسازیم و خانواده ما باید حق مصئونیت داشته باشد باید حق ملکیت داشتم باشیم .

درین حقوق ، حقوق اساسی هم شامل است مثل آزادی فکر ، وجدان وآزادی مذهب و آزادی بیان و نظر و آزادی یکجا شدن‌بادیگران طورمسالمت‌آمیز،مثلاآزادی‌اشتراك کردن‌دراتحادیه های کار گری. هر فردباید در حکومت وطن خود از طریق انتخابات و مانند هر فرد دیگر از طریق حق مساوی در دستگاه های عامه بخاطر پیدا کردن حق شمول داشته باشد .

حقوق اقتصادی ، اجتماعی و کلتوری ها اند :

درین زمره حق کار کردن ، حق ا آزاد کار ، حق شرایط عادی و مساعد حق مصئونیت بمقابل بیکاری شامل اس هر زن و مردی که یك قسم کار مشا انجام میدهند حق دارند تا معاش مساوی یافت نمایند و همهٔ شان‌حق تفریح واستر دارند . داشتن حق شرایط بهتر زندگی جملهٔ حقوق بشری است و غذا ، لباس و خدمات طبی و اجتماعی و مصئونیت‌اجت درین جمله شامل است مادران واطفال مستحق کمك وتوجه خاص شمرده شوند کس باید حق تحصیل داشته باشد واین راباید داشته باشد که در حیات کلتوری خود طور آزاد سهم گیرند .

این دو نوع حقو ق بشری ـ حقوق وسیاسی‌و حقوق اقتصادی ، اجتماعی کلتوری به همدیگر ارتباط داشته واز یکد جلداین‌ناپذیراند.به عبارت‌دیگر تحقق‌کامل‌حق مدنی وسیاسی بدون داشتن حقوق اقتصا اجتماعی و کلتوری ممکن نیست . ازاین‌ج اساعیله عمومی ملل متحد فیصله نموده تابخاطر حفظ وتامین این‌دوحق بشری‌مساوی توجه شود .

آیا حقوق بشری در تمام کشور های‌ج شکل قانونی بخود گرفته است یاخیر؟

اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر برای تمام‌مرد و ملل جهان یك معیار مشترك اجرا آن‌است از لحاظ قانونی کدام مجموعهٔ متکفل کردن مقررات نیست مگر صرف این حقیقت که ا اعلامیه از طرف همه کشور ها کاملا پذیر ش شده معنی آنرا دارد که این کشور هاعلی‌الر سابقهٔ کلتوری ، اقتصادی و اجتماعی جدا شان در جهت پیشبرد اهدافی که در اعلا حقوق بشر تذکر رفته سعی نمایند .

قابل یاد آوری است که یکعده کشور در قوانین اساسی شان اعلامیهٔ حقوق بشر جای داده اند در حالیکه در بسا قوانین‌اساسی دیگر کشور ها انعکاس لفظی آن دیده می‌شود

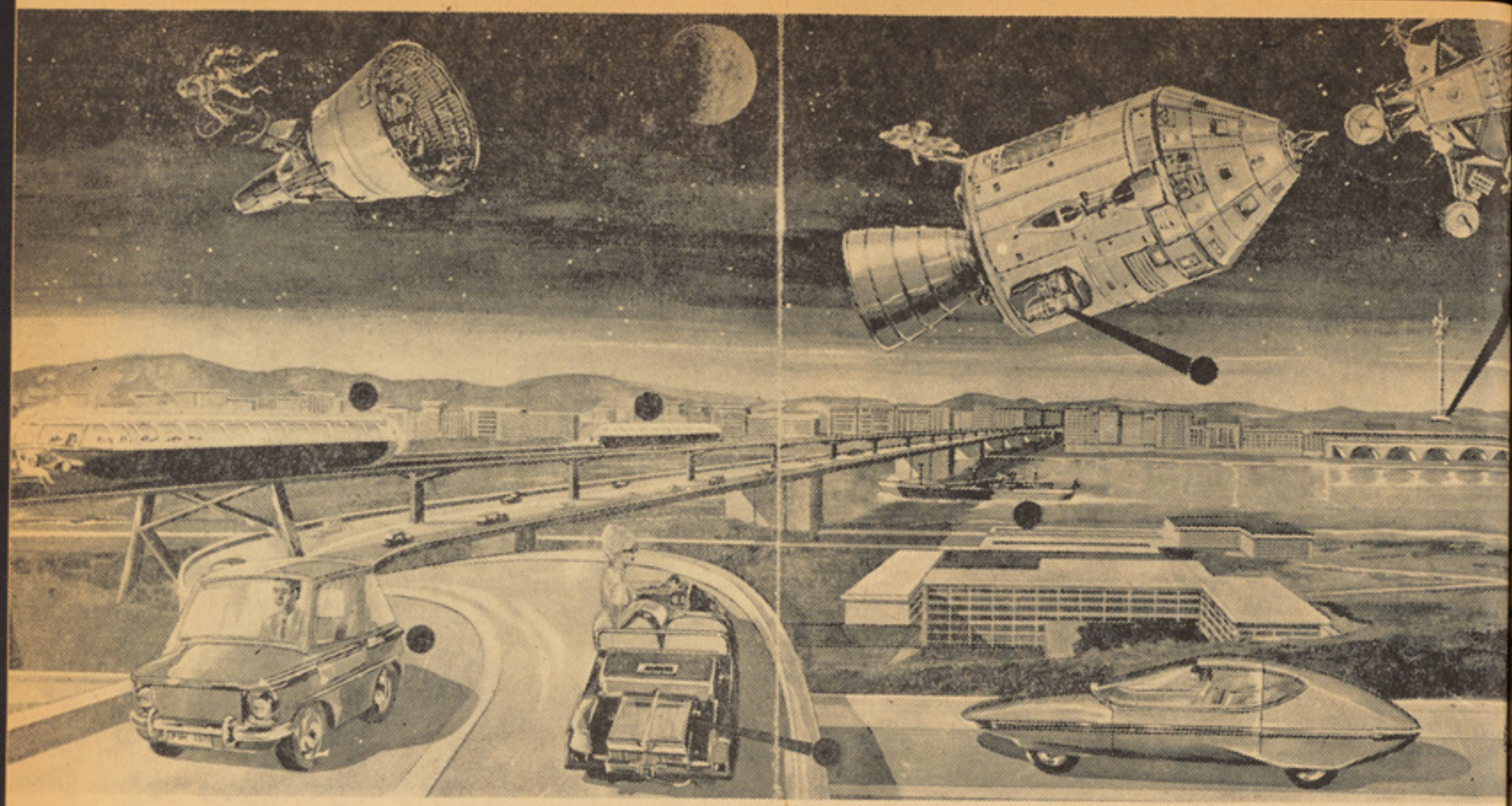

درین تصویر موارد گوناگون استفاده ازبطری های برقی نشان داده شده است .

تولید برق به شیوه جدید

روز بیستم و بیست و یکم جو لای ۱۹۶۹ بزرگترین حادثهٔ جهان بشری رخداد ، پیاده شدن انسان بروی کره‌ماه • درین پیروزی تکنالوجی انجنیری صنایع بر قی سهم قابل ملاحظه‌یی داشته است . زیرا پرواز هـــای طویل المدت فضایی بدون انکشاف یك منبع جدیدبرق مستقل از استیشن تو لید بـــرق غیر ممکن‌بوده‌است. سفینهٔفضایی«جیمینی-۵» که‌در۲۱ اگست۱۹۶۵-۱۲۰مرتبه مدارزمین را دور زد یك منبع جدیدا انکشاف یافته قوه برق را درخود دستگاه در اختیار داشت : بطری های برقی ایکه در آنها عمز مان‌بایکجا شدن او کسیجن و هایدروجن بخاطر تشکیل آب ، برق نیز تو لید می‌گردد . کپسول‌های اپولو که انسان را به‌سطح کرهٔ ماه پیاده‌کرد مجهز باسه بطری برقـی (پی. سی -۳ر۲) بود که باتر کیب نمودن آ کسیجن‌وهایدروجن هرکدام سه کیلووات برق تو لید می‌نمودند. آبی که درین عملیه تولید می‌گردد به منظور سرد ساختن سا مات و آلات و دیگرسیستم های حیاتی که فضانوردان را از خطر محفوظ میدارد مورد استفاده قرار می‌گرفت.

سفینه ماهنورد (سی) یعنی همان سفینهٔ که به سطح کرهٔ ماه نشست مجهز با مخزن نقره‌یی کد میوم بود ، انکشاف این منا بع برق ار تباط نزدیك به تاریخ تحقیقات‌اساسی بالای برق دارد در سال ۱۸۳۹ سر و یلیام گروف برای او لین بار مو فق گردیدتادراثر عملیهٔ کیمیایی ، برقی هاید روجن‌وآکسیجن را با هم تر کیب نموده و آب را تو لیدنماید.

بنابران مفکورهٔ اساسی زادهٔ بطری های‌برقی ایست که در آینده بحیث یك منبع اولی‌قوه برق برای پرواز های فضایی انسان قـابل پیشبینی است . مگر ا همیت این منبـــع برق در روی زمین نیز در حیات روزمره روبه افزایش است صعود درجهٔ آلودگی هوا وآب سبب ا ختراع دستگاه های دارای انجن کـم مصرف گردید . در آلمان فد رال کمپنی‌های (ای.ای.جی) ، بوش ، میسر شمیت - بالکو- بلوم - ز یمنس ووار تا با مو فقیت د ر ساختن این چنین ماشین ها قدم‌های نخستین را بر داشتند .

بسیار ی مردم مو تر های بر قی‌رابحیث وسایل آ ینده تلقی کردند • این مو تر ها واقعا بدون صدا و دود بودند. اولین دستگاه های آزمایشی با مخزن های معمولی‌شروع‌به فعالیت کردند (دی) مگر بعد از اینکه‌سیستم های که توسط برق کار می کردند برای سفر های فضایی موفقانه انکشاف یافت. همچنان بطری های برقی این امکـــان رابرای موتـر ها نیز بوجود آورد . بمنظور پائین آ وردن وزن بحد اصغری ، تلاش بخرج داده‌می - شود هنگامی که آکسیجن از فضای خـــارج گرفته می‌شود هایدروجن مواد ضرورت ا ز مواد سوخت مایع بداخل خود موتر تـولید گردد. درین‌سیستم‌یك‌دستگاه‌خورد(ای)توسط بطری هایی‌که قوهٔ سوخت آنرا هایدرازین و آکسیجن از اتمو سفیر ما حول تشکیل‌میدهد فعالیت می کند .

از امکان دور نیست که در آیندهٔنه‌چندان دور اکثر دستگاه ها وو سایط توسط ماشین های برقی فعالیت خواهند کرد که‌ذریعهٔبطری های برقی تغذیه میشوند نمونه این‌دستگاه ها درشکل (اف) نشان داده شده است . مگـر قبل از همه بطری های برقی در خطوط ریل (شکل جی) یادر ترافیك زیرزمینی و زیرآبی مورد استفاده قرار خوا هد گرفت که این‌عمل از آلودگی در- یا ها وابحار توسط ماشین‌های دیزلی جلو گیری خواهد کرد بطری های‌برقی قبـــلا د ر سا حـــا ت گمـو نیکیشن مورد استفاده قرار داده شده است شکل (!) .

باید تذکر داد که دستگاه ریلی‌ترانسمیتر رادیو تلویزیون شهر بواریای آلمان توسط بطری برقی ساخت زیمنس فعالیت می‌نماید. دو سلندر هایدروجن که هر کدام بظر فیت پنجاه لیتر و یك سلندر آ کسیجن کا فی است که فعالیت ترانسمیتر را برای مد ت دو ماه تا مین نماید .

به ترین نمونه وطن پرستی جوانان

وطن خا نهٔ مشترك ما ا ســـت و همهٔ افراد جا معه اعم از مردان، وزنا ن ، پیرا ن و جوا نا ن و ظیفه دا رند تا مطابق بر استعداد وتوا- نائی خو یش در ا مر آبـــاد ی و و شنگو فا نی آن بکو شند و درراه تر قـی و تعا لیش از هیچگو نـه بذل مسا عی دریغ نورزند .

ولی جوانا ن این قشر با لنـده و پر تحرك جا معه که از نیـر وی سر شار مادی بهر ه کافی دارند در برابر ما دروطن و ظیفه بزر گتـر و سنگین تر ی را بدو ش دا رنـد که نباید در اجرای آ ن اند کـــی هم تغا فل ورزند .

خو ش بختانه جوانا ن آ گـاه، وطن پر ست و انقلا بی ماهمیشه‌و بخصو ص بعد از پیروزی انقلا ب آزادی بخش ثور که همهٔ دا شتـه ها ی ماد ی و معنو ی کشور بـــه خلق ز-حمتکش تعلق گر فـــت این رسا لت عظیم خود را به گو نهٔ شا یسته یی در ك نموده ازاجرای آن هر گز سر با ز نمی ز نند .

جوانان آگاه و انقلابی ما درشرایط کنونی که کشور و مرد م مـــا در برابر یك جنگ اعلام نا شـده ارتجا عی و امپر یا لیستی قـــرار دارد علاو ه بر آنکه در مکا تـــب و دا نشگاه ها و فابر یکا ت وکار- خانه ها ، مزارع و فارم ها و در هر کجایی که قرار دار ند برا ی بهبود و ضع حیا ت سیا ســـی، اجتماعی واقتصادی کشور و جامعه خو یش به کارو عمل مفید و ثمر بخش می پر دا زند سلاح بر دوش می گیر ند و از طر یق پیو ستـن به صفو ف قوای مسلح قهر مـان وخار ندو ی جوا ن کشور در کار زار مبارزه با دشمن انقلاب و طـن و مردم خو یش حما سه می سازند وبر افتخارات آیند ه گـان میهـن خو یش می افزا یند .

آری !

عدهٔ جوانا ن و طن پر ســـت وانقلابی ما که مدت ز یـادی رادر سنگردفا ع ازوطن وانقلاب سپر ی نموده اند و اکنو ن قهر ما نا نه بگر فتن تر خیص از صفو ف قوای مسلح قهر ما ن کشور نا یـــل می آیند با در ك رسا لت تا ریخی خود منحیث یك جوا ن و طـــن پرست و انقلا بی با آنکه دو رهٔ قا نو نی مکلفیت عسکر ی خود را نیز سپری نموده اند از صفو ف قوا ی مسلح قهر ما ن کشوردو ری نمی گز ینند و حا ضر می شو ند تابعد از اخذ تر خیص نیز د رتحت در فش پر افتخار دو لت جمهو ری دمو کرا تیك افغا نستا ن و ظیفـهٔ مقد س سر با ز ی خو یش راادامه بد هند و نگذا رند د شمنا ن وطن و جا معهٔ ما فضا ی آرام و صلـح آمیز ز ند ه گی مرد م ما را بیش‌از این بر هم زنند مکا تب ، مسا جد و د یگر عما را ت و بنا هـــا ی عا م المنفعه رابه آ تش کشند ،پل ها و سر ك ها را و یرا ن نما یندو ده ها و صد ها تن اززنان ومردان آزاده کشور ما را با بیر حما نـــه تر ین شیوه‌هایی‌به قتل رسانند .

این است بهتر ین نمو نه ومثا ل وطن پر ستی و شیو ه مرد م دو- ستی که جوانا ن آگاه ، ا نقلا بـی ووطن پر ست ما در وجود خو یش تبا رز می دهند و این همه فدا - کاری ها و جانبا زی ها وقهرما نی ها ی جوا نا ن انقلا بی ما همواره در شهر ود ه در قر یه ها و دردره ها مورد استقبا ل پر شور و زایدا- لو صف مرد ما ن آ زاد ه کشـــود قرا ر می گیرد و کا فه ما درا ن و پد را ن ما که جس وطن پر ستـی ومردم دو ستی چو ن خو ن دررگ رگ از وجود ایشا ن جریا ن دارد از دا شتن چنین فر زند ا ن و پرست وسر سپـرده راه و ط مرد م وانقلاب نجا ت بخش ن بخود می با لند و افتخا ر م نما یند .

یقین کامل داریم کـه ا ن آزادی بخش ثور در اثر حما ی وپشتیبا نی بید ریغ همهٔ مر زحمتکش کشور بخصو ص ق جوا ن و پر تحر ك جا معهٔ ما زود تر ین فر صتی به پیـر نها یی نا یل می آیدو همهٔ آنا را که ا مرو ز خا ینا نه و دشم برای در هم شکستن و یا در کو بید ن انقلاب ملی و دمو کر تیك ثور تو طئه می چینند و نك به خر چ می دهند به گو ه زوا ل و نیستی ا بد ی مـــ سپا رد .

عا قبت پیرو ز ی از آ ن خ زحمتکش کشور ما ا عم از پیرا جوانا ن طفلا ن مر دا ن و زنا افغانستا ن ، آزاد مستقل‌و سر خواهد بود.

حیات الله (نبرد)

نیروی جوانان رشد یابنده است

درشرایط معین اقتصادی واجتما- عی‌یك‌جامعه، این مسئله‌که جا معهٔ شکو فا ن و مر فه بدو ن کـــار وپیکا ر انقلا بی کار گران ،دهقا - نا ن ، کسبه کا ران و سایر توده ها ی ز حمتکش جو ا ن پا بـــه عر صه و جود گذ اشته نمیتوا ند ، به با رها به میا ن آمده و مورد بحث و مذا کر ه همه جا نبه قـرار گرفته است .

این یك حقیقت مسلم و اشکار است که در جوا مع بورژ وا ز ی نسل جوا ن زحمتکشا ن در امـر زوال و ا نهدام آ شیـا نـه نظـام کهن و رو به نسیتی سر ما یه داری که بر استثمار میلو نها انسا ن‌مولد بنا گردید ه و ظیفه و رسا لـــت خویش را به نحو احسن به فرجام رسا نید ه میتوا نند .

زیرا ز حمتکشا ن جوان و رشد یا بنده در شرا یط بسیا ر دشوار و طا قت فر سا ، با به کار بر دن وبا استفاده از میتود ها ی گونا- گون مبا رزه حر کت انقلا بی‌را و انکشا ف بخشید ه و در زمی پیروز یها ی چشم گیر ی ر انصی شده اند . بطور مثا ل جو ا نا آسیا- افریقا و امر یکای لاتـ اکنون درجنبشهای رهایی بخش وا نقلا بی نقش قا طع بد و گر فته اند . در مما لك عقب ما درچنین شرا یطی که در آنجاس کلتو ر ی ، فر هنگی ، اقتصا د واجتما عی مرد م بسیا ر نا ز میباشد، دراثر مظالم زما مدا مر تجع ، محا فل حا کمه وچپاو لگرا ن خا ر جی حتی از حـــ سواد آمو ز ی نیز آنها را مـحر می‌کنند . ولی جوا نـان رزمنـ پیکا ر جو ی آنها ر اچو ن مش گره خورده متحد سا خته ، آنه را با اید ئـو لـو ژی پـیشرو مترقی عصر مجهز و صا حب‌شعو عالی سیاسی می نمایند .

البته به همهٔ مبارزین جوان‌جه بخصوص مـبا ر ز ین جـــه سوم بخو بی هویدا ا ست‌کـ

ی از افراد اینگونه جوامع
های زیادی دارند برای آماده
آنها در حالیکه اکثریت آنها
ن های انقلابی که حتی به
و خواندن ابتدائی
یی ندارند به کدام
ه کار دشوار لازم
در سال های اخیر
ی ملی و دموکراتیک
مع که از لحاظ رشد ،سا-
تخنیك از ممالك پیشرفته
ی قرنها -قرنها به عقب
است به‌نظر یات و تیز-
ی علما وایدئولوگهای خشك
ز وازی که میگفتند ،بدون
ند ن و طی نمودن مرحله
یه داری بوجود آوردن
لاب کارگری ناممکن
انو نمندی تکامل اجتماعی
ت دارد خط بطلان کشید.
نطور یکه طبقه جوان کارگر
توان اضمحلال و نابودی
کهن استثماری و استعماری
میباشد همانطور در باز-
رومند و پر توان آنها این
ن نیز نهفته است که یك
مرفه و شکوفان وفاقد
تثمار انسان از انسان‌رااعمار

کشور عزیز ما ن افغانستان
فیض و برکت انقلاب‌شکو-
و تاریخ افزینده ثور
زات‌علمی وآگاهانه جوانان‌در
رحله‌جدیدومتکاملتری‌قرارگرفته
تذکر شد که بطور عام تمام
ان و بطور اخص آنها ئیکه
ت تاریخی خویش را آگاه نه
وری درك کرده اند . بیش
وقت دیگر وظایف ومسو-
های سنگین بدوش دارند .
تاریخ جوامع بشری
ار و ارتجاع همیشه کو -
اند تا جوانان را از آموزش
گرفتن دانش مترقی و
ی برگردانند و آنها رادر
اسلوبها ، طریقه هاتلقینات
یرات نادرست و نامطلوب
ن دهند ، زیرا از تحقق این
ه های غرض آلود ، استثمار-
بهره برداری میکنند ودر
نافع غارتگرانه خود را می
ومیخواهند تا جوانان راانسان
تنبل - مطیع‌پول‌پرست‌و بار-
دیگران بار آورند.
علیم و تربیه معقول و موزون

نسل جوان اهمیت بسزائی دارد، رهبر بزرگ انقلاب کبیر اکتوبر درسال ۱۹۲۰ در کنگره سوم جوانان مبارز روسیه را جمع به وظایف اساسی جوانان فرمودند ((ما یك جامعه خوشبخت ومرفه را تنها و به اساس دانش مکمل ، سازمانها ، تاسیسات، نیروی بشری ووسایلی که از-نظام کهن به ما به میراث مانده اعمار کرده میتوانیم ، تنها با آموزش سالم جوانان و با تغیر بنیادی در آموزش آنها با ورحاصل کرده میتوانیم که تلاشهای آنها بر عکس-جامعه کهن حتما به ساختمان یك جامعه خوشبخت و مرفه به پایان میرسد .

در شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی یك جامعه مسله تربیت وپرورش جوانان باید با دقت وژرف بینی کامل بررسی گردد ، که جوانان آگاه بر رسالت تاریخی خویش چه راباید بیاموزند و بخاطر حصول نتایج مطلوب و همه جانبه و سیستم آموزش چطور باید عیار شده باشد .

جامعه ما که در یك مرحله‌جدید انکشاف تمدن تاریخی قدم‌گذاشته جوانان با درد میهن بیشتر با این سوال مورد جه اند که‌باید چه را بیاموزند و اسلوب آموزش آن چطور باشد ؟ بطور ساده ومختصر گفته میتوانیم که آموختن ایدئولوژی علمی و انقلابی آن راه قبول شده و واقعی است که امروز مشعل راه جوانان مبارز و پیکار جوی سیاره ما است و در پرتو همین راه در خشان و مترقی کاروانهای بزرگ بشریت به مدارج والای ترقی و خوشبختی نائل گردیده و میگردند.

تربیت جوانان برای انجام کارهای صنعتی

جوانان قشر فعال جوامع بشری را تشکیل میدهند و سهم فعال‌آنهادرکلیه ساحات‌حیات‌اجتماعی بخصوص در به رسانیدن جوامع شان به مدارج عالی ترقی نقش عمده رابازی میکنند . البته این مامول زمانی بر آورده شده میتواندکه امکانات لازم در اختیار آنها قرار داده شده باشد ، وبه تربیت سالم آنها توجه خاصی مبذول گردد .

در جوامع مترقی که کلیه امکانات و تسهیلات لازم در اختیاراقشارمختلف‌اجتماعی گذاشته شده و بدون هرگونه تبعیضی در جهت رشد و شکوفانی‌استعداد های نهفته آنها اقدامات لازم صورت میگیرد در جهت تربیت سالم جوانان در ساحات‌مختلفه نیز اقدامات لازم صورت گرفته برای پیاده کردن اندوخته های نظری جوانان بلغاریااین‌تسهیلات لازم فراهم گردیده طوریکه همین اکنون در حدود یك صدوهشتاد ورکشاپ کمسمول در کار خانجات صنعتی و مکاتب بلغاریا موجود بوده که هر کدام آنها تعداد زیاد دانش آموزان جوان را در کار های عملی و اندوخته های نظری شان کمك میکنند .

در حدود شانزده هزار کارگر مجرب و کارمندان ماهر کارنجات و ورکشاپ های دانش آموزان را در آموختن کار های عملی کمك میکنند تنها در دوران تطبیق هفتمین پلان پنجساله ((۱۹۷۶ -۱۹۸۰))کشور بلغاریا در حدود سی‌و سه هزار ساحه کار برای آشنایی جوانان با کار های عملی موجود بود .

آموزشگاه تخنیکی و یلیهم پیك مطابق‌به‌شعارخود:متخصصین آینده باید مطابق خواست عصر وزمان خود تربیت یابند عمل میکنند از چندین سال بدینسو آموزشگاه مزبور طبق موا - فقتنامه های که یا چهارده کارخانه بزرگ شهر صوفیه امضا نموده جوانان را در رشته های مختلفه صنعتی تربیت و به منظور انجام کار های مفید تقدیم کارخانجات مذبور نموده است در مقابل کارخانجات متذکره آموزشگاه مزبور ادر تجهیز ورکشاپ ها و لابراتوار های آن وفراهم آوری تسهیلات لازم و استخدام ماهرین ورزیده بخاطر پیشبرد هر چه بهتر امور آموزشی کمك مینمایند . دانش آموزان بعد از خذ یك کورس در زمینهٔ آشنائی با طرز کار در ورکشاپ های جاییکه در آن جا با انواع مختلف کار های تولیدی و ترمیمی آشنایی حاصل میکنند میتوانند جهت آموختن و اشتراك در کار های عملی به ورکشاپ ها بروند . سیستم تعلیمی در ورکشاپ ها و لابراتوار های مختلفه آموزشگاه به گونه های مختلف صورت میگیرد .

طوریکه انجینرمینچوپخچوف آمرآموزشگاه تخنیکی‌گسترش‌پیهم پروسهٔ تربیت استعداد های تولید را تشریح کرد کارخانه‌بشکل آموزشگاه در آمده است . او همچنان ماشین ها ، سامان آلات تسهیلات لازم مادی برای آموزش تولیدی دانش‌آموزان مکتب تخنیکی را ثمره گرانبهای‌همکاری دستگاه ها و کارنجات مربوط خوانده است .

خنده خنده خنده

برای شما انتخاب کرده ایم

مادر اوبچه بیا برو بیرون‌وقتی اینجا استاده باشی حواس پدرت خراب میشود وظرفها را پاك نمی شو ید .

جواب درست

چند ی قبل ، فرا نك سینا ترا به ریو دو ژانیرو مسا فر ت‌کرد و اتفاقا روز ی نان چاست‌رادرباغی با سوفیا لور ن ستاره معرو ف‌خورد خبر نگار کنجا و مر تبا عقب‌فرانك سینا ترا میدو ید و می خوا ست بداند برای چه او با سوفیا لور ن نان چاشت را صر ف‌کرده .

باالاخره فرانك سینا ترا ازدست خبر نگار به تنگ آمده بود اورا به کنار ی کشید وگفت :

ـ حا لا که شما واقعا علاقمندید بدانید که به چه واسطه اس‌باسو- فیالور ن غذا خورده ام وچو ن من؟ بینم پسر خوبی هستی حا ضر م راست بگو یم .

خبر نگار فورا گو شها ی خود را خو ب متو جه حر ف هـای آن ساخت و کا غذی رابرا ی یاداشت آماده کرد .

فرانك سینا ترابا خو نسرد ی گفت : علت اصلی این بود که‌ماهر دو مانده خیلی خسته شده ایم می خواهم که در با غ خستگی ما رفع شود .

زن به شوهر : دیگر لازم نیست که‌تنها بروی و بعد از این مجبور هستم ترا تادفتر همرایی کنم

بلی خواهر جان شوهرم بسیارآدم خوب است هر وقت که آفتاب دادن به‌لب بحر می آیدخودرابه مطالعه مصروف می سازد

چار ماه میشود که مریض هستم

در یکی از صبحگاه که تازه آ فتاب‌بشاخه‌های درختان جنگل تابیده بود ، موشی چشمه‌با یك فیل بر خورد کرد ... موش‌بدیدن جثه عظیم فیل ، با تعجب نگا انداخت و گفت :

ـ اوه ، تو چه بزرگ و قوی هستی ؟ فیل هم نگاهی به موش انداخت وتوجه کوچك و ضعیف و ریزه میـزرهستی ؟

موش باتاثر سری تکانداد و گفت :

ـ آره .. میدانم ... آخر سه چار مـاه‌بود که مریض بودم !

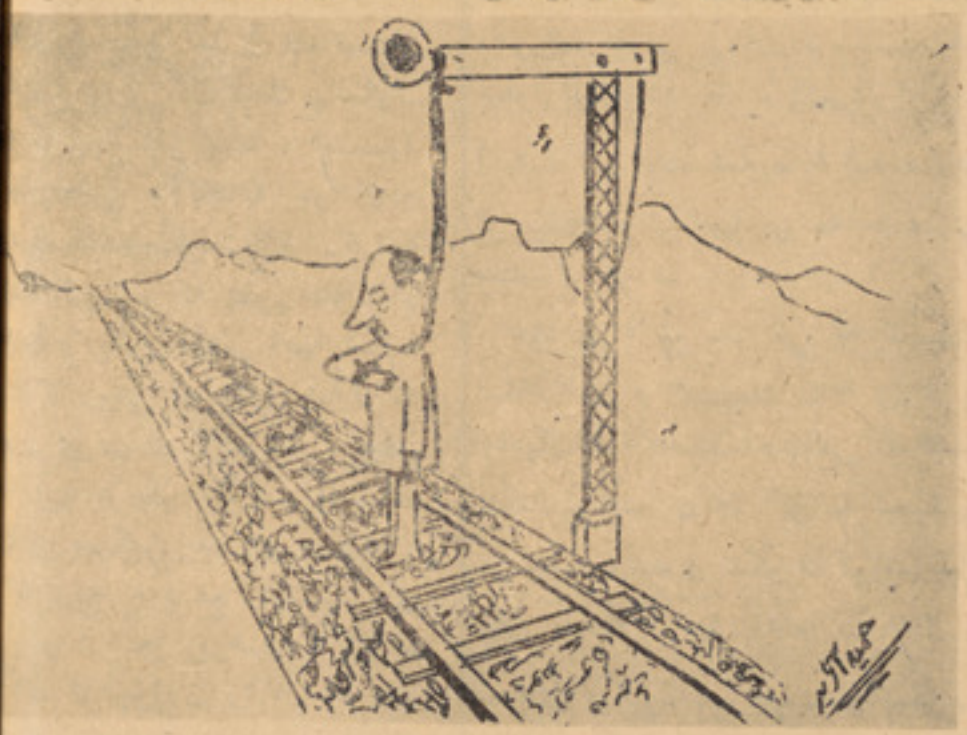

دیگر صبر نمی کنم واین خـودکشی از خاطر زنم است که لباس عروسی بـرای طوی بـرادرخود جور نکند .

مردی جدی

مرد صبح که از خواب بیدار شد، را ننده‌اش را صدا کرد و گفت :

ـ بازم که دیشب مشروب خورده‌بودی ؟ راننده جوابداد :

نی قربان .. باور کنین ابدا لب‌بـــه‌مشروب نزده ام !

ـ بسیار عجیب است ... توخودت‌دیشب‌اقرار کردی !

راننده بسیار جدی جوابداد :

ـ باور نکنین قربان ... چون آدم درحال‌مستی بسیار کپ میزند .

عزیز : چرا ناراحت میشی ؟
خدمت خواست که ماچ کردن را یادبگیرد .

مردخواب‌دوست

در اداره روبه همکارش کردوگفت :
...امروز برای او لین بار صبح
زنگدارم ، مرا از خواب بیدار کرد .
رش پرسید :
طور ؟
سر تکا ندادوگفت :
زم آ نرا به کله ام کوبید !
سال داری ؟

نمی دانم صاحب :
ـ چطور ممکن است که آدم سن خودش را نداند !
بچه جوابداد :
راستش را بخواین آ قا، چیزی که من میدانم این است که وقتی بدنیا آمدم مادرم سی سال داشت و حالا بیست وپنج ساله اس .

از مستا جرین که جدیدا اپار تمانی بود، روبیکی از بچه های همسایه پرسید :
بچه چند سال داری ؟

خسین شما امروز دو باره می‌آیید‌یانی امروزشیرنی خوری‌برادرم است‌من‌میروم.

بازهم سر و کله تو پیداشد

دونقاش راجع به شاهکار یهای خود صحبت می‌کردند ... یکی از آنهاگفت :
ـ من یکروز عکس مادرم را در روی تابلو بقدری طبیعی کشیدم ودر اتاق گذاشتم که وقتی ز نم وارد شد، با عصبانیت روبه‌تابلو کردو گفت :
ـ باز هم سر وکله تو پیدا شد ...
خود بعد چه گفت :
وبعد با ناراحتی و عصبانیت لنگ‌کفشش را به‌روی او آنقدر کوبید که تابلو تکه‌و پاره‌شد.
نقاش دومی لبخندی زد و گفت :
ـ ولی این چیزی نیست .
ـ چطور ... این مهم نیست ؟
ـ نی جان ... برای اینکه من عکس‌خودم را روی یك تابلو بقدری طبیعی کشیدم که شب اول زنم دستش را دور تا بلو حلقه کرد وبوسه‌یی به آنزد و گفت :
ـ عزیزم : برای چه رنگ بوی میدی... بیا بریم بخوابیم .

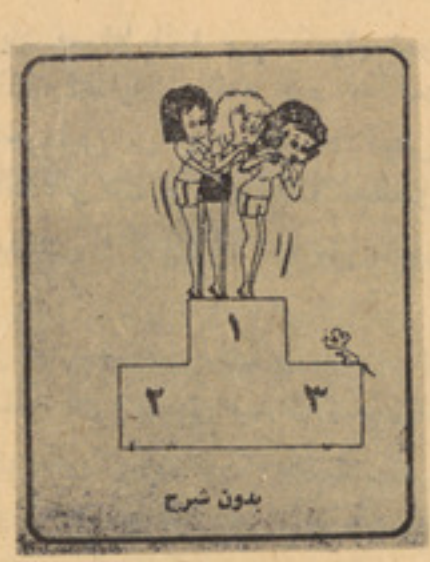

مردبه زن : پس من چه‌کارمی کردم اول اوخودش شروع کردگریان کردن راپس هرقدر کوشش کردم که خاموشش کنم نشد .

پدر جان دوهزاربرایم بدهید تا دستکش ولباس اسکی بخرم :
مادرش ترا بخدا برایش بدهید که بچه پس رفته نشود .

زن اولی به دومی : آن مردکه سرجه میخورد شوهرمن است دیگر پول باقی نماند برایش اسکی بخرم !!

زن به‌شوهر- عزیزم بیابیرون‌که اسکی ها امانت است اگربرایش ندهیم بدکار میشود .

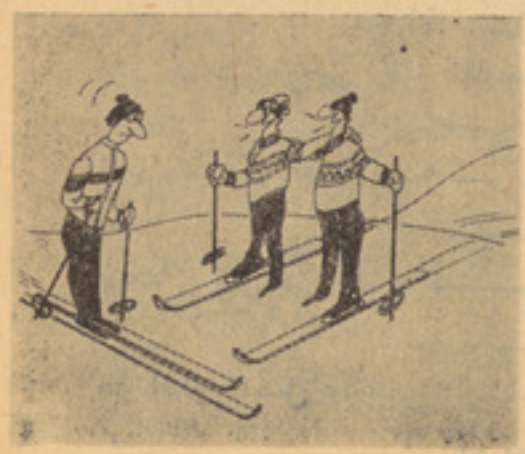

چون پول اسکی رانداشتیم ماهردوشریکی آنرا خریدیم !!

بقیه صفحه ۱۷

نثر آهنگین...

مشو ق قلم بدستا ن اند . مر جع‌واور گا نی است که سعی می ورزد ازموقف نویسنده در اجـــتما ع‌پشتیبانی کند وبه دستاورد کـا ر شاعر ونویسنده پا س بگـــذارد .اتحادیهٔ نویسندگا ن ، شاعـــر و نویسنده را از گمنا می نجا ت‌میدهدوتشویقش می نما ید .

* ـ چه کتابها ی را مطا لعه‌کرده‌اید وکدا م آثار مورد پسند تـا ن بوده‌است ؟

** کتـابها ی فراوا نی راخوانده‌ام‌واثر فنا ناپذیر ویکتور هـوگورا بیش از حد دوست دار م . بینوایان‌ویکتور هوگو دل سنگ را آب می کند . هنوز به خاطر م هست کـــه‌چگونه بالطف وشفقت میـــتوا ن انسان ددمنش وشرور رابه انسان‌مهربان و رو ف تغییر داد. کتـاب شعر میر زاده عشقی شاعر ایرانی‌را می ستا یم که علیه ظلم وستمگری داد سخن داده وانگشت انتقاد نهاده‌است .

همینگونه آثار چخو ف ، بالزا ك،جك لندن ، پوشکین‌وماکسیم‌گورکی را خوانده ام که فیض بسیار برده‌ام‌وافق ودید گاه ها یم را گسترش داده‌است . مجلات وجراید وروزنامه‌هارا هم مرور میکنم واز آنجا ییکه علم ودانش راپایانی نیست تشنـهٔ‌آثار ارزشمند ی هستم که برمعلو- ماتم بیفزا ید واز وقایع دا غ روز وجریانا ت ادبی کشور آگا هی بیا- بـــم .

* وحا لا از خود ، تحصیلا ت وهمکار ی قلمی خویش با جرا یـــد بگویید ؟

** مکتـب ابتدا ییه را درفیض‌آباد مسقط الرا سم تکمیل نمود م ویك سا ل هم در متوسطهٔ آنجا که‌تازه گشایش یافته بود به تحصیل پرداختم اما نسبت کمی‌نصاب‌تعلیمی‌یاهردلیل دیگری متوسطه فیض‌آباد لغوشد وبا همقطارانم به وعده مقا مات آنو قت برا ی ادامه تحصیل به کابل فرستاده خوا هیم شد که‌نشدبعد درسا ل ۱۳۲۷ شا مل ماموریت شد م .

از سا ل ۱۳۳۵ همکار ی ا م رابا روز نا مهٔ بد خشا ن شرو ع‌کردم که در سا ل ۱۳٤۰ این همکار ی‌به‌همکار ی شعر ی مبد ل شد وتاحال ادامه دارد . آثار م به صور ت‌پرا گنده از آنروز ها که نخســـتین ((شعرك)) هارا گفتم تابه امرو زدرروز نامهٔ محیطی بدخشا ن ، روزنامه های مرکز و رادیو افغانستا ن نشروپخش گردیده است .

نمونه کلام :

کنو ن بنگر که هـــر سو کـــارجـــاریست
تر قی این‌ز مـا ن بهتر ز پا ر یســـت
همه در یك هد ف با عـــز م‌محکـــم
به کار آغشته‌در شهـــر و صحـــار یست
تپید ن هر کجا بینـــی زیاداســـت
از آنکه قـو م‌مـا مر د ا ن کـا ر یســـت
پژو هشـــ پیش رفته فضـــل‌یاری
جـوا ن‌و دخت افغـا ن در تیا ر یست
اسا ســ ار تقـا ی هـــر دوعـا لـــم
همیـــن‌علم و همین دا نش شعاریســـت
خطـا بـــی می کنم با نســـل‌افغـا ن
منا ســـب‌بر شما فر صت شمـــار یست
هر انکو تنبـل و عـــز لـــت‌گزین شد
نه بیندرو ی خو بی بل بخوار یســـت
گر یزا نـم ز جمـــع مفـــت‌خـــورا ن
از نکـــه‌صحبتش چو ن زخم ساریســـت
به دهقا نی بکن پیو ســـته‌کو ششـــ
که کار شـ‌بر همـــه یـك پر ده داریـ
ز انوا ع حـــبو ب با ید بـــکارنـــد
اگـــرگـند م و یا جو یا جوا ر یـ
سعاد ت خوا ه قـــو م آر یـــابا شـــ
نگو یـــی‌کا ین بد خشی یا مزار یســـ
الا ای انکه دار ی فهـــم وا لا
بگو گفتار تو چو ن نخل‌باریـ
وطـــن چشم امید ی از تـــودارد
خرا به‌ما ند نش دا ن شر م ساریـ
با بنا ی و طن کـــن رهنمـــایـــی
که‌اینهم‌پیشـــه خـد مـت گذار ی‌اس
بحرفت گر عمل هم نیســـت((ناطق))
همین گفتن دلیل جا ن نثار

بقیه صفحه ۲٤

تربیت و تاثیر...

شوند آنها خودرا در ردیف بزرگا ن جا مید هند . و آرزو دارند به ایشان احترا م قایل شوند .

چون تجربه کا فی ندارند ودانش شا ن به پختیگی نرسیده ممکـــن است گا هی اعما ل خنده آور وگاهی تاثر آور از آنها سر بزند . که به وسیله ان اعما ل ـ آنها میخوا هند تا شخصیتی را که آرزو دارند ـ در محضر دیگرا ن تبارز دهند .

ـ تقلید از بیگا نگا ن ویا کشش به سو ی مود ها ی عجیب وغر یب لباس سگر ت کشید ن طغیا ن علیه مفکوره ها ی گذشته و قبو لاند ن شخصیت و امیا ل خود و غیره‌همه ازهمین جا سر چشمه میگیرد . .

گرچه عده ی از وا لد ین ایـــن موضو ع را جد ی گر فته ودرصدد اصلاح آن می برایند و لی عد ه‌ی هستند که در ین مورد بی اعتنا یی ازخود نشا ن داده خود واطفا ل‌خود را به دست قضا می سپا رند . و عده ی هم هستند که متا سفا نه‌با این پدیدهٔ همه گیر ـبر خورددرست نکرده و شیوه ها ی را پیش‌میگیر ند که نو جوانا ن آن را تحمل کر ده نمی توانند وبه سر کشی آغا زمی نمایند .

ـ بهتر است در ین گو نه مواقع باآنها محتر مانه صحبت گردد بـا حوصله مند ی وشکیبا یی توضیح داده شود وبه حر فها ی شا ن توجه وعلاقمند ی نشا ن داده شود و به آنها فر صت ارائه دلیل داده شود تادرجریان مباحثه ی طو لا نی‌قناعت خاطر شا ن فرا هم گردد به آ باید تا حد ی استقلال .در ا دوست و رفیق داده شود.وشخ شان احترام گردد.

ـ میتود اساسی نفو ذ در جوانان عبار ت از قنا عت به ثابت کرد ن و همچنا ن تو غیر مستقیم آنها می باشـــد هنگا م منا قشه هیچو قت والدین موثر واقع نمیشود .

ـ درین دوره انکشا ف و نوجوانا ن ار تبا ط مستقیـــ کمك ومسا عد ت والد ین دا والدین با ید علاقه ها ی‌نوجو را در زند گی عمیق سا زند وسایل خو ب آن سیر ها ی بازدید ازموزیم ها مشغو لیت موسیقی ـ رسا می ـ انوا ع تر بدنی خواند ن کتا ب و غیره باشد .

ـ بد نخوا هد بود اگر وا در باره انتخا ب مسلك و آین اطفا ل خود با آنها صحبت نما وآنها را متو جه باریکی این مس سازند . زیرا اغلب نو جوانا ن مسئاله راساده گر فته وبا بی‌توج وسطحی گرا یی‌به آن فکر می برعلاوه تجربه کا فی هم در ین ندارند .

ـ درین دوره تاثیر هم سا لا ودوستا ن همراه و هم نشین رانب نادیده گر فت . اگر نو جوا ن دوستا نی هم صحبت با شد ک اغلب رو ی مسا یل مبهم حیا ت علمی ـ اجتما عی وآمو زشی مناق وبحث نمایند . بسیا ر خو ب‌است زیرا این مسئاله قدر ت ذهنـــی استد لال شا ن را خو ب انکشا می بخشد .

آیا داستانهای عجیب ....

ایت آن که به سیر دایمی‌در میبر ند ، مثل گلها وانواع ن نباتا ت بارنگها وشکل زیاد ، بارنگ وبو ی زیبا که در بحرغوطه ورند .گیتی‌با گا ن ، سیارا ت و ستاره های دار آن ، انبساط و انقبا ض لایتنا هی ، اکتشا فا ت وعلوم بانسا ن ها ی دیگر ، وافسانه منسو ب با ن ها که برا ی گذشته سخن میگو یند ، و از وعلایم زند گی شا ن سخن ها ، میتوانند مو ضو عا ت‌جالب ند نی برا ی پیشکش نمود ن تن برای کودکا ن امروز باشند این درست است که درهند- ن ((مر تا ضا ن هند ی)) میتوا نند برا ی چند روز ر زمین دفن شو ند ،و یابروی دراز بکشند ، بدو ن اینکه‌کدام ی احسا س بکنند ؟ آیا این وچاقو ها واقعا به بد ن‌شان سرود ! وآیا این مسئله انعکا- ت پدیده نوین علم اناتو می ، که توسط فرد ی که این سوز ن زنی را انجا م مید هد د میاید ؟

ازین مسئله پشیما ن نیستم گو یم کود کا ن باید در رو ی زند گی کنند ، البته نه بشکل ه های یخ مجزا از دیگران ، ن داشتن اطلاعا ت در باره‌تمدن م دیگر ، وبدو ن دانستن‌نکاتی ه کودکا ن همز ما نشا ن، واز لاتی بی خبر با شند که هرروز واجه ورو برو هستند ،ومحنت اکثریت جها نی را نشنا سند، باید بدانند که تما م جهان با ن ها ست ، و آنها با صا ت خویش جز ء اسا سی ی جامعه بشر ی را تشکیل هند .

علاوه : باید خوا ب ها ی‌طلایی ا ع وابدا ع وجود داشته‌باشد کار انسا ن را آسا ن بسازد طو ل عمر ش بیا فزا ید :

ختراع عرابه که انسا ن رابه تن گاد ی وترا کتور وبا لاخره تگاه عجیبی چو ن تیز رفتا ر ت نموده‌است، و همچنا ن‌خواب لیونارد داو ینچی ، وژو ل‌ورن در باره پر نده‌گان فضا یی نه تنها مارا به شکل ابتدا یی طیاره‌رهنمایی نموده ، بلکه با عث آن شده که با عملیا ت خستگی ناپذیر منظو مه شمسی را دریا فته ، وبد نیا های دیگر راه گشا ییم .

امپیر ، لو میرو مار کو نی‌خواب های بسیار ی دانشمندا ن را به واقعیت قابل لمس بد ل سا ختند ، وما هم زمینه ها ی رویا و داستان های حیر ت انگیز رامیتوا ن بگو نه روشن باطفا ل پیشکش نموده ،تا تکنو لوژی پیشر فته برا ی شا ن قابل پذیرش ودر ك گردد.

برا ی کودکا ن خالی از دلچسپی نیست که بدانند تا سیستم برقی قلب کشف گردیده ،و نبض و حر- کا ت‌آن توسط دستگا هی کنترو ل کننده هدایت میشود ، و نکا ت دیگر ی درین زمینه ها که بسیا ر است .

پیدایش ماشین بخار نقطه عطف بزرگی درد گر گو ن نمود ن زندگی اجتماع ی بود ه ، و چه اندازه‌رویاها وفر ضیا تی که دران تحو ل بارور گردیده است ؟

خیلی پیش رهبرا ن کار گران جها ن زند گی بهتر وانسا نی‌تری رابرا ی انسا ن پیش بینی کرده اند وبزرگترین نما یندگان فلسفه مار- کسیزم از چشمه های جوشا ن‌این علم جر عه ها نوشیده اند ، که‌برای قرن ها ماندگار بوده وپر از گرمی است ، و همچنا ن مبارزا ت گونا- گون بشر ازان پی گیر ی شده ومیشود ، واین ما مو ل تو سط نیرو مند ی و ذکا و ت ووجدا ن آگاه کار گرا ن و دهقانا ن برآورده گردیده است .

آنها دریچه یی پیروز ی و فتح را نه تنها در بخش تیور ی فلسفه مار کسیز م بلکه در موردتحکیم وهمبستگی کمپ سوسیالزم‌گشوده اند .

بر همین انگیزه برا ی من آشکار است که در آخر و حله با یستی مسیر ی جا ذب وگیر نده‌برای‌امروز کودکان پیشرو ی شا ن باز نمود ، طبعیتا از جوا نب مختلف چنین معلو م میشود که باید این مسیر شگوفان ، از گز ند بمب های‌ساخته شده ویا سا خته نشده در امان گردد .

بیایید که بنگریم چگو نه سنگ ها به بلور تبدیل میشو ند،وچگونه درخت ها نمو می کنند ، گل میدهند میوه میکنند ، وبا لاخره نفس می کشند و چگو نه گل به میوه بد ل میشود ؟

اجازه بد هید که مار کو نی‌های دیگر ، ولیو نارد ها و امپیر ها و لومیر های دیگر بیا یند ، تا روشنی وآواز رابما بد هند ، والفا ظی رابه ما بیا موزند که بسطح جها نی بین خود اعتماد ی واقعی کسب کنیم و آینده ای بدو ن گر سنگی ،جهالت وفرو مایگی داشته باشیم .

بقیه صفحه ۳۷

موتر،شهر ...

در اتحاد شورو ی برا ی اینکه معلو م شود را ننده قابلیت رانندگی را دارد وسایل ماشینی ایجاد شده است در مجارستا ن و سیله ایجاد شده که با عث میشود در حالت رانندگی یك نوا خت مانع به خواب رفتن راننده شود . اما بهر صورت تا امروز وسایل و تدابیر عمدهٔ درین زمینه پدید نیا مده تا بشریت از خطر حواد ث ترا فیکی دراما ن بماند .

در سا ل ...۲ تعداد مو تر های تیز رفتار در اتحاد شوروی از چهل تا پنجاه میلیو ن عراده خوا هدبود وباوجود گستر ش خدما ت ترا - نسپور ت عمو می موتر ها ی تیز رفتار شخصی بیست چند خوا هد شد ، تنها در مسکو این مو ترها به یك سا حه پنجهزار هکتار ی ضرور ت دارد .

موضو ع سفر سریع ومطمئن در شهر ها ی بزرگ از طر یق‌بکار انداختن ترا نسپور ت عمو می‌سریع می تواند حل شود .ایجادترانسپورت بدون عراده و سر یع اکنون صرف یك خیالی نیست . ممکن است در سالها ی نزدیك کا بین ها ی‌آرا م وغر فه ها ی دارا ی پنجصد کیلومتر سر عت در فی سا عت در اکثر شهر های جها ن رایج گردد . در اتحاد شورو ی تجار بی در ین زمینه صور ت میگیرد،با بکارافتادن کابین ها ی آرا م وسریع و پروا ز های پیهم طیارا ت در مسا فه ها ی متوسط مشکل بشر یت را تا جا ی زیاد حل خوا هد کرد . همین قسم برا ی طی مسا فه ها ی کو تاه ، مترو ها و کا بین ها ی سر یع بهترین وسیله خوا هد بود .

آورد ن کا هش در ترا فیك مزد حم شهر ی با ین معنی است‌که شهر ها آرامش بیشتر میبا بند وآن روز دور نیست که کا بین های سریع بدون صدا شبیه طیا رات بدو ن با ل در شهر ها ی بزرگ به حرکت افتند . به کار افتاد ن وسایط نقلیه جدید هم برا ی‌زیبایی شهر و هم صحت مرد م مفید است زیرا از آلو دگی محیط ، گردوخا ك ودود و همچنان سرو صدا به کلی می کا هد .

این پروگرا م می تواند پیش از آنکه سرا زیر شد ن میلیو ن‌هاتیز- رفتار سر ك ها وجاده ها را فرا - گیرد ، عملی شود . قد م او ل‌درین زمینه طرز دید انسا ن را در باره جریا ن موجوده ترافیك تغییرخوا- هد داد وآنرا آماده پذیر ش راه و رسم نوین خوا هند ساخت .

جواب به نامه های شما

سلام علیکم همکاران ونامه نویسان •
بانثار درود های‌آتشین به شما همکاران عزیز شروع می کنیم به‌پاسخ نا مه ها :

دوست عزیزاسدالله مفتون محصل‌پوهنځی فارمسی چکامهٔ عاشقانه ات راباهم میخوانیم:

دیشب که تو مست از می‌ناب شدی •
آرام و قرار این دل بیتاب شدی
چون کشیدم تنك در آغوش تـــرا
لرزان و بیقرار چو سیماب شـــدی
چون شدی مست زرخ افگندی نقاب
زیبا و دلکش چو جلوه مهتاب شدی
مستانه خندیدی‌ورقصیدی با ناز وفسون
که برسر لطف وگه بر سر عتاب شدی
باتگاه مست وآن لبان می‌پرست
یکتاوبی مثل چون گوهر نایاب شدی
«مفتون» نوشید بادهٔناب‌از ساغر لبهایت
آن گاه که توخراب ازمی نـاب شدی

وحالا که فرصت از دست رفته میسر است سلام هم برایت میگوییم • وخداقبول فرماید آنگاه که لولی مست ، نقاب به یکسو زند وچهره بنماید جزپاره سنگ بـی رمـــق و لطف چه میتوان دید ؟ آنان معشوق‌شاعران مان راهم از دست شان گرفتندوکی میتواند بگوید : «زیباودلکش چو جلوه مهتاب‌شدی»•

دوستان عزیز روشانه رزین و حمیده‌مبارز همکاران خوبمان‌این حقیروفقیر را با محبت های دوستانه شان خیلی نوازش مینمایندو میفرمایند :«••••» پاسخگوی عزیز ودوست داشتنی • خیلی مسر ورم از اینکه از طریق نامه میتوانم هفته یکبار شمارا ملاقات میکنم اما متاسفم از اینکه روی مبارك شمارا دیده نمی توانم وبه آرزو هستم که روزی بینم خدا ک ند شما هم در قابل احساس و علاقه من نسبت بخود تان بی احساس نباشید و حقیر نشمارید واین منتهای علاقمندی است نه چیز دیگری •

نمیدانم نامهٔ قبلی من بدسترس تان قرار گرفته یا نه ؟ خدا کند مطالبش مورد نشر باشد •••»

راست بگوییم ماهم خوشحالیم که هرهفته یاهفته یی در میان ، پذیرای نامه های شما عزیزان باشیم وچه بهتر اگر میتوانستیم شما دوستان مهربان را هم می‌دیدیم ، با آنهم صورت تانرا در نامه می‌یابیم و احساس‌شما رادرك می‌نماییم مگر نگفته اند که نامه‌نصف دیدار هست ، بهر رنگ مطالب خوب انتخابی خویش را در صفحه «از میان فرستاده های شما» مطالعه فرمایید • به امید همکاری شما، سلام نگفته را حالا میگوییم •

دوست عزیز آمنه دوستیار

باسلام عرض شود که «شعر ورسم » شما را گرفتیم ، چیز های دیگری بفرستید:

آنکس که دلی بدست آورد •
با مهر خدا ی خویش پیوست
تا کام نگردد از محبت
آنکس که زجام دوست شد مست
به امید همکار یهای ثمر بخش تان

دوست عزیز بل بیر سینگ پهواه

همکار شریف و خوب ما مینگارد: «... من به نویسندگی علاقهٔ خاصی دارم واز دیـــر گاهی مینویسم • دود استانم درسالهای‌پیش در کمکیانو انیس به نشر رسیده است • فعلا که‌به جوانی رسیده ام تابه حال سه‌ـ داستان دیگر نوشته ام که مورد پسنددوستان و خویشان قرار گرفته است • دوستانم نظر دادندکه این داستان رابه ژوندون بفـرستم تابه‌نشر رسد . جوابگوی محترم اگر داستانم قابل چاپ بود طرحی نیز برایش بریزید•••»

با عرض سلام اضافه کنیم که باپشتکارو تـلاشهای پی گیر میتوانید داستان نویس خوبی شوید • نخست خوبترین و بهترین داستانها را مطالعه کنید . بدنیست که از چخوف ، داستان نویس معروف شروع کنید• داستانها یش را بدقت بخوانید ، ببینیدچگونه شروع میکند و مطلب را چگونه بیان میدارد• داستانهای ماکیسم گور کی را هم ناخوانده تگذاریدوازدیگران‌راهم. امااز‌قصه های‌حیرت‌ـ آور امیر عشیری ، پرویز قاضی سعید و گرمانی چیزی نخوانید که دیدشمارابه بیراهه میکشاند • بخاطر تشویق و دلگر می شمابه نوشتن ، بخشی از نوشتهٔ تانرا به نشر میر سانیم :

دهقان

«آفتاب سوزان از خلال‌پردهٔ نازك خاکستری رنگ به دریای سبز فام این ده مینگریست. ازکلبه های گلی ومحقرخویش بیرون می‌آمدند چهره های سیاه رنگ و آفتاب سوخته‌شان هیچ لبخندی نداشت ،همهٔ آنها بیك نقطه‌جمع شده بودند که ناگاه شخصی مسنی ازمیانشان بیرون آمدو گفت :

مانباید زمینرابرای‌سیرنمودن شکم فیودالها قلبه کنیم، سالهای متمادی پدران ما برای تهیه نمودن غذا برای اربابان خویش کمرخم نمودند ، خود شان ازگرسنگی جان میسپردند ولی پاداش زحمت وکارخودرابدهن مفتخواران میا نداختند ، هر قدر کار میکردند به همان اندازه شکم شان خالی میبود درست مثل ماو شما ، مگر حالا وقت آنست که مادر مقابل چنین بیداد گری ها بپا خیزیم تانسل های آینده ما از گرسنگی ، وسر ماجان ندهند• ما شب و روز مانند ماشین یکنواخت کار میکنیم ، آنها می نشینند ومیخورند، ماعرق میریزیم واز هر قطرهٔ عرق ما مشروب‌مینوشند پس به چنین بی عدالتی ها خاتمه بخشیم‌وبا اتحاد همه یورش سوی این طفیلی هابریم‌و برای همیش آنها رانیستو نابود سازیم•

«هر دیپ پال » سواد نداشت ، مگر مدت که فکر قیام علیه زمینداران رابا اتحادسایر دهاقین بسر خود میپرورانید ، انتظار چنین روزی راداشت‌که درمقابل فیودالها ایستادگی نماید وبه‌کمك مردم،ده رازاچنگال فیو دالان بدر آورد • او درین ده تولد نیافته ولیکن بامردم رنجدیده و رنجکشیدهٔ این محل‌بسیار همکار بوده در درد و غم های شان شریـك بود ، در وجود ش ش ـعله های مبارزه وقیام برافروخته میشد لیکن نمیتوانست به تنهایی برعلیه این دژخیمان بپاخیزدبازن ودوپسرش از دیر زمان درین نواحی اقامت گزیده در طفولیت مادر ودر جوانی پدرش رااز دست داد وضعف اقتصاد اورامجبوربترك زادگاهی اصلیش نمود •

امروز تقریبا سایر دهاقین بخاطر شکوه از ظلم ، گرسنگی وشکنجه زمیندار به گرداو جمع شده بودند ، «پال» نیز آنهارا در راهٔ مبارزه و قیام سوق میداد ، از آنها خواستار همبستگی کامل بود ، در جریان سخنرانی زار عین بطرف یکدیگر نگاه های موافقه ردو بدل میکردند وهم میدانستندکه «پردیپ‌پال» شخص لایق و مبارز است که تا حـــال هر اقدامیکه نموده به‌نفع شان تمام شده به‌همین سبـــب جـــوانی با ریش غلو و چشمان سیاه رنگش از میان دهاقین بیرون آمـد و اعلام پشتیبانی از گفته های «پردیپ» نمود،

بدین منوال تمام دهاقین‌ابراز پشتیبانی‌نمودند وبایکصداچنان شعارزدند«مرگ‌به‌رنویرچمبل» وبسوی خانه زمیندار روان شدند •»

دوست عزیز محمد ظاهر ایوبی متعلم عمر شهید •

بـا سـلام صمیمـانـه عرض شود داستان کوتاه طنزوارهٔ تان بدبختانه زیادی داشت این مطلب عمده رادر نظر **که زبان نوشتار جزی از زبان است** زبان گفتار جزو دیگر آن . واینکه تان را به زبان گفتار و عامیانه می غلط محض نیست • درد استان و قصه شخصیت قصه ، گاهی از زبان گفتار میشود تا قهرمان قصه به وجه نیکوی گردد ••• اینکه میخواستید بی سوادی نویسان تازه کار را نشان بدهید ، کار بود ، اما نشا ن دادن آن به آنگونه نبود ، چونکه بفهمی یا نفهمی ، زبان را مسخره نموده‌بودوبس .امانخواستیم وچاپ آن نوشته ، زبان پربار کوچه بی اعتبار گردد وزبان روشنفکرانهٔ دیر ارزشمند شمرده شود، امیدواریم آن نوشته به شکل بهتری دو باره عرضه دارید بفرستید • اکنون چاپش را انتظار نکشید مطلب دیگری گسیل دارید •

• • •

همکار ارجمندمادرنامهٔ دیگر مینگارد : حکایت و قصه‌ی از چشمدید خود فرستاد که اگر لیاقت چاپ داشت از نشرش نورزید • میخواهم بگویم که یگانه هدف از نگارش این نبشته رویاندن لبخند بر دوستان است و بس • از علاقمندان خواستارم که اگر این حکایت مورد پسند می افتد بنویسند تا حکایات دیگر بفرستم کنم...»همکارعزیزچه‌درباب‌این‌نوشته‌گفتنی داریم اما با آنهم به نشرش همت میگماریم مشوره میدهیم که قصه های دهخدا، غزنین ، برا نسیلا و نوشیج ••• را بخوانید .عشق در لب سرك

«ساعت پنج وپانزده دقیقه بعداز ظهر است ، دختر در حالیکه چهره اش از پودرها مالا مال است ولب ها هم تا ها سرخ می‌زندباپطلون چسپ گوبانی‌ویخن ۷ گشاده به تن از مکتب خارج می بی خود بنظر می‌رسد •

نمیدانم که درلب سرك ناز وکرشمه می‌کند ویا اینکه می‌خواهد در آینده اکتر سینما شود واز همین حالا تمرین می کند آنطرف کمی دور تر از مکتب جوانکی

سرود هستی

ن بدیده کشم سرمه ، خاك کوی‌ترا
آب خضر نمی بخشم ، آب جوی تـــرا
ا بنام شکوهمند وپاك تـــو سو گند
سر ببالش حسرت کنـم عدوی ترا
ن سعادت جاوید مر ترا خواهـــم
وغ دیـــده کنم جلوه گاه روی تـرا
ر شك دیده زمستی بیاد تو ر یزم
سر کشم زوفـا بـادهٔ سبوی تـــرا
ر به لجهٔ احساس دل روم چـــون‌موج
شم چو کو هر ازین بحر جستجوی ترا
ر آنچه می‌بکند ، جلوه از شکوهمندی
رفته است بخود، برك وباروبوی ترا
رودهستی من نغمه های‌عشق تو شد
، کهکشان زمان کـــی دهم شکوهی ترا
سرود مهر زمان خـوش نـوای آزادی
پخته دردل هر ذره های و هوی تـرا
را به عظمت «باباء و «هندوکش» سوگند
، غیر می ندهم تـار تـار موی تـرا
را به قلهٔ پـــامیر و عشق پـــامیزاد
که از هوس نفشارد کسی گلـــوی ترا
را به سندو هر یرود ر غرش آمـــو
که کس به بدنکند چشم خیره سوی ترا
را قسم به سلیمان و سخرهٔ سالنگ
که پرورم بدل وجان همیشه خوی تـرا
پشت، دشت وبه‌کهسارآسمان سایت
که جان دهم به رهت خواهم آبروی ترا
وطن ترانهٔ عشقت سرود هستی مـــن
کنم انیس دلم ، نام بس نیکوی تـــرا

سید شر بت باقری از بدخشان

رد نمیدانم که دختراست یاپسر موهایش
، چرك وچتل با پطلون کوبائی کثیف
لگر می‌کنی که شاید شاگرد مستری‌باشد
مستری خانه گریخته با پیرا هنی که
دکمه ندارد ، بفاصله چندین متراز
مانند پشکی که برای موش در دهن
اش کمین مینماید درآن جاکمین گرفته
. بمجرد رخصت شدن دختران از مکتب
وشانه رااز جیب بیرون کرده‌ودر لب
خودرا آرایش می‌کند . و هنگامیکه آن
ه ونازدختر «اکتور آینده» رامی بینـد
وی در حـرکت می افتد و موقعیکـه
زدیکش میرسید اورابشدت شانه می‌زند.
ختر در حالیکه افکار شده:الله چه‌بلاستی
خود خوار و مادر نداری خاك دسرت ،بی
ه ره ، نمی شرمی که دختر هاره شانه
ی ؟

جوانك :ـ سیل کوچه خوب گپ می‌زنه،
خوب صدا داره مه قربان صدایت شوم ،
چقه مقبول است . قند ولکه . دختر
، اش را پر چین و چروك ساخته ، لم‌داده
اش می‌رود اما جوانك ژیگلوکی ماندن
اش است . از پشت او مثل که سگ
صاحبش بدود ، براه می افتد و عوعو
کرده روان است که ، قربانت شوم ، دوسته
دارم ، چقه مقبول‌استی، مه زغمت دیوانـه
شدم .

دختر رویش را بر میگرداند وبا عصبانیت
می‌گوید :ـ

برو گمشو رنگته گم کو ، بلا دقواریت ،
الله چقه بیشرم استی .

جوانك که دانست از ساحه مکتب بدور
رفته پشت اورارها کرد وپس بسوی مکتب
روان شدبعدازآنکه باعث‌اذیت چندتای دیگر
گردید، جوانك‌بخانه‌رفت . روزدیگرباز همان
خرك ودرك ، ولی جوانك اینبار کمی خود را
لوکس کرده و یك جمپرکه‌پشت و پیشرویش
شمع وپروانه وقلب تیرخورده رسم شده‌بود
با پطلون که وضع‌آن هم بدتر از جمپرپروانه
دار بود در همان جای سابق پشك واری‌منتظر
دختر ایستاده تااز مکتب بیرون آمد .

جوانك قواره کچالو مانـنـدش را درآیینه
دیدو مستقیما بطرف دختر روان شد .

سلام جانانه ای دادو گفت :ـ چطور استی
عزیزم ، دیروز خو خوب ناز کردی مگم‌هوش
کو که دگه ناز نکنی که دل عاشقه می‌کفانی.

دختر :ـ خاك دسرت باز آمدی ،قواریته
بیی، چه بلاستی ، بد قواره .

جوانك دست هـایش رادر جیب کرده ودر
حالیکه از خوشحالی بر سرپنجه هایش مانند
فیل مرغ راه می‌رفت واز خنده دهنش تاگوش
هاباز شده بود .وقواره اش هم شکل آدم
های فلم کار تونی را گرفته بود گفت :

اینه مه نگفتم که بازایتوگپ های بده نزن
که خوشم نمی آید، تره بخدا اگه دگه‌ایتوگپ
هاره بزنی، مه دوستت دارم ، بسیاردوستت
دارم تو بسیارمقبول استی، توقابل دوسـت
داشتن استی ، باور کو مه تره بسیار بسیار
دوست دارم .

دختر از این گپ‌هازیر لب خندید و بدون
آنکه جواب بدهد براه خود رفت .

پسرك هم که کمی رضایت طرف مقابل‌را
جلب نموده بود از خوشحالی نزدیك بود که
مانند پوقانه دیواری بتر کد .

دخترك کم عقل به خانه‌رفت وشب در خیال
پلوغرق شدوباخود وزوزمی کرد آنطور یکـــه
در فلم های عشقی دیده بود .

خیال پلو می زدکه باآن ژیگلوی کچـالو
مانند ازدواج کرده و زندگی خوشی دارد و
آرام و خوشحال است.موتر شیکی زیرپایش
قصر مجلل در اختیار ش ، از انواع واقسام
لباس هایش که شمارنمی شود ، گاهی که
خودرادر کنار جوانك می‌دید خوشبخت ترین
دختردنیابه‌تصورخود می آمد..اماخداخیرندهداین
(مادر کیك ها) را که مزاحم شد و خیال
پلو دخترك را نقش بر آب کرد .

صبح وقت دخترك از خواب بیدار شد .
لباس هایش را پطلون و پیراهن و غیره
پوشیدنی های امروزی خودرا چار پنج بـار
اتو کرد ، لشم و بل بلی (دغم پیسه برق
هم هیچ نبود ، او چه پروا داشت .)

لباس هایش را که اتو کرده بود به یکسو
به احتیاط گذاشت تا چملك نشود . خودش
که اصلا با نام درس وتعلیم آشنا نبـود و
مکتب را جای روز گذرانی فکر کرده بود .
دستکـــول خـــود را کـه بجز ازلب سیرین
کریم ، رنگ ناخن ، قلم ابرو و غیره لوازم
آرایش نشانی از قلم وکتاب و کتابچه درآن
دیده نمی شد مرتب ساخت و ساعت موعود
که فرار سید کالا را به جان کرد بکس‌آرایش
مکتب را برداشت و مکتب رفت . در صنف
هم قصه آن جوانك در فکـرش بـود کـــه
اورا دوست دارد وبسیاردوست دارد، واموا
ساعت رخصتی رسید .با خوشحالی تمام‌از
مکتب بیرون شد .ازدوردید که جوانك (مگس
هر دوغ) درجای سابق (وظیفه‌دار) است .

برای اینکه نزد حریف کم نیاید خود را
پنداند وبه همان شکـــل خشمگینانه دیـروز
وپریروز به راه خود روان شدو جوانك از
پشت سراو.بالاخره‌جوانك درحالیکه حرکاتش
به رقص غربی می‌ماند به معشوقه (!) اش
گفت :ـ

عزیزم : حالی می فهمم که تو هم مره
دوست داری ، از همو لبخند های دیروزت
مه فامیدم که مره تودوست داری . مم تره
بسیار دوست دارم ، حالی خواهش می‌کنم که
بزبان خود بگو که آیا مره زیاد دوست‌داری؟

دختر با نازوکرشمه کمی باشرم وآهستگی
جواب داد ـ ها ، تره مم بسیار دوستدارم.

جوانك که کارش را ساخته دید گفت :ـ
خی ، عزیزم فردا می‌آیی‌که بریم چکر بزنیم.

دختر با آهستگی :ـ ها، مگم دکجا ؟

جوانك ژیگلوبا خوشحالی:ـتو قبول کردی؟
قربانت شوم . سبا ساعت ۱۲ ونیم رو بروی
سینما پارك .

دختر: ـ ساعت ۱۲ ونیم ؟ مکتب چطور
میشه ؟

جوانك به تیزی در حالیکه از خوشحالی
جمنا ستیك می‌کرد جواب داد :ـ

هی تو دغم مکتب هستی ، مکتب چیست؟
اونا که درس خاندن چه کردن که تو بکنی؟
اینه مره ببیی چار ماه میشه که مکتب ها
شروع شده هشتاد روز غیر حاضر هستم
(افتخار کن) درس خاندن چه بدرد می‌خوردو
مکتب رفتن چه فائده داره ، زندگی دو روز
است ساعتته تیر کو ، تو بیکار ماندی که
مکتب میری .

دخترك بی مغز که کله اش از کاه پر بود
ویا کدو کله بود به دو کلمه فریب خوردو
قبول کرد و دیگر با درس که دشمنی داشت
با مکتب هم خدا حافظی کرد .

آن دو دلداده ! که عشق شان از لبسرك
آغاز شده بود ، فردای آنروز ساعت ۱۲ ونیم
رو بروی سینما پارك حاضر شدند.

جوانك با پولی که از جیب پدر بالا رفته
بود . همبرگر ، ساسج وچپس گرم برای
حریف خرید وبعد به تماشای فلم هنـدی
رفتند . روز ها به‌همین‌ترتیب گذشت .دست
بدست گاهی در کنار سینما پارك و موقعی‌هم
در پهلوی هوتل باغ بالا بودند ،یکروزجوانك
پیشدستی کرد و دستش را بگردن دختـرك
انداخت و اورا بوسید ، دخترك کمی شرمید
اماروز دیگر شرمی در میان نبود ...

بالاخره رابطه هابر قرار گردیدو روز های
چندی هردو در پهلوی همدیگر بودنـــد و
خوشگذرانی کردند تا آنکه جوانك دختر را
ترك گفت . دخترکه‌آن ژیگلو را عاشق‌واقعی
فکر کرده بود . وقتیکه این بی وفائی رادید
لرزه بر اندامش افتاد و به مثل یخ زده‌ها
شده بود .

بعد از آن روز شب وروز گریه می‌کردواز
دهن و چشم وبینی اش خون سفید جاری‌بود.

دخترك چون دیگر چاره نداشت مجبوراً به
مکتب رفت یعنی چاره نداشت که مکتب‌نرود
زیرا چند روز بعد امتحانات شروع می‌شد.
چند روز بعد امتحانات آغاز شدو روزیکه
حاضری و غیر حاضری شاگردان را اعـلان
کرد دخترك محروم شده بود ..

وتا هفته آینده خدا حافظ شما

والسلام

مهد قدیم

ایـــوطـــن ، ایکشور افغا نیان
کـــوه ودشتت صحنهٔ رزم آوران
سر زمیـن مـــرد خیز ورزمجو
ما مـــن پرا بهـــت زحمتکشان
بودی تـــوام با شکوه و منـزلت
در طی اعصارو ادوار زمـــان
کـــرده نشات نور علم و معرفت
از تو بـــه آنسوی دور دست‌جهان
مردم تـــو در طریق امن و صلح
کرده جدو جـــهد دایـــم بیگمان
دارند عقیده به ایـــن اصل نیك
«صلح و دوستی باهمی بادیگران »
قوم افغان دوست دارد خاك خویش
بوده دایـــم در صف آزاده گان
کرده دفـاع از حق و ناموس‌خود
داده مصاف با صف غـــارتگران
میشود آبـــاد ایـــن مهد قدیم
با تلاش وسعی قشر نو جـــوان
دارد بس آثـار از عهد عتیـــق
نازد به آن غزنـه وهـــم بامیان
افتخار باستان ایـــن وطـــن
است مشهور جهان ایدو ستان
بوده ورا بس شکوه و هم جلال
وزمدنیت هـــای عصر بـــاستان
کوشش «جولان» درطریق معـرفت
تا رسد نفعت به همـه مـردمـان

اثر : عبدالجلیل (جولان)

بقیه صفحه ۱۴

نگاه بتاریخ چند...

وروحانیو ن علیه اپار تا ید صریحا توضیح شده و میشود .

در تحت چنین شرایط بحرا نی هم بورژوا ز ی بزرگ افر یقا ی جنوبی به نیرنگها ی گو نه گو ن‌در پی چاره جو یی برا ی حفظ منا فع آزمندانه شا ن بوده و((ستراتیژی جامع)) بوتا در پی نظا می نمود ن بیشتر از پیش‌سر رتا سر ی کشور می باشد . با آنکه در زمینه‌انکشاف اقتصادی اجتماعی و ملی ا فر یقای جنوبی تدابیر لازم اتخا ذ نگردیده مگر به ارزش ملیارد هادالریك‌شبکه بزرگ صنعت تولید مهما ت وسلاح های نظامی به خاطر الحاق نیروی دولتی بانیرو ی انحصارا ت وسر کوبی نهضت رها یی بخش ملی قبلا درین کشور تاسیس گردیده است.

شرکت ار مسکو ر که کنترو ل کمپنی های تولید کننده سلاح ، مبارزه علیه ما شینر و تو ضیح تقا ضا نا مه ها میا ن کمپنی‌ها ی تولید کننده سلاح در آن را عهده دار است درسا ل ۱۹۶۸ ع سی ودو میلیون راند (واحد پول افریقای جنوبی) و۷۹۷ میلیون راند رادر سا ل ۱۹۷۹ مطا بق تخصیصی که برایش منظور گردیده بود بد ست آورد علاوه بر آنچه گفته شدکمپنی مذکور کار (۹) کمپنی تو لیدکننده سلاح (دولتی) را هما هنگی‌بخشیده وبرا ی یکهزا ر و دو صد فابریکات شخصی که سلاح تو لید میکنندفر- مایش تهیه سلاح را تدار ك میبیند وشرکت مذکور برا ی انجا م اینهمه کار ها یش یکصد هزار نفر را به کار گما شته است .

باید گفت که بخش اعظم محصو- لات صنعتی بیش از چهار هـزا ر فابریکه افریقا ی جنو بی راوسایل وسا یط و مهما ت نظا می که ازهمه آنها به مقا صد تبعیض نـژاد ی استفاده بعمل می آید تشکیل مـی دهد .

از سا ل ۱۹۷۹ بدینسو هفتادو- پنج تا هشتاد در صد کلیه نیا ز مندیها ی رژیم نژاد پر ست‌افریقای جنوبی در خود آن کشور تو لیـد شده و ما بقی آن را باتخطی‌ازفیصله نامه ها ی سازما ن ملل متحد کـه فروش هر نو ع سلاح رابر ین‌کشور ممنو ع اعلام کرده انحصارا ت‌امپر- یالستی غر ب تهیه میدا رند مگـر بیخبر از آنکه اینهمه تلا شهـا ی خاینا نه و مذبو حا نه احمقا نه‌بوده ودر مد ت زما ن کوتاه نظا م‌خونین ونژاد پرست افریقا ی جنو بی به شکست قطعی موا جه شده و وارثان اصلی افریقا ی جنو بی حاکم بـه سرنوشت شا ن میشو ند .

بقیه صفحه ۱۲

دست‌ها و تارها..

نیرو ها ی ((سحر آمیـز)) را در اختیار دارند در راه بنیاد موا نـع فراوا نی ایجاد میکنند ، امابا لاخره باهمکار ی صمیما نه سیمر غ کـه کودکا نش به وسیله بنیاد از آسیب «مار» ها نجات ، یافته است، دیو به دست بنیاد از میا ن میرود و با نیستی نیرو ی اهر یمنی‌مرد م‌شهر ((شکوفان)) نیز آرا م میگر دندوبه زند گی شاد خود ادامه مید هند.

می بینیم که در تیا تر گود ی‌ها با همه سادگی یی که مو ضـو ع نمایش دارد وباآنکه حیوانا ت ،دیو ها،غول ها، و مسایل جادوو سحر درآن نقشی سنتر گ دارند هیـچ یك از این ها به عنوا ن شخصیت فرد ی پادر صحنه نمیگذار ند ،بلکه بـرای ارائه مفا هیمی از ا نسان دوستی آزاد ی خوا هی ، صلـح پسند ی والقا ی آن در ذهن‌ناپخته نو جوا ن در پشت هر یك از آنا ن مفا هیم بزرگتر وپیچده تر قـرا ر گرفته است ، چنانکه دیو فقط یك موجود افسا نه و ی نیست بلکـه نمادی است از نیرو ها ی‌اهریمنی وضد مرد می ویا سیمر غ کـه در همه ی مبارزا ت پیروز میگرددنشانی است از پا ك نهاد ی و به‌خوا هی برای مرد م و می بینیم که دراین مضمون ها همه جادو نیرو یک اهریمن شیطا ن منش و جاه ط ودیگر ی اهو را مزد نیك خوا نیك اندیش با هم در نبردند وب خر نیز پیروز ی از آن آنا نی ا که در جهت حق وداد ونو ع‌خو وانسا ندوستی گا م گذارند .

زبا ن نیز در تیا تر گود ی‌ز است نیرو مند و توانا و شعر زبا نی که ویژ گی ها ی خا ص این نو ع تیا تر به مقایسه انـ دیگر تیاتر ها ی نو جوانا ن م بخشد ولذت شنـوی را بـ نگر نده افزو ن میگرداند .

با آنچه که گفتهٔ آمد تیاتر گ در بلند برد ن سطح آگا هی بی خاصی خود ودر در ك مفا هیـ ارزش ها ی اجتما عی ، فر هنگ سیاسی اش و آنچه که میتواند یك جها ن بینی واقعی مفید با ارزش فراوا ن دارد .

امید واریم تبادله ها ی هنر فرهنگی کشور ما با دیگر کشور بیش از این گسترش یابد وبه اخص تر گروه ها ی هنر ی و کودکا ن ونو جوانا ن بیش از در کشور ما موقع هنر نما یی وبرا ی به وجود آور ی تیا تر از اینگو نه مو سسات‌هنری ما گامهای استوار بردارند.

بقیه صفحه ۴۱

چرا فرجام...

خونش رامیکده بابی مرو تی باسفا- هت تما م عیار و با و حشیا نه‌ترین شیوه انسا ن کشی .

آری ! هیچ حیوا نی نمیتوا نددر نقش یك انسا ن باشد ، و لی‌بسی از انسا نها ی د دمنش هستندکه نقش یك حیوا ن وحشی درنده‌خو را ایفا ء میکنند نفر ین به ایـن ددمنشا ن دوپا ء درود به روا ن پاك‌ومقدس‌شهید میهن که تاآخرین رمق‌حیات خلقها وتوده هارا از یاد نبردازینرو خلقها وتوده‌ها نمیتوانند اوراازیاد ببرند، تاریخ جاودانه اسم پرافتخار شهدا ی راه انسا نیت و آزادی را در سینهٔ خویشتن حفـظ خواهد کرد وآنرا به مثابه مبشرپر افتخار جامعه نوین بزرگ خوا هند داشت وجلادا ن اورا بر تختهٔ ننگ ورسوایی میخکو ب خوا هندکرداگر بالا ترین معیار انسا نیت ، اگـر بهترین معیار انسا ن دوستی وهوما نیز م ،واگر سنگ محك خد مت‌به خلق وتوده ها سرباز ی به‌مفهـوم واقعی کلمه آن باشد ، این شخصیت سترگ و هر شهید دیگر که ایـن افتخار را دارد پس خا طره تابناك شهدا ی راه آزاد ی وانسا نیـت- رابه مثابه بالا تر ین شهکا رانسانیت گرا می داشته و بدا ن ار ج‌بگذارید سر احترا م و تعظیم را در برابـر آرامگاه شا ن باید فرود آورد ، زیرا نام این سر سپر دگا ن راه‌انسانیت وآزاد ی در صفحا ت زرین وسرخ رستا خیز مرد م در زمره راد مردان دورا ن ساز تاریخی جاو یدا نه‌نقش بربسته است .

فیض الله (توده ای)

بقیه صفحه ۲۱

مکتوبات...

((آواز ی با طرا ف رفته است که کسی من بعد متعر ض حا ل‌تجار نمیشود ، بعضی از ایشا ن جسته جسته بدین جا نب متو جه میشوند اما بعضی از ... ظالما ن بهرنوعی که میتوانند ورای تمکه (وا حدپولی آنوقت) چیزی میستا نند، وتجاررا از آمد ن پشیما ن میسازند ... و ملازما ن حضر ت خـلافت پنا هی را ... از آن جز بد نا می حا صل آن ....))

این چند نکته با لا اشارا تی‌بود از اقتبا ساتی که معر ف نا مه‌های جامی بوده ، وعلاقه وروا ن بخشند- گی وشخصیت اورا نمایا ن میسازد.

به حیث یك همشهر ی خو ب ، او میخواست که مملکت خـود را ثروتمند وبا معا ر ف ، و تما م کنین آنرا خوشحا ل به بیند و علت است که او نزد مرد م عزیز بوده ،وایشا ن ضرور ت شخصیت انسا نی پیدا میکرد زیرا اویار و مدد گار آنها بـ است .

مدیر مسوول : راحله راسخ
معاون : محمد ز مـان نیکر
آمر چاپ علی محمد عثمان
آدرس : انصاوی وات جواررپا
مطابع دولتی ـ کابل
تیلفون مدیر مسوول : ۸۴۹
تیلفون توزیع و شکایات ۸۵۹
تیلفون ارتباطی ژوندون ۲۱
سوچبورد مطابع دولتی ۸۵۱

بقیه صفحه ۲۸

نامهٔ سرباز

فته بود . ما با لای شا ن تعرض
ردیم . میدانی هیچ نمیتوا نم
صحنه ها را برا یت مجسم
از م این صحنه ها وا قعاًتوصیف
پذ یر بودند . رفقای ما با شجا-
ع و دلیر ی به آخر ین سنگر
ی دشمن یو رش بردند . سنگر
ی شکستهٔ آنها در هم ر یخت
یب خور ده گان را باخود آور-
م و برای شا ن صحبت نمود یم
ها سلاح ها ی خود را برا ی ما
سلیم کردند . دو باره در قر یه
د کی عاد ی شرو ع شد. چند
ز بعد همه ما بطر ف مکتب
تیم کار سا ختما نی مکتب
شرو ع کردیم . میدا نی با چه
ور و هیجا ن اها لی مکتب
یر ان شد ه را آباد کردند . ما
ای شا ن خشت و گل میاوردیم
ا م اها لی داو طلبا نه پو لجمع
ری کردند ، چو ب ها را آما ده
ا ختند و با لا ی سقف ها ی
نف ها گذا شتیم ، مکتب بعد از
ند رو ز خو بتر از او ل آ باد
د . همه اها لی قر یه پیر وجوان،
ردوزن سو گند یاد میکرد ند
د یگر به دشمنا ن و طن اجازه
وا هند داد تا مکتب اولا د ها ی
انرا به آتش بکشند . جوا نا ن
یر قریه‌گروپ ها ی مقاو مت را
تیب دا د ند و امنیت قر یه
تضمین نمودند . همه شا ن‌سلاح
ست گر فتند و به در وزمین‌های
ود شرو ع کردند . همه برا ی
میگفتند : ((خو ب شد شما
د ید اگر نی درو ها ی مامیماند
گند م ها می تکید .))
ما به قرارگاه آمدیم و تر تیبا ت
ساختما ن پل را گر فتیم بعداز
اد شد ن پل مو فق و پیروز بر
یگر د یم. همچنا ن که گفته بودی
ز قبا ل وطندا را ن و ظیفه‌خودراادا
کردم و این و ظیفه را تا پایا ن‌عمر
امه مید هم . هنو ز گفته ها یت
که : ((آرا می و جدان در ا جرا ی
ظیفه است .)) فرا مو شم نشده
جا زه بد ه فقط آخر ین کلام خودرا
اجندجملهٔ دیگر برا یت بنویسم
عجله دارم از ینکه درو س سیاسی
عطل نشود .

عزیز م ! اکنو ن عشق من
پذ یرا گردید ه ، دامنه آ ن وسیع
شد ه ، به عشق تود ه ها عشق
بمرد م و انقلا ب مبد ل گر د یده
است . حا ل قلب کو چکم آرزوهای
نجیبا نهٔ حزبم را ، خدمت بمرد م
را، نجات آنها راازرنج‌وبیسوا دی،
فقر و جها لت ، در خود جا ی
داده ا ست . اکنو ن آنقدر عشق
در قلبم جای گر فته، آنقد ر
احساس انساندو ستی در من زنده
شد ه که تفسیر آ ن نا ممکن است
با انهم میخوا هم از تو خوا هشی
کنم ، برا یم جلد دو م کتا ب
«فولاد چگو نه آبد یده شد»
را روان کن که مطا لعه نما یم.مطا-
لعه با چرا غ فلیته ای کیف دیگری
دارد ، جلد اول آ ن در وجو د م
شعلهٔ را فر وزا ن کرد که هر گز
خاموش نخوا هد شد .
عشق مرد م ، وطن ، انقلا ب
وتوده ها در و جود م شعله و ر
گردید ه است . هر لحظه د لم
میخوا هد پر واز کنم . من به
اقتضا ی این احسا س از تو
میخوا هم بیش از ین کمکم کن
وکتا ب د یگر ی را بنا م ((وظیفهٔ
مقد س تو)) بفر ست،زیرامیخواهم
از آن نیز وظیفهٔ خود را بهتردرك
کنم . درین کتا ب شعا ر ی نو شته
شد ه ، قهرما ن آ ن با تحمل رنج
ها ی بیکرا ن و مشکلا ت گو نه‌گونه
میدا نی چه نو شته است . وقتی
او تصمیم گر فته را ه ها ی دور و
دراز را طی و بمرد م ایکه از افراط
مرض مرگ آ نها را تك‌تك میبرد
خو د ر ا بر سا ند ، ضمن
یخبند ی و سر ما ی طو فا نی که
وجود ش را فر ا گرفته بود نو شته
که: ((من خود م را میسو زم تا
بد یگرا ن رو شنا ئی ببخشم .))
واینك من نیز با تما م عشقم وعده
مید هم که خودم را میسو زم تا
دیگران را نجا ت دهم .
افسو س که اد بیا ت نمیدا نم
تا حا لت درو نی خو یش را برایت
تجسم میکر دم .روحم ، روانم،
آرزو یم ، امید ها یم همه و همه
متو جه میهن و انسا ندو ستی
میبا شد . من انسا ن ز حمتکش‌را
دو ست دا رم و با ایشا ن علا قه
گر فته ام . هر گز د لم از ا یشان
دور نخواهد شد . میدانی ،خواب،
استرا حت تفر یح ، و شا د ی را
فرا مو ش کرده ام . در برا بر
اطفال اهالی که صبحا نه مکتب
میروند باتمام احساسم‌نگاه میکنم.از
چهرهٔ آنها ، صداقت ، ا ستعداد ،
تفکر و اند یشمند ی را ملا حظه
می نما یم . میخوا هم برا ی‌زند ه
نگهدا شتن این آرما نها کمکم
کنی .
خو شبخت با شید .

بقیهٔ صفحه ۱۳

اشعهٔ لایزر و..

بود. درسا ل ۱۹۶۷ داکتر ال مازو
هنگا میکه او یك قسمت عمده و
مر کزی یك شریا ن عصبی را تحت
شعا ع لایزر قرار داد در یا فت‌که
فشار شریا نی خو ن مریضا ن
مربوط به سر عت بعد از اولین
تطبیق شعا ع تا هش یا فته‌وبعد از
تطبیق بیست تجر به در مورد ،فشار
خون مریضا ن مذکور استقرا ریافت
واین کار الی چند ین ماه شکل
نورما ل خویش را حفظ کرد . این
نتایج بعدا توسط سا یر مطالعا ت
درمورد ، تایید شد . باین معنی‌که
دوتن از دوکتورا ن انستیتو ت
تحقیقاتی پتا لو ژی منطقو ی در
قزا قستا ن اتحاد شورو ی بعداز
استعما ل اشعه لایز ر بر (۱۱۸)
مریض مصا ب به فشار بلند خون
دریا فتند که بعد از تطبیق شانزده
تا هجده دور شعاع لایزر برمریضان
مذکور ، فشار خون (۱۰۸) مریض
از جمله (۱۱۸) نفر به حال عادی
گرایید ووضع عمومی ده تن با قی
مانده نیز بهبود یافته است .
استفاده از لایز ر در امرا ضی
برانشیتی نیز نتایج خو ب بار
آورده است به طور یکه بعدازتطبیق
دورکامل شعاع فر فیت تنفسی و
هوا دیر ی مریض طور قابل ملاحظه
افزایش یافته سر فه او متو قف
و یا خیلی کم گردیده است . این
حالت تقریبا برا ی نصف سا ل‌دوام
داشته است .
امروز از اشعه لایز ر درتداو ی
یك تعداد امرا ض معینی دیگر نیز
استفاده شده واین پرو سه درسر
تاسر اتحاد شوروی که در آن‌کشور
خدمت طبی و تعلیمی‌برای عمو م
مجانی ورایگا ن است ، در حا ل
گسترش میباشد .
در مسکو از شعا ع لایز ر در
معا لجه مر ض اسچیمیاو در-
منسك از آن در معا لجه تو مور
های معینی استفاده می شود .کذا
استفاده از اشعه لایز ر درکلنیك
های کیف ، لیننگراد ، ستا ر تو ف
او دسیه وسایر شهر ها ی‌اتحاد
شوروی جریا ن دارد .
یك پرو فیسر طب درپو هنتون
الماتا گفت مسا له استفاده از اشعه
لایزر چنانکه در نظر او ل معلوم
می‌شود چندان آسا ن نیست . او
افزود هنگا میکه نخست در مورد
نتایج استفاده از اشعه لایز ر فکر
کنیم این انتباه پیدا می شود که‌گویا
ما بکدا م طریقه مو ثر معا لجه
امراض دست یا فته وآنرا کشف
کرده ایم ولی چنین نیست زیرا
علی الر غم آنکه آزما یشا ت کلینکی
با ار تبا ط به مسئاله استفاده از
لایزر نشا ن داده که اشعه مذکور
به حیث یك کل نتا یج مثبت رادر
حالات واشکا ل خفیف امرا ض بار
آورده ونتایج آن در تداو ی یك‌تعداد
امراض در مرا حل‌اولی وا ضح‌بوده
است ومریضا ن به میتود جد ید
معالجه جوا ب مسا عد گفته اند ،
معهذا در بعضی حا لات پیچیده
نتایج میتواند بهبود موقتی تلقی
شود . مخصو صا هنگا میکه بعوض
رفع علل مر ض بر نتا یج آن‌متمر کز
بود. طور مثال فشار بلند خو ن‌فقط
اخرین ارتبا ط در سلسله طو لا نی
وپیچیده سیستم عصبی است که‌با
ایجاد کوچکتر ین تغییر در سطح
ما لیکو لی تغییر می کند . البته
تاثیر مطلو ب وقتی حا صل خوا هد
شد که مابدانیم که چگو نه میتوانیم
تغییرا ت در سیستم عصبی را از
طریق انداختن شعا ع لایزربرناحیه
مربو ط متو قف سازیم .
تحقیقا ت برا ی قرار داد ن اشعه
لایزر به حیث آله مو ثر در دست
دکتورا ن طب همچنا ن در اتحاد
شوروی وسایر نقا ط جها ن ادا مه
دارد که نتایج آن در پیشر فت‌مزید
علم طب وتحقیقا ت طبی نقش‌قابل
ملاحظه داشته انسا ن را درمبارزه
علیه امرا ض یار ی بیشتر ی‌خواهد
کرد .

دولتی مطبعه

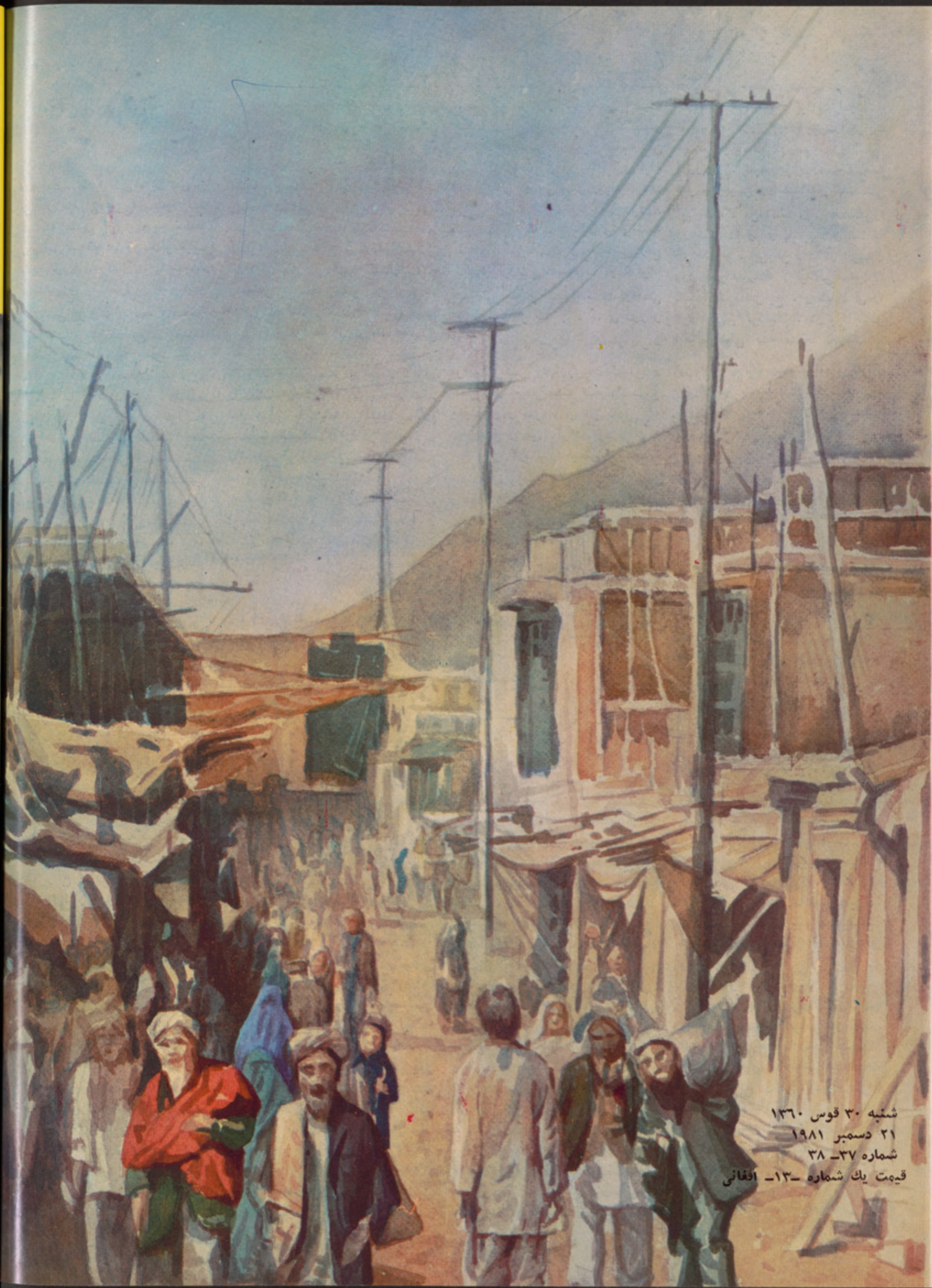

شنبه ۳۰ قوس ۱۳۶۰
۲۱ دسمبر ۱۹۸۱
شماره ۳۷ـ ۳۸
قیمت یك شماره ـ۱۳ـ افغانی